

## بخش پنجم

موضوعات دیگر درباره

کنوانسیون روابط دیپلماتیک



## موضوعات دیگر درباره کنوانسیون روابط دیپلماتیک

موضوعاتی در کنوانسیون روابط دیپلماتیک و یا خارج از آن هست که در چهارچوب مباحث گذشته نمی‌گنجد ولی نیاز به بررسی دارد.

این موضوعات تحت عناوین زیر، مورد بررسی قرار می‌گیرند:

- تکالیف نمایندگی دیپلماتیک و اعضای آن در برابر دولت پذیرنده
- منع فعالیت‌های انتفاعی مأموران دیپلماتیک
- عدم تبعیض در اجرای کنوانسیون روابط دیپلماتیک
- ارتباط نهاد دیپلماتیک با نهاد کنسولی
- تفاوت‌های دو نهاد دیپلماتیک و کنسولی
- شباهت‌های دو نهاد دیپلماتیک و کنسولی
- حل اختلافات درباره مقررات کنوانسیون روابط دیپلماتیک

### تکالیف در برابر دولت پذیرنده

ماده ۴۱ کنوانسیون روابط دیپلماتیک دارای سه بند است. با بررسی محتویات این سه بند می‌توان گفت که ارتباط چندانی بین آنها نیست.

اگر خواسته شود که یک عنوان واحد برای این سه بند انتخاب گردد، شاید عنوان «تکالیف در برابر دولت پذیرنده» مناسب باشد، بدون آنکه ادعا شود این عنوان جامعی است. در کنوانسیون کنسولی، ماده‌ای که کم و بیش به این مطالب مربوط است ماده ۵۵ می‌باشد که عنوان آن «احترام به قوانین و مقررات دولت پذیرنده» است.

محتویات سه بند ماده ۴۱ کنوانسیون دیپلماتیک به شرح زیر می‌باشد:

بند اول - تکلیف اعضای نمایندگی در احترام به قوانین کشور پذیرنده

بند دوم - کلیه امور رسمی نمایندگی باید از طریق وزارت خارجه پذیرنده انجام گیرد.

بند سوم - از اماکن نمایندگی فقط برای انجام وظایف دیپلماتیک استفاده شود.

این سه بند در سه مبحث جداگانه ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### تکالیف اعضای نمایندگی در احترام به قوانین کشور پذیرنده

متن بند اول از ماده ۴۱ چنین است:

«کلیه اشخاصی که از مزایا و مصونیت‌ها بهره‌مند می‌باشند، بدون آنکه به مزایا و مصونیت‌های آنان لطمه وارد آید، مکلفند قوانین و مقررات دولت پذیرنده را محترم شمرده و از مداخله در امور داخلی این دولت خودداری نمایند».

نکات زیر درباره این بند قابل توضیح و بررسی است:

● در این متن تصریح شده که تکلیف اعضاء نمایندگی در احترام به قوانین محل، در برابر امتیازاتی است که دولت پذیرنده به آنها داده است. علت این است که اگر یک نفر خارجی در کشور پذیرنده مرتکب اعمال خلاف قانون و مقررات شود، توقیف و زندانی و محاکمه می‌شود

و به مجازات می‌رسد، ولی چون اعضاء نمایندگی را نمی‌توان اصولاً توقیف یا زندانی و محاکمه کرد و به مجازات رساند، بنابراین در مقابل این امتیازات به آنان توصیه می‌شود که خود قوانین و مقررات کشور پذیرنده را رعایت کرده و محترم شمارند.

● هم‌گامی با مخالفین حکومت و یا انتقاد از سیاست دولت پذیرنده خود نوعی دخالت در امور داخلی این کشور تلقی می‌شود.

در این زمینه سوابق زیاد در روابط بین دولت‌ها وجود دارد.

در بحران ملی شدن نفت ایران، کاردار سفارت برزیل در تهران علناً از سیاست دولت مصدق انتقاد کرد و موجب شد که وی به عنوان «عنصر نامطلوب» اعلام شده و ناچار به ترک ایران شود.

سفیر ایران در ترکیه نیز در اجتماعی، بیاناتی که در حقیقت تأیید سیاست حکومت وقت (حزب رفاه) که اسلام‌گرا بود، ایراد کرد. این بیانات با اینکه در جهت موافق سیاست دولت حاکم بود، مخالفین حکومت را خوش نیامد و گفتار او را دخالت در امور داخلی کشور خود تلقی کردند و همین موجب گردید وی به صورتی محترمانه از آن کشور فراخوانده شود.

شرکت در تظاهرات علیه دولت حاکم نیز برای دیپلمات‌ها که نماینده رسمی کشور خود هستند نوعی دخالت دولتی در دولت دیگر تلقی می‌گردد و موجب می‌شود که شخصی به عنوان «عنصر نامطلوب» اعلام گردد.

در فروردین ۱۳۷۶ (اواخر مارس ۱۹۹۷) دبیر اول سفارت آمریکا به نام سرگی الکساندروف، در مینسک (پایتخت روسیه سفید) در تظاهراتی که علیه سیاست دولت در رابطه با اتحاد این کشور با روسیه برپا شده بود شرکت کرد. پلیس او را بازداشت کرد و سپس «عنصر نامطلوب» اعلام گردید و خروج او خواسته شد.

با اینکه از نظر حقوق بین‌الملل، دولت روسیه سفید در این اقدام کاملاً محق بود، معذک دولت آمریکا که از سیاست نزدیکی روسیه سفید با روسیه

خشنود نبود، چند روز بعد در مقابل، به صورت اعتراض سفیر خود را از این کشور فراخواند، عملی که می‌باید واکنشی نابجا در این مورد تلقی گردد.

● بند اول ماده ۴۱ ضمن آنکه امتیازات را، با احترام به قوانین، پیوند داده ولی این دو موضوع را بکلی از هم جدا می‌کند و می‌گوید «بدون آنکه به مزایا و مصونیت‌های آنان لطمه وارد آید، مکلفند...» بنابراین اگر عضوی، برخلاف تکلیفی که برعهده اوست، عملی ناقض قوانین و مقررات انجام دهد، این عمل، به امتیازات او لطمه‌ای وارد نمی‌کند. به همین جهت، عضوی که مرتکب جنایت هم شده باشد، مصونیتش برجاست و نمی‌توان او را توقیف یا بازداشت و یا زندانی کرد (موضوع ماده ۳۱) و تنها راه مقابله با او اعلام کردن وی به عنوان «عنصر نامطلوب» است.

● عدم دخالت در امور داخلی، که در بند اول ماده ۴۱ به اعضای نمایندگی تکلیف شده، در حقیقت انعکاس اصل قدیم حقوق بین‌الملل دایر بر «عدم دخالت دولت‌ها در امور داخلی یکدیگر» می‌باشد. چون مأمورین دیپلماتیک نماینده دولت فرستنده هستند و نمایندگی، کلیه امورش، به دولت فرستنده منسوب است، پس دخالت اعضای آن، دخالت دولت فرستنده در امور داخلی دولت پذیرنده، که در صلاحیت ملی این کشور است، تلقی می‌گردد.

● دخالت اگر به تقاضای آشکار یا با توافق پنهان دولت پذیرنده باشد، نمی‌توان آن را به عنوان «دخالت در امور داخلی» تلقی کرد.

در این مورد مثال فراوان است، مانند دخالت رژیم سابق ایران در امور داخلی عمان در قضیه ظفار.

همچنین فعالیت‌های محرمانه سفارت ایران در واشنگتن، هنگام انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در حمایت از حزب جمهوریخواه و برای پیروزی ریچارد نیکسون. نکته قابل توجه اینکه این دخالت به ابتکار دولت ایران نبود، بلکه در انجام تقاضای بعضی مقامات آمریکائی صورت گرفت.

و اما از دخالت‌های ناموجه، که عواقب نکبت‌بار برای ملت ایران داشت، دخالت آمریکا بود به منظور براندازی حکومت ملی مصدق که با توافق پنهانی رئیس‌کشور در ایران صورت گرفت.

در تکمیل مفاد این بند باید افزود که در ازاء امتیازاتی که به مأمورین دیپلماتیک و سایر اعضاء نمایندگی داده می‌شود، اینان وظیفه دارند که از وضع ممتاز خود سوء استفاده نکنند، مثلاً از مزایای معافیت گمرکی، برای زیاد وارد کردن کالا به منظور فروش، از مصونیت محل اقامت برای پناه دادن به افرادی که می‌خواهند از پنجه عدالت بگریزند و یا تشکیل مراکز فساد، از آزادی رفت و آمد برای حضور در تظاهرات و بالاخره شرکت در طرح‌های توطئه علیه دولت پذیرنده، که اینها همه سوء استفاده از امتیازات بشمار می‌رود.

اعضاء نمایندگی باید در مسائل کم‌اهمیت‌تر که گاه مجازاتی هم در پی ندارد، باز قوانین و مقررات محل را رعایت نمایند، مثلاً مقررات راهنمایی را نقض نکرده و از پارک کردن اتومبیل در نقاط ممنوعه و یا راندن با سرعت بیش از اندازه مقرر، خودداری نمایند.

● گرچه در بند اول ماده ۴۱ تصریح نشده، ولی لازم است جنبه منفی تکالیف اعضاء نمایندگی نیز در نظر گرفته شود، یعنی اعضاء نباید در حالی که از مصونیت برخوردارند خود را در معرض خطر قرار دهند، زیرا اگر مأمور دیپلماتیک به اتکای مصونیتی که دارد خود را به خطر اندازد و سانحه‌ای پیش آید، نمی‌تواند مدعی نقض مصونیت خویش باشد.

*از نظر تاریخی قتل ماژور ایمری نماینده آمریکا را که بدون توجه به سنن و رسوم و خلق و خوی و اعتقادات عوام‌الناس، از سقاخانه‌ای عکس گرفت و خشم مردم را برانگیخت و فاجعه‌ای بیار آورد، می‌توان مثال آورد.*

*همچنین قضیه گریبایدوف، نماینده روسیه که او هم علی‌رغم تشنج اوضاع، به سنن و رسوم و خواسته‌های مردم توجهی نکرد و موجبات اغتشاش و در نتیجه قتل خود را فراهم کرد، نمونه دیگری است.*

*هر دو مورد، دو دیپلمات، در حقیقت قربانیانی بودند که دانسته و آگاه خود را در معرض خطر قرار دادند و در واقع دولت ایران را نمی‌بایست مسئول قتل آنان دانست.*

شرکت در تظاهرات، حتی برای تماشا و یا حضور در اغتشاشات برای کنجکاو و کسب اطلاعات نیز در صورتی که جان مأمور در معرض خطر قرار گیرد، از دولت پذیرنده سلب

مسئولیت می‌کند.

وظیفه هر عضو سفارت است که در روزهایی که در کشور پذیرنده ناآرامی و اغتشاش است و یا حکومت نظامی برقرار می‌باشد، دستورهای مقامات و مقررات محلی را به دقت رعایت نماید تا در معرض خطر قرار نگیرد و گرفتاری‌ها و ناراحتی‌هایی را در روابط بین دو دولت فرستنده و پذیرنده بوجود نیاورد.

### وزارت خارجه، تنها کانال ارتباطی نمایندگی‌ها با دولت پذیرنده

بند دوم از ماده ۴۱ چنین است:

«کلیه امور رسمی که برای اقدام و مذاکره با دولت پذیرنده از طرف دولت فرستنده به عهده نمایندگی گذاشته شده باید از طریق وزارت امور خارجه دولت پذیرنده یا به وسیله آن و یا هر وزارت‌خانه دیگری که مقرر است انجام گیرد».

نکات زیر درباره این بند قابل توضیح و بررسی است:

● مفاد این بند را دشوار می‌توان جزء تکالیف در برابر امتیازات بشمار آورد. در کنوانسیون روابط کنسولی هم این تکلیف در ماده ۳۸ تحت عنوان «ارتباط با مقامات دولت پذیرنده» آمده است و جزء ماده ۵۵ که برابر ماده ۴۱ کنوانسیون دیپلماتیک می‌باشد و عنوان «احترام به قوانین و مقررات دولت پذیرنده» را دارد آورده نشده است.

● عموماً، دولت‌ها مایل نیستند که اعضای نمایندگی خارجی، مستقیماً با مؤسسات و ادارات و وزارت‌خانه‌های آنها تماس داشته باشند و این جدائی تا به حدی مراعات می‌شود که اصولاً "کارت‌های دعوت به ضیافت‌ها که از طرف نمایندگی‌ها به مناسبت‌های مختلف برپا می‌گردد باید معمولاً" همه به وزارت خارجه دولت پذیرنده ارسال و از طریق آن توزیع گردد و به دست مقامات رسمی مربوطه دولت پذیرنده برسد.

● وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات دولت پذیرنده نیز در انجام وظایف خویش در ارتباط با

نمایندگی‌های خارجی باید از مجرای وزارت خارجه کشور متبوع خود (دولت پذیرنده) اقدام نمایند.

قانون وظایف وزارت امور خارجه مصوب ۱۳۶۴/۱/۲۰ مجلس شورای اسلامی، در ماده ۳ چنین آمده است: «کلیه نهادها و ارگان‌های جمهوری اسلامی مکلفند در تنظیم مناسبات و برقراری هر نوع ارتباط با دول خارجی و انعقاد قرارداد و همکاری‌های فنی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و نظامی با کشورهای خارج و سازمان‌های بین‌المللی، هماهنگی سیاسی لازم با وزارت امور خارجه به عمل آورده و وزارت خارجه نیز مکلف است نسبت به فراهم آوردن موجبات تأمین هماهنگی و ایجاد ارتباط و تسهیلات لازم براساس اصول و سیاست‌های خارجی و حفظ مصالح جمهوری اسلامی ایران اقدام لازم را معمول دارد».

دلیل این که وزارت خارجه در کشورها واسطه نمایندگی‌های خارجی و ادارات و وزارت‌خانه‌های داخلی قرار می‌گیرد این است که همه امور اقتصادی، بازرگانی، فرهنگی، مطبوعاتی و غیره باید از صافی سیاست خارجی کشور، که وزارت خارجه مأمور اجرای آن است، بگذرد.

اگر روابط دو کشور تیره باشد، آثار آن بر کلیه روابط اقتصادی و فرهنگی و هنری و ورزشی هم سایه می‌افکند و این وزارت خارجه است که باید این فعالیت‌ها را کنترل کرده و این ارتباطات را گاه تشویق و یا منع نماید. چنانچه روابط دو کشور بر اثر اختلافات متشنج باشد، اعزام هیأت اقتصادی برای بستن قراردادی ممکن است مخالف با سیاست کلی کشور تلقی گردد و برخلاف اگر دو کشور تمایل به نزدیکی و تفاهم داشته باشند، اعزام یک تیم ورزشی و یا شرکت در یک نمایشگاه ممکن است زمینه‌ساز باشد.

نزدیکی چین و آمریکا با اعزام تیم پینگ پنگ بین دو کشور آغاز گردید که منجر به برقرار شدن روابط دیپلماتیک بین دولتین شد و این روش همان است که «سیاست پینگ پنگ» نام گرفت.

در مورد ایران و آمریکا نیز آمدن تیم کشتی این کشور را به ایران در فوریه

۱۹۹۸، بعضی محافل، مقدمه تجدید روابط تصور کردند.

● در بند دوم، یک نکته مبهم از نظر حقوقی وجود دارد و آن اصطلاح «امور رسمی» است که می‌باید از طریق وزارت خارجه اقدام گردد. ابهام در این است که در کنوانسیون اکثراً سخن از «وظایف نمایندگی دیپلماتیک» رفته است، آیا بین «انجام وظایف نمایندگی دیپلماتیک» با «اقدام امور رسمی» تفاوتی هست یا نه. بعضی از حقوقدانان هر دو را به یک معنی گرفته‌اند و بعضی مفهوم اقدامات رسمی را محدودتر از انجام وظایف نمایندگی می‌دانند و در هر حال هنوز خطی مشخص و دقیق که این دو مفهوم را از یکدیگر جدا سازد ترسیم نشده است.

### عدم سوء استفاده از اماکن نمایندگی

بند سوم از ماده ۴۱ چنین است:

«اماکن نمایندگی طوری مورد استفاده قرار خواهد گرفت که با وظایف نمایندگی مندرج در این کنوانسیون یا در سایر قواعد حقوق بین‌الملل کلی و یا توافقی خاص لازم‌الاجراء بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده، مغایر نباشد.»

نکات زیر درباره متن بند سوم قابل توضیح و بررسی است:

● منظور از اماکن در این بند شامل مقر سفارت، اقامتگاه رئیس نمایندگی و محل اقامت مأمورین دیپلماتیک و کارمندان اداری و فنی می‌باشد (استنباط از ماده ۲۲ و ماده ۳۰ بند اول و ماده ۳۷ بند دوم کنوانسیون).

در این جا تکلیف شامل دولت فرستنده (در مورد مقر سفارت) و اعضاء نمایندگی (در مورد محل اقامت آنان) است.

● اعضای نمایندگی نباید از مصونیت اماکن سوء استفاده کرده و در آنجا عملیات خلاف قوانین کشور پذیرنده که به نحوی به این کشور آسیب رساند، مرتکب گردند، مثلاً از مصونیت مسکن سوء استفاده کرده برای انجام معاملات غیرقانونی، با خرید و فروش اشیاء ممنوعه و یا

انبار کردن اسلحه و امثال آن مبادرت نمایند.

در دهه‌های اخیر، بارها در سفارتخانه‌هایی در خاور نزدیک و خاورمیانه، سلاح‌هایی با سوء استفاده از معافیت بازرسی گمرکی و مصونیت اماکن نمایندگی وارد کشور پذیرنده شده تا برای مقاصد خرابکارانه بکار رود. چندبار هم این موضوع کشف و برملا شده و در نتیجه موجب تیرگی روابط دولت فرستنده و پذیرنده گردیده است.

- از نظر حقوق بین‌الملل، هرگونه دخالت در امور داخلی که موجب تضعیف حکومت پذیرنده گردد و یا شرکت در توطئه برای براندازی آن، منع شده است.
- بنابراین هرگونه اجتماع به این منظور در اماکن نمایندگی و دعوت مخالفین و کمک به آنان، یا پناه دادن به ایشان موجب مسؤولیت دولت فرستنده خواهد بود.
- در زمینه اماکن، و پناهندگی قبلاً در مبحث مصونیت اماکن نیز توضیح داده شده است.

### تکالیف در برابر دولت فرستنده

از تکالیف اولیه هر نمایندگی آن است که از قوانین و مقررات کشور فرستنده تخطی ننماید، زیرا در این صورت، خاصیت نمایندگی آن مفهوم خود را از دست می‌دهد. این نکته با اینکه بدیهی است، در کنوانسیون روابط دیپلماتیک مورد بحث قرار نگرفته و دلیل این که اختلاف نمایندگی با دولت فرستنده یک اختلاف داخلی بشمار می‌آید که اصولاً به دولت پذیرنده ربطی ندارد. برای مثال اگر یک نمایندگی در صدور گذرنامه یا ویزا و یا گواهی اسناد، از مقررات کشور خود تخلف کند، تا هنگامی که به منافع کشور پذیرنده و اتباع آن ضرری نرساند، موضوع جنبه بین‌المللی پیدا نمی‌کند و به حقوق دیپلماتیک مربوط نمی‌شود.

در اواخر سال ۱۹۹۵ خبری فاش شد که دستگاه دیپلماسی کشور آمریکائی

کستاریکا را به لرزه درآورد. روزنامه اینزوستیا، چاپ مسکو، در اوائل ماه نوامبر

۱۹۹۵ خبر داد که کنسول افتخاری کستاریکا در مسکو به نام سرگی میخائیلوف  
Serguei-Mikhailov از سردستگان مافیا در آن شهر است.

نگارنده در آن زمان، به دعوت دوست و همکاری به کستاریکا رفته و شاهد  
جنگالی که در پی این خبر در کلیه محافل برپا شد، بودم. روزنامه (لاناسیون)  
La Nacion چاپ سن خوزه (پایتخت کستاریکا) در شماره ۱۷ نوامبر ۱۹۹۵، در  
صفحه اول با عناوین درشت از این افتضاح پرده برداشت و معلوم شد که چندین  
سفارت و پست کنسولی در این قضیه دست داشته‌اند. قابل توجه اینکه این گروه  
مافیائی، یک آگهی محرمانه به زبان انگلیسی چاپ کرده و در سراسر اروپا برای  
اشخاص مورد نظر می‌فرستاد. عین آگهی در روزنامه چاپ شده و بنابراین به  
مشتریان احتمالی توصیه شده بود برای فرار از مالیات، فرار از تعقیب قضائی،  
نپرداختن سهم‌الزوجه، گشودن حساب بانکی به نام مستعار، مکاتبات محرمانه به نام  
مستعار و... از هویت جدید با شناسنامه و گذرنامه جدید استفاده نمایند!! بهای  
گذرنامه عادی ۲۳ تا ۲۸ هزار دلار و گذرنامه دیپلماتیک گرانتر!

همین روزنامه (لاناسیون) در شماره ۲۱ نوامبر ۱۹۹۵ خبر داد که صد  
پست در وزارت خارجه کستاریکا حذف شده و ده کارمند پست کنسولی افتخاری  
در کشورهای اروپائی از کار برکنار شده‌اند.

وزیر خارجه نارانجو Naranjo اعلام کرد که کمیته خاصی برای تصفیه  
وزارت خارجه تشکیل می‌شود که هدفش پاکسازی این وزارتخانه است. این کمیته  
می‌بایست در اوائل سال ۱۹۹۶ گزارش کار خود را عرضه نماید که نگارنده از نتایج  
آن بی‌خبر است ولی به هر حال این قضایا، یک امر داخلی کستاریکا در رابطه با  
نمایندگی‌ها و پست‌های کنسولی‌اش تلقی می‌گردد.

## منع فعالیت‌های انتفاعی مأموران دیپلماتیک

مأموریت دیپلماتیک یک حرفه تمام وقت است.

در گذشته که امتیازات دیپلماتیک بصورت تعهدات بین‌المللی وجود نداشت، وظایف

سفارت نیز ممکن بود، در جوار مشاغل دیگر، به هر شخصی واگذار گردد، ولی امروز به سبب اهمیت و رسمیت این حرفه و امتیازاتی که به آن تعلق می‌گیرد، برعهده گرفتن آن با مشاغل دیگر مغایرت دارد.

کنونسیون روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱) طی ماده ۴۲ چنین می‌گوید:  
 «مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده، فعالیت حرفه‌ای یا تجاری به قصد انتفاع شخصی نخواهد داشت».

در باره این ماده چند نکته قابل توضیح است:

● در آغاز، محتویات ماده ۴۲ در طرح کمیسیون حقوق بین‌المللی پیش‌بینی نشده بود. نماینده کلمبیا، متن زیر را پیشنهاد کرد:

«اصولاً مأمور دیپلماتیک در کشور محل مأموریت به هیچ کار حرفه‌ای یا بازرگانی که منظور از آن تحصیل درآمد شخصی باشد، اشتغال نخواهد ورزید ...»

لازم به یادآوری است که ماده ۳۴ در تبصره (د) چنین می‌گوید: «مالیات و عوارض مأخوذه از درآمدهای شخصی (دیپلمات) حاصل در دولت پذیرنده و همچنین مالیات بر سرمایه‌های به کار افتاده در بنگاههای تجاری این دولت» مشمول مالیات است. بین این دو متن در آغاز تعارضی نبود، زیرا کلمه «اصولاً» از قاطعیت ماده ۴۲ می‌کاست ولی پس از مذاکرات در کنفرانس، کلمه «اصولاً» از ماده ۴۲ حذف گردید و بین این ماده و ماده ۳۴ تعارض آشکار گردید.

نشریه وزارت امور خارجه - دوره سوم - شماره ۱، شهریور ۱۳۴۴ - مقاله (عهدنامه وین ۱۹۶۱) از حسین شهیدزاده - صفحه ۲۴.

● مأموران دیپلماتیک که از طرف دولت فرستنده اعزام می‌شوند، حقوق و مزایای خود را مستقیماً از طرف دولت متبوع خود دریافت می‌دارند، امتیازات مختلف هم که در کشور پذیرنده به آنان داده می‌شود، برهمن اساس است که از وجوهی که دولت فرستنده ارسال می‌دارد، مالیات و عوارض و حقوق گمرکی و غیره دریافت نشود، پس اگر مأموری در کشور

پذیرنده به فعالیتهای انتفاعی بپردازد و درآمدی در محل کسب کند، مشمول مالیات خواهد شد که با امتیازات او مغایرت دارد.

● ممنوعیت اشتغال، منحصراً شامل مأمورین دیپلماتیک است ولی کارمندان اداری و فنی که از امتیازاتی نزدیک به مأموران دیپلماتیک برخوردارند و همچنین کارکنان نمایندگی و خدمتکاران شخصی و خانواده همه گروهها، حق فعالیت خصوصی انتفاعی، در چهاردیوار قوانین و مقررات کشور پذیرنده را دارند ولی در برابر از امتیازاتی که طبق کنوانسیون روابط دیپلماتیک به آنان تعلق می‌گیرد، محروم می‌گردند.

● در کنوانسیون روابط دیپلماتیک، وضع کارمندان اداری و فنی و کارکنان و خدمتگزاران شخصی به روشنی بیان نشده و در باره اینان به سکوت برگزار شده است و همین سکوت را باید حمل بر عدم ممانعت کرد ولی در کنوانسیون روابط کنسولی، طی ماده ۵۷ بند دوم همین مطالب را در باره کارمندان کنسولی به روشنی بیان کرده و طی آن می‌گوید در صورتیکه آنان ضمن کار در پست کنسولی به مشاغل خصوصی انتفاعی بپردازند، از امتیازات محروم می‌گردند و همین مقررات را باید در مورد کارمندان اداری و فنی و کارکنان و خدمتگزاران نمایندگی دیپلماتیک تسری داد.

● در قیاس با ماده ۵۷ کنوانسیون روابط کنسولی، می‌توان در مورد خانواده اعضاء نمایندگی دیپلماتیک چنین نتیجه گرفت که:

اولاً، اعضاء خانواده مأمورین دیپلماتیک می‌توانند در کشور پذیرنده کار کنند ولی از امتیازات خود محروم می‌شوند.

ثانیاً کارمندان اداری و فنی و اعضاء خانواده آنان و کارکنان و خدمتگزاران شخصی نیز می‌توانند در کشور پذیرنده، طبق قوانین، کار کنند ولی در مقابل امتیازات خود را از دست خواهند داد.

ثالثاً کارمندان اداری و فنی و کارکنان نمایندگی و خدمتکاران شخصی، اگر فعالیت

انتفاعی داشته باشند، در این صورت اعضاء خانواده آنان نیز از امتیازات خود محروم می‌شوند گرچه این افراد خانواده، خود فعالیت انتفاعی نداشته باشند.

● در ماده ۴۲، نکته مبهمی است و آن تعریف «فعالیت حرفه‌ای یا تجاری به قصد انتفاع شخصی» است.

در این تعریف حدود فعالیتها مشخص نشده، مثلاً فعالیت در بورس و خرید اوراق سهام به قصد انتفاع را آیا می‌توان شغل خصوصی به قصد انتفاع توجیه کرد، گرچه مآلاً چنین است، همچنین در مورد خرید بلیط بخت‌آزمایی یا شرط‌بندی در اسب‌دوانی و یا بازی قمار در کازینو. واضح‌تر گفته شود، اگر مأمور دیپلماتیک که مرتباً بلیط بخت‌آزمایی خریداری می‌کند اگر برنده بزرگ بخت‌آزمایی شود نمی‌توان عمل او را مشمول فعالیت خصوصی به قصد انتفاع شخصی توصیف کرد. همچنین است اگر در کازینو مبلغ کلانی هم برنده شود، گرچه عمل او در حقیقت هم به قصد انتفاع می‌باشد ولی حرفه‌ای نیست. مع‌ذلک، ممنوعیت «فعالیت حرفه‌ای یا تجاری به قصد انتفاع شخصی» که در ماده ۴۲ تصریح شده حدود مشخصی ندارد و نارسا است.

### عدم تبعیض در اجرای کنوانسیون دیپلماتیک

ماده ۴۷ در بند اول، اصل عدم تبعیض در اجرای کنوانسیون روابط دیپلماتیک را اعلام می‌کند. به موجب آن:

«دولت پذیرنده در اجرای مقررات این کنوانسیون تبعیضی بین دولتها قائل نخواهد شد». و این اصل منطقی است که در مورد همه کنوانسیونها، چه در آن به صراحت ذکر شده و یا نشده باشد می‌باید اجرا شود.

مع‌ذلک، در بند دوم همین ماده ۴۷ طی دو تبصره دو مورد استثناء بر اصل مزبور ذکر شده ولی تصریح گردیده که این دو مورد را نباید تبعیض در اجرای کنوانسیون به‌شمار آورد. تبصره اول موقعی است که: «دولت پذیرنده یکی از مقررات این کنوانسیون را به علت آنکه در

دولت فرستنده نسبت به نمایندگی آن در این مورد محدودیت قائل شده‌اند بطور محدود اجرا کند.».

موضوع این تبصره، اعمال اصل «عمل متقابل» است، در هنگامی که دولتی در اجرای کنوانسیون روابط دیپلماتیک، محدودیتهایی نسبت به اعضای نمایندگی دیپلماتیک یک یا چند دولت تحمیل کند. در این صورت، دولت یا دولتهای دیگر که مورد محدودیت قرار گرفته‌اند می‌توانند، عمل متقابل کرده و همان محدودیتها را نسبت به اعضای نمایندگی آن دولت اعمال نمایند. از نظر حقوقی، عمل متقابل را می‌توان یک نوع ضمانت اجراء برای مقررات کنوانسیون روابط دیپلماتیک به شمار آورد.

*دولتهای کمونیست سابق، محدودیتهایی نسبت به آزادی رفت و آمد اعضای نمایندگی بعضی از کشورهای گروه غرب قائل شده و تجاوز از شعاعی در حدود چهل کیلومتر از شهر را برای آنان ممنوع ساخته بودند. در مقابل کشورهای که مشمول این مقررات شده بودند نیز محدودیتهای مشابه برای اعضای نمایندگی آن کشورها، ایجاد کردند.*

*در کنوانسیون به این نکته توجه نشده که «عمل متقابل» مستلزم یک عمل قبلی است که تبعیض بوده باشد، زیرا مرحله اول که عدم اجراء مقررات کنوانسیون روابط دیپلماتیک در زمینه آزادی رفت و آمد نسبت به یک یا چند نمایندگی است. در حقیقت، اعمال یک تبعیض می‌باشد، ولی اگر این محدودیت با عمل متقابل یا مقابله به مثل پاسخ گفته شود، رفع تبعیض می‌گردد. نکته در این جاست که اگر دولتی که محدودیت بر آن واقع شده، به عللی مثلاً ضعف یا زیر نفوذ و سلطه بودن نتواند عکس‌العمل مناسب از خود نشان دهد و عمل متقابل بکند، این تبعیض برقرار می‌ماند.*

تبصره دوم از بند دوم ماده ۴۷ جنبه مخالف با بند اول را در نظر گرفته و آن موقعی است که دولت پذیرنده، امتیازاتی بیشتر از آنچه که در کنوانسیون تعیین گردیده است به یک یا چند نمایندگی در سرزمین خود اعطاء نماید و آن در صورتی است که «دولتهایی بنابر عرف و یا

موافقتنامه‌ها، مزایایی بیشتر از آنچه مقررات این کنوانسیون پیش‌بینی کرده، متقابلاً به یکدیگر اعطاء نمایند.»

برای مثال، اگر دولتی با دولت دیگر موافقتنامه‌ای بسته و رویداد ورود و خروج را برای اعضاء نمایندگی حذف نماید، در حالیکه نسبت به دولتهای دیگر گرفتن ویزا برای اعضاء و نمایندگی اجباری باشد، این امتیازگرچه محدود به یک یا چند نمایندگی است ولی تبعیض تلقی نمی‌گردد. همچنین است اگر دو دولت نسبت به مأمورین دیپلماتیک و یا کارمندان اداری و فنی و حتی کارکنان نمایندگی و خدمتکاران شخصی، امتیازی بیشتر از آنچه که در کنوانسیون آمده است اعطاء نمایند اگر مبنای آن عرف قدیم و یا موافقتنامه باشد، تبعیض نیست.

در کنوانسیون کنسولی هم این مطالب پیش‌بینی شده و به موجب ماده ۷۳ بند دوم آن: «هیچ‌یک از مقررات کنوانسیون حاضر [کنوانسیون روابط کنسولی ۱۹۶۳] مانع از آن نخواهد بود که دولتها موافقتنامه‌های بین‌المللی در تأیید یا تکمیل یا توسعه یا بسط قلمرو اجرایی مقررات آن معتقد نمایند.»

### ارتباط نهادهای دیپلماتیک و کنسولی

نهاد دیپلماتیک و نهاد کنسولی ریشه مشترک ندارند.

تشکیلات کنسولی بیش از هزار سال پیش در بین ملل و اقوام مختلف به وجود آمد، در حالی که تأسیسات نمایندگی دیپلماتیک، بیش از سه چهار قرن نیست که در جامعه دولتها پدید آمده است.

با این حال، نمایندگی‌های دیپلماتیک، با رشد و توسعه سریع خود، به مرور پست‌های کنسولی را تحت‌الشعاع خود قرار داده‌اند، بطوری که امروز، نمی‌توان دقیقاً وظایف این دو نهاد را از یکدیگر جدا کرد.

این مطلب و دنباله آن، از کتاب (حقوق کنسولی) - تألیف نگارنده - سال

۱۳۷۵، صفحه ۲۰۰ به بعد نقل گردیده است.

در گذشته، بعضی از دولتها، از جمله دول آنگلو ساکسن و خصوصاً آمریکا، مخالف نزدیک بودن دو نهاد دیپلماتیک و کنسولی بودند. این دولتها، برای نهاد دیپلماتیک امتیازات معمول بین‌المللی را قبول داشتند ولی برای نهاد کنسولی امتیازات کمی قائل بودند، بطوری که بین افراد عادی خارجی و مأموران کنسولی تفاوت زیادی نمی‌گذاشتند و فقط در موافقتنامه‌های دو جانبه با بعضی کشورها به قبول امتیازات معمول تن می‌دادند.

امروزه وضع تغییر کرده است، خصوصاً با تدوین قواعد دیپلماتیک در سال ۱۹۶۱ و قواعد کنسولی در سال ۱۹۶۳ دو نهاد دیپلماتیک و کنسولی به یکدیگر نزدیک شده و دقیق‌تر گفته شود، بر وظایف و امتیازات کنسولی بسیار افزوده شده، بطوری که با وظایف و امتیازات دیپلماتیک شباهت یافته است.

مع‌ذلک، در کنوانسیونهای روابط دیپلماتیک و روابط کنسولی، متن خاصی که مرز بین، قلمرو آنها را دقیقاً روشن کند وجود ندارد.

برای بهتر شناختن این دو نهاد دولتی، و حدود قلمرو هر یک، بهتر است آنها را با یکدیگر مقایسه کرده و وجوه افتراق و اشتراک آنها را معلوم و مشخص نمود.

### تفاوت‌های دو نهاد دیپلماتیک و کنسولی

تفاوت‌هایی که بین دو نهاد دیپلماتیک و کنسولی وجود دارد، به شرح زیر است:

- دیپلمات نماینده دولت فرستنده نزد دولت پذیرنده است و گفتار و کردار او منسوب به دولت متبوع اوست که به نام آن انجام وظیفه می‌کند. دیپلمات تابع حقوق بین‌الملل است و می‌تواند دولت خود را متعهد سازد، مثلاً با امضاء قرارداد یا ارسال یادداشت.
- نقش اصلی دیپلمات رابط بودن بین دو دولت است، مگر در مواردی که دولت فرستنده، نماینده خاصی به کشور پذیرنده اعزام دارد.

کنسول، نمایندگی دولت خود را ندارد. او کارمند دولت و مأمور حکومتی است که از

طرف آن اموری را در کشور دیگر انجام می‌دهد و سروکار او بیشتر با افراد است. کنسول وظایف خود را اصولاً در چهاردیوار قوانین و مقررات دو کشور فرستنده و پذیرنده انجام می‌دهد.

● برقرار کردن روابط دیپلماتیک با دولتی، دلیل بر شناسایی آن دولت از نظر حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌آید، در حالی که برقرار کردن روابط کنسولی و گشایش پست کنسولی در کشورهای دیگر، دلیل شناخت حقوقی (De Jure) یا عملی و یا بالفعل (De Facto) دولت پذیرنده، از طرف دولت فرستنده نمی‌باشد. نتیجه این که، دو کشور بدون آنکه روابط دیپلماتیک بین آنها وجود داشته و بدون اینکه دو دولت همدیگر را شناخته باشند، می‌توانند در سرزمین یکدیگر با توافق هم، پست کنسولی تأسیس کنند. این تفاوت، در گذشته و قبل از کنوانسیون نیز وجود داشت و هنوز هم در مواردی به آن عمل می‌شود. گاه حتی به هنگام استقرار روابط کنسولی تصریح شده که برقراری این روابط، در وضع عدم شناسایی و نداشتن روابط دیپلماتیک تغییری نمی‌دهد. ارتقای درجه پست کنسولی مثلاً از کنسولیاری به کنسولی یا سرکنسولی هم دلیل بر شناسایی نیست.

● این جدایی دو نهاد دیپلماتیک و کنسولی نتیجه دیگری دارد و آن در هنگام قطع روابط و یا عملیات خصمانه و حتی در حالت جنگ ظاهر می‌شود. توضیح اینکه، تحولات سیاسی در روابط دیپلماتیک دو کشور، اثر می‌گذارد، به طوری که گاه منجر به فراخواندگی رئیس مأموریت و یا قطع روابط دیپلماتیک و تعطیل نمایندگی می‌گردد، در حالی که این تحولات و اختلافات در روابط کنسولی اثر حقوقی ندارد و ممکن است پستهای کنسولی بدون توجه به جریانات و تحولات سیاسی و حتی علیرغم عملیات خصمانه و قطع روابط و حتی جنگ بین دو کشور، به انجام وظایف اداری خود ادامه دهند. اگر قطع روابط با دولتی، از طرف شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان مجازات علیه دولتی تصمیم گرفته شود، در این صورت نیز، این قطع روابط شامل روابط کنسولی نمی‌شود.

با اینکه در کنوانسیون روابط کنسولی طی ماده ۲ بند دوم به صراحت آمده است که «قطع

روابط دیپلماتیک به خودی خود، موجب قطع روابط کنسولی نمی‌گردد، ولی ممکن است یکی از دو طرف و یا طرفین، بخواهند که روابط کنسولی را نیز قطع کنند، در این مواقع، اگر حجم این روابط زیاد باشد، ممکن است طرفین باتوافق، دولت یا دولتهای دیگری را برای حفظ منافع اتباع خود تعیین کنند.

● قلمرو سرزمینی فعالیت نمایندگی دیپلماتیک سراسر کشور پذیرنده است و اصولاً نمایندگیهای دیپلماتیک در پایتخت هر کشور که مرکز قدرت دولت است، مستقر می‌باشند. قلمرو فعالیتهای پست کنسولی، معمولاً قسمتی از خاک کشور پذیرنده است که گاه یک یا چند ایالت را دربر می‌گیرد و مقر پست کنسولی هم شهر یا بندری است که در حوزه کنسولی واقع است. به همین دلیل ممکن است سرزمین کشور پذیرنده به چند حوزه کنسولی تقسیم شود.

گاه ممکن است در پایتخت هم نمایندگی دیپلماتیک و هم پست کنسولی مستقل از نمایندگی وجود داشته باشد، که در این صورت، حوزه فعالیت نمایندگی تمام کشور است و حوزه صلاحیت پست کنسولی ممکن است محدود به پایتخت و نواحی اطراف آن بوده در سایر ایالات کشور پذیرنده، پست‌های کنسولی دیگر باشد.

● از نظر تشریفاتی، رئیس نمایندگی دیپلماتیک، نماینده شخصی رئیس کشور یا دولت فرستنده است و مجهز به استوارنامه می‌باشد که به امضاء او رسیده و از تاریخ تسلیم استوارنامه به رئیس کشور پذیرنده، مأموریتش آغاز می‌شود. در مورد کاردار دائم هم، باتسلیم معرفی‌نامه وزیر وزارتخانه دولت متبوع خود به وزیر خارجه کشور پذیرنده انتصابش قطعیت می‌یابد.

و اما رئیس پست کنسولی، نمایندگی نداشته بلکه کارمند حکومت است که به مقامات محلی حوزه کنسولی در کشور پذیرنده معرفی می‌شود و تاریخ آغاز مأموریت او، اصولاً از هنگامی است که مقامات محلی حوزه پذیرنده با صدور روانامه، او را به عنوان رئیس پست کنسولی می‌شناسند.

● نمایندگی دیپلماتیک، رابطه‌اش با دولت پذیرنده از طریق وزارت خارجه کشور محل مأموریت است و حق تماس مستقیم با مقامات محلی دیگر را ندارد. (ماده ۴۱ - بند دوم - کنوانسیون دیپلماتیک) ولی پست کنسولی ارتباطش منحصرأً با مقامات محلی است و نمی‌تواند مستقیماً با وزارت خارجه کشور پذیرنده یا مقامات مرکزی تماس گیرد و در مواقعی هم که چنین ارتباطی لازم شود، با واسطه قرار دادن نمایندگی دیپلماتیک کشور متبوع خود با وزارت خارجه کشور پذیرنده، تماس می‌گیرد.

● امتیازات دیپلماتها، چه در زمینه مصونیتها و چه در زمینه معافیتها، دامنه وسیع دارد، در صورتی که امتیازات مأموران کنسولی در اکثر جهات کمتر از امتیازات دیپلماتیک و دامنه وسعت آن محدودتر است.

دلیلی که در توجیه این تبعیض آورده می‌شود این است که امتیازات اعطایی از طرف دولت پذیرنده براساس اهمیت وظایفی است که انجام می‌دهند و چون اصولاً وظایف دیپلماتیک از اهمیت بیشتری نسبت به وظایف کنسولی برخوردار می‌باشد، بنابراین امتیازات دیپلماتیک نیز بیش از امتیازات کنسولی است.

### شباهتهای دو نهاد دیپلماتیک و کنسولی

وجوه تشابه و اشتراک نهاد دیپلماتیک و کنسولی و ارتباط آنها به قرار زیر است:

● نمایندگی دیپلماتیک و پست کنسولی، گرچه از نظر حقوق بین‌الملل، دو نهاد جداگانه به‌شمار می‌آیند و دارای رژیمهای حقوقی متفاوت می‌باشند، ولی از نظر حقوق داخلی کشورها تفاوتی بین آنها نیست و اعضای هر دو گروه، عموماً کارمندان دولت فرستنده هستند و در داخل کشور متبوع خود، از حقوق مساوی، برخوردارند و تبعیضی بین آنان نیست.

● تشکیلات دیپلماتیک و کنسولی، در اکثر کشورهای جهان، امروز تابع وزارت خارجه دولت فرستنده هستند و در یک ردیف می‌باشند. به عبارت دیگر، عملاً کارمندان وزارت خارجه

هستند که گاه به نمایندگی دیپلماتیک و گاه به پست کنسولی مأموریت می‌یابند. گرچه در بعضی کشورها، رسته (کادر) دیپلماتیک از رسته کنسولی جداست و ممکن است از نظر امتحانات ورودی استخدامی و تحصیلات و گزینش و تخصص بین آنها تفاوت باشد، ولی در هر حال کارمند یک وزارتخانه هستند.

*در ایران نیز، تشکیلات دیپلماتیک و کنسولی، توسط وزارت امور خارجه اداره می‌شود و کارمندان این وزارتخانه، گاه به نمایندگیهای دیپلماتیک و گاه به پستهای کنسولی اعزام می‌شوند.*

● کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی، بر وسعت دامنه وظایف کنسولی بسیار افزوده و آن را به وظایف دیپلماتیک نزدیک کرده است، بطوری که در بعضی زمینه‌ها دو نهاد دیپلماتیک و کنسولی وظایف مشترک پیدا کرده‌اند. در مقایسه ماده ۳ کنوانسیون روابط دیپلماتیک و ماده ۵ کنوانسیون روابط کنسولی، موارد مشترک وظایف این دو نهاد، در «حفظ منافع دولت فرستنده و اتباع آن» و همچنین کمک برای توسعه مناسبات «اقتصادی و فرهنگی و علمی» و موارد دیگر به چشم می‌خورد.

● به موازات افزایش وظایف کنسولی و نزدیک شدن آن به وظایف دیپلماتیک، امتیازات مأمورین کنسولی نیز افزوده شده و به امتیازات مأموران دیپلماتیک نزدیک گردیده است. زیرا در هر دو مورد، مبنای امتیازات، چنانکه در مقدمه هردو کنوانسیون آمده است، منظور از اعطای مزایا و مصونیتها «منتفع ساختن افراد نیست بلکه مراد تأمین حسن اجرای وظایف ...» می‌باشد.

● وجه تشابه و اشتراک دیگر این دو نهاد این است که هریک از آنها در صورت لزوم می‌تواند وظیفه دیگری را انجام دهد.

ماده سوم بند دوم کنوانسیون روابط دیپلماتیک می‌گوید:

«هیچ یک از مقررات این کنوانسیون نباید طوری تفسیر شود که مانع از انجام وظایف

کنسولی به وسیله یک نمایندگی دیپلماتیک گردد.».

ماده ۱۷ کنوانسیون روابط کنسولی در باره «انجام اعمال دیپلماتیک توسط مأموران کنسولی» است. به موجب بند دوم همین ماده ۱۷، یک کنسول می‌تواند به مانند سفیر، نزد سازمانهای بین‌المللی معرفی شده و انجام وظیفه کند. ماده ۷۰ کنوانسیون روابط کنسولی، به «انجام وظایف کنسولی توسط نمایندگیهای دیپلماتیک» اختصاص دارد.

این دو وجه از وظایف این دو نهاد، موضوعاتی است که در بخش سوم، فصل سوم، تحت عنوان «انجام وظایف کنسولی توسط نمایندگی دیپلماتیک» و «انجام وظایف دیپلماتیک توسط پست کنسولی» مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

### حل اختلافات در باره کنوانسیون روابط دیپلماتیک

در اجراء یا تفسیر مواد کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱)، ممکن بوده و هست که بین دو یا چند دولت اختلاف نظر پدید آید. برای رفع این اختلاف چه باید کرد؟ در جامعه بین‌المللی دستگاه دادگستری اجباری وجود ندارد تا در صورت اختلاف بین دولتها، به آن دستگاه مراجعه شود. در زمان حیات جامعه ملل، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی (La Cour Permanente De Justice Internationale) C.P.J.I. تشکیل شد که قرار بود به مانند دادگاههای داخلی کشورها، قضاوت آن برای طرفین دعوی اجباری باشد. ولی به علت مخالفت دولت آمریکا، که نگران گذراندن اساسنامه دیوان مذکور، از کنگره کشور خود بود، این اجبار پذیرفته نشد و مراجعه به دیوان مزبور به تمایل و اختیار دولتها واگذار گردید. در نتیجه بند دوم ماده ۳۶ در اساسنامه دیوان، به عنوان راه حل، گنجائیده شد که بنا بر آن:

«دولتهای امضاءکننده این اساسنامه می‌توانند در هر موقع اعلام دارند که قضاوت اجباری دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی را نسبت به تمام اختلافاتی که جنبه قضائی داشته و مربوط به موضوعات ذیل باشد، در مقابل هر دولت دیگری که این تعهد را متقبل گردد، به خودی خود و بدون قرارداد خاصی قبول می‌نماید.

الف) تفسیر یک عهدنامه.

ب) هر مسأله‌ای که موضوع حقوق بین‌المللی باشد.

ج) حقیقت هر امری که در صورت ثبوت، نقض یک تعهد بین‌المللی محسوب گردد.

د) نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی داده شود.»

این بند از ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی که می‌تواند، سرآغازی برای تحول حقوق بین‌الملل در جهت داشتن ضمانت اجراء به‌شمار آید، به نام بند اختیاری (به زبان فرانسوی Clause Facultative و به انگلیسی Optional Clause) معروف گردید.

پس از جنگ جهانی دوم، دیوان مذکور تغییر نام داد و با عنوان جدید دیوان بین‌المللی دادگستری (C.I.J.) (La Cour Internationale De Justice) رکن قضایی سازمان ملل متحد گردید و (بند اختیاری) همچنان به اعتبار خود باقی ماند.

زمانی که کنوانسیون روابط دیپلماتیک تدوین می‌شد و مسأله اختلاف در اجراء و تفسیر آن بین دولتها مطرح گردید، ارجاع اجباری اختلافات طرفین به دیوان بین‌المللی دادگستری مورد نظر قرار گرفت و موضوع در ماده‌ای ضمن طرح گنجانیده شد.

هنگام مباحثات، بعضی از دولتها می‌خواستند، اختلاف در اجراء و تفسیر کنوانسیون روابط دیپلماتیک، بالاجبار، به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع گردد. بعضی دیگر از دولتها این اجبار را مغایر با حاکمیت خویش می‌دانستند و دلایل دیگری نیز ارائه می‌کردند، از جمله اینکه می‌گفتند اجباری کردن ارجاع دعاوی به دیوان بین‌المللی دادگستری، مستلزم آن است که حقوق بین‌الملل به مرحله بلوغ رسیده باشد، در حالی که این رشته از حقوق نقائص و نقاط ضعف بسیار دارد و علاوه بر این ترکیب قضات، آراء و احکام این دیوان متأثر از اوضاع و احوال سیاسی است، بعلاوه گفته شد که منشور ملل متحد، در ماده ۳۳ راههای متعدد برای حل اختلافات به طریق مسالمت‌آمیز ارائه کرده است، از جمله مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری، رسیدگی قضائی و توسل به سازمانهای منطقه‌ای و غیره، بنابراین ضرورتی نیست تنها یک راه حل

انتخاب و تحمیل شود و باید این راه فقط در صورتی که طرفین توافق کنند، به اجراء گذاشته شود.

در کنفرانس بالاخره در پایان مباحثات، به علل حقوقی و سیاسی، پیشنهاد اجباری بودن مراجعه به دیوان پذیرفته نشد و مقرر گردید، به جای گنجاندن این موضوع طی ماده‌ای در متن کنوانسیون، آن را به صورت پروتکل جداگانه به کنوانسیون ضمیمه نمایند و این همان روشی بود که هنگام تدوین کنوانسیون وین در باره روابط کنسولی (۱۹۶۳)، پس از تکرار مباحثات و استدلالات، باز بکار گرفته شد.



«پروتکل اختیاری مربوط به حل اجباری اختلافات» دارای یک مقدمه و ۱۰ ماده است. در مقدمه به طرفین دعوی مهلت «معقول» داده شده تا راه حل دیگری برای رفع اختلافات خود پیدا کنند و در غیر این صورت به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع نمایند. در ماده اول؛ تنها دو مورد اختلاف، قابل ارجاع «اجباری» به دیوان بین‌المللی دادگستری پیشنهاد شده است، یکی در مورد «تفسیر» و دیگر در مورد «اجراء» مواد کنوانسیون دیپلماتیک. بنابراین، دعاوی که مربوط به تفسیر و اجراء کنوانسیون نباشد مشمول «اجبار» نخواهد بود. در ماده دوم؛ به طرفین دعوی اجازه می‌دهد، طی مدت دو ماه پس از بروز اختلاف، در صورت توافق به یک دادگاه داوری مراجعه نمایند و در صورت عدم توافق به دیوان دادگستری بین‌المللی متوسل گردند.

در ماده سوم؛ به طرفین دعوی اجازه داده شده، طی همان مدت دو ماه که در ماده دوم ذکر شده، به سازش متوسل گردند و برای این منظور کمیسیونی برای سازش تشکیل دهند که طی پنج ماه توصیه‌های خود را ارائه دهد. اگر این توصیه‌ها عرض دو ماه مورد قبول طرفها قرار نگیرد، آنگاه هریک از طرفها می‌تواند موضوع مورد اختلاف را ضمن تسلیم دادخواستی در دیوان مطرح نماید.

ماده سوم در باره سازش، مواردی را پیش‌بینی کرده که اختلاف جنبه سیاسی دارد و طرفین مایل هستند، رفع اختلافات، خارج از قواعد و مقررات حقوقی صورت گیرد.

ماده چهارم؛ موضوع تابعیت را که خارج از کنوانسیون و بصورت پروتکل جداگانه تنظیم شده، مورد توجه قرار داده و امضاءکنندگان کنوانسیون را مختار کرده است در صورت تمایل پروتکل تابعیت را نیز مشمول قضاوت اجباری نمایند.

سایر مواد کنوانسیون در باره امضاء و الحاق و ترتیبات دیگر است.

چنانکه گفته شد، هرگاه دو دولت، این پروتکل را امضاء کرده باشند، متعهد می‌شوند در صورت اختلاف در تفسیر یا اجرای مواد کنوانسیون روابط دیپلماتیک، برای رفع آن به دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه نمایند.



دولت ایران از جمله دولتهایی بود که از آغاز (پروتکل اختیاری مربوط به حل اجباری اختلافات کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک - ۱۹۶۱) و همچنین پروتکل مشابه آن مربوط به کنوانسیون روابط کنسولی (۱۹۶۳) را امضاء کرد. دولت آمریکا نیز به هردو کنوانسیون ملحق گردید. اختلاف این دو کشور امضاءکننده پروتکلها، منشاء قضیه‌ای شد که به واقعه گروگانگیری و اشغال سفارت و کنسولگری آمریکا در تهران انجامید.

خلاصه قضیه، از نظر حقوق دیپلماتیک به قرار زیر است:

در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (برابر ۴ نوامبر ۱۹۷۹) محل سفارت و پست‌های کنسولی سفارت آمریکا در ایران به اشغال دانشجویان مسلمان پیرو خط امام درآمد.

دولت آمریکا در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ دادخواستی به دیوان بین‌المللی دادگستری تسلیم کرد که طی آن جمهوری اسلامی ایران متهم به نقض مواد ۲۷، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۶ و ۴۰ کنوانسیون روابط دیپلماتیک و مواد ۲۲، ۲۴، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۷ و ۴۷ کنوانسیون روابط کنسولی و بعضی تعهدات دیگر، گردیده بود.

این اختلاف که به (قضیه اعضای دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده آمریکا در ایران) معروف گردید و رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در این قضیه که در سال ۱۹۸۰ صادر شد، انعکاسی جهانی یافت و امروز از وقایع مهم تاریخ دیپلماتیک به‌شمار می‌آید و تقریباً در همه کتابهای حقوق دیپلماتیک در موارد مختلف به آن اشاره یا استناد می‌شود.

دیوان دائمی دادگستری، پس از تأیید صلاحیت خود به رسیدگی پرداخت، در حالی که از طرف جمهوری اسلامی ایران کسی در جلسات حضور نیافت.

در رأی دیوان که در سال ۱۹۸۰ صادر گردید، دولت ایران، در تمام موارد، ناقض مقررات کنوانسیون روابط دیپلماتیک و کنوانسیون روابط کنسولی، شناخته شد.

شرح وقایع و قضایای مربوط به گروگان‌گیری و اعتراض دولت ایران نسبت به صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری و جریان رسیدگی دعوی در این دیوان و نظرات ابراز شده در مورد رأی صادر شده، مفصل است و نیاز به بحث جداگانه دارد که از حوصله این تألیف خارج است. با این حال در اینجا لازم است به دو نکته اشاره شود:

● امضاء (پروتکل‌های اختیاری مربوط به حل اجباری اختلافات) از طرف دو دولت طرف دعوی، خواه و ناخواه اجبار آنان را به ارجاع اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری، در پی داشت. بقول یک نویسنده ایرانی «به هر حال، تجربه‌ای که از جریان رسیدگی دادگاه به این قضیه [اختلاف ایران و آمریکا] می‌توان گرفت آن است که در مواردی که جمهوری اسلامی ایران صلاحیت اجباری دیوان را طی معاهدات چندجانبه و یا عهدنامه‌ها و قراردادهای دوجانبه پذیرفته باشد، در صورت طرح دعوی به استناد آنها نزد دیوان بین‌المللی دادگستری، عدم حضور جمهوری اسلامی ایران در دادگاه مانع از رسیدگی به قضیه نمی‌شود. در چنین صورتی، دادگاه به رسیدگی خود ادامه می‌دهد و رأی صادر می‌کند».

کتاب (ایران و صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری) - از سعید میرزایی

نیگجه - تهران - چاپ ۱۳۷۰ - صفحه ۱۱۰.

● نگارنده در فروردین ماه سال ۱۳۵۹ - در بحبوحه گروگان‌گیری و اشغال سفارت آمریکا،

مقاله‌ای به نشریه وزارت امور خارجه دادم که چند ماه بعد، پس از حذف و تحریفهائی در روزنامه اطلاعات، طی چند مقاله، تحت عنوان (ایران و امریکا و حقوق بین‌الملل) به چاپ رسید.

به سلسله مقالاتی که از اول شهریور سال ۱۳۲۹ در روزنامه اطلاعات انتشار یافت مراجعه شود.

در پایان این مقاله نگارنده دخالت دولت آمریکا را در سال ۱۳۳۲ در امور داخلی ایران، که مسلماً حاکی از نقض فاحش (اصل عدم دخالت در حقوق بین‌الملل) از طرف دولت آمریکا بود یادآوری کرده و سپس به اوضاع روز که «ایران برخلاف کنوانسیونهای روابط دیپلماتیک و روابط کنسولی از گروگانگیری در سفارت آمریکا پشتیبانی می‌کند و متهم به نقض حقوق بین‌الملل است» اشاره نموده، آنگاه پیش‌بینی کرده بود: «از قرائن پیداست که این عمل ایران در هر مجمع بین‌المللی و هر دادگاه جهانی به احتمال زیاد محکوم خواهد شد». در دنباله این مطلب نتیجه گرفته شده بود که: «در چنین شرایط و باتوجه به واقعیتها، باید دید برای حل اختلافات دو کشور کدام راه مناسب خواهد بود، راه حل حقوقی یا راه حل سیاسی و تفاوت بین این دو طریق این است که در راه حل حقوقی اصولاً احقاق حق از طریق دادگاههای داوری یا قضایی صورت می‌گیرد و بنای صدور احکام این محاکم نیز قواعد و قوانین از پیش موجود است و اتخاذ این راه چنانکه گفته شد، در شرایط کنونی [آن روز] بِنفع ایران به نظر نمی‌رسید. و اما راه حل سیاسی که براساس تغییر قواعد و قوانین یا باتوجه به وضعیتهای موجود و یا نادیده گرفتن این و یا تطبیقشان با اوضاع خاص برای رسیدن به یک راه حل منصفانه است» پیشنهاد شده بود.

باتوجه به مفاد پروتکل‌های اختیاری، مربوط به حل اجباری اختلافات، پیوست کنوانسیونهای دیپلماتیک و کنسولی، مسلماً اگر ایران در آن زمان بجای پشت کردن به دیوان بین‌المللی دادگستری و عدم حضور در جریان رسیدگی، براساس ماده سوم پروتکلها که می‌گوید: «طرفین ... می‌توانند در عرض دو ماه مهلت، مشترکاً توافق کنند که قبل از رجوع به دیوان بین‌المللی دادگستری متوسل به سازش گردند»، به تشکیل کمیسیون سازش سیاسی رضایت می‌داد، موفق به کسب امتیازاتی می‌شد، در حالی که در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری، هیچ امتیازی بدست نیاورد.

## منابع

این کتاب دارای منابع خاصی نیست. مطالب کتاب و نظمی که در طرح آنها اختیار شده، مبتنی بر نظرات نویسنده و سلیقه شخصی اوست.

در تألیف این کتاب، از تجارب شخصی، اخبار و روزنامه‌ها و مجلات داخلی و خارجی و کتب مختلف در زمینه‌های متفاوت استفاده شده است.

ولی چون از هر نویسنده یا هر کتاب، به جز یک یا دو سه مطلب استفاده نشده، بنابراین تهیه فهرستی از مآخذ ضروری به نظر نرسید، ولی برای حفظ امانت، هر جا مطلبی از نشریه‌ای یا کتابی نقل گردیده، در ذیل آن، تاریخ نشریه یا نام کتاب و نویسنده آن و سال چاپ و شماره صفحه ذکر شده است.

منبع اصلی و منحصر به فرد که محور مطالب این کتاب قرار گرفته، مواد «کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک» (۱۹۶۱) می‌باشد و تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، این ترتیب در هیچ تألیف دیگری به کار نرفته است.



# پیوست شماره ۱۵

نقدی بر

«کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک»

(۱۹۶۱)



### نقدی بر «کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک»

کنوانسیون روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱) نخستین کنوانسیون از یک سری کنوانسیونهایی است که در زمینه حقوق دیپلماتیک بسته شده و یا به صورت طرح درآمده است. اهمیت کنوانسیون روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱) در این است که مدل و الگوئی برای کنوانسیونهای بعدی قرار گرفت، بطوری که در موارد متعدد، مواد آن عیناً در متن کنوانسیونهای بعدی تکرار گردیده است.

باتوجه به اهمیت این کنوانسیون که نخستین سنگ بنای حقوق دیپلماتیک به شمار می‌آید، جای آن است که بررسی دقیق‌تری نسبت به این متن و مواد آن به زبانهای اصلی و همچنین در برگردان آن به زبان فارسی، بعمل آید.

این انتقادات و ایرادات طی دو عنوان مورد بررسی قرائی می‌گیرد.

- ایرادهائی بر متن اصلی کنوانسیون (۱۹۶۱)

- ایرادهائی بر ترجمه‌های فارسی کنوانسیون (۱۹۶۱)

### ایرادهایی بر متن‌های اصلی کنوانسیون (۱۹۶۱)

بین پنج متن اصلی این کنوانسیون که به زبانهای انگلیسی، چینی، اسپانیایی، فرانسوی و روسی انشاء شده و هر پنج متن متساویاً معتبر هستند (ماده ۵۳)، ما، دو متن اصلی به زبانهای فرانسوی و انگلیسی را مأخذ قرار داده و ناهم‌آهنگی‌ها و ناهنجاری‌هایی که در متون اصلی بنظر می‌رسد، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ایراداتی که بر متن اصلی کنوانسیون وارد است می‌توان ناشی از علل زیر دانست:

- ۱- این کنوانسیون هنگامی تدوین شد که جنگ سرد در اوج خود بود و توافق دولت‌ها حتی در مسائل جزئی دشوار می‌نمود.
  - ۲- بعضی از دول که نگران گذراندن متن کنوانسیون از مجالس مقننه خود بودند از هرگونه عقب‌نشینی از نظرات خود و دادن بعضی امتیازات دریغ می‌کردند.
  - ۳- تدوین‌کنندگان متن، در بسیاری موارد، به علت عدم توافق دولت‌ها در بعضی مسائل، سکوت نمودند و یا به ناچار مواردی را بصورت مبهم انشاء کردند تا مشکلی برای قبولاندن آنها به دولت‌ها پیش نیاید.
- و اما ایراداتی که در متن اصلی به نظر می‌رسد به این قرار است:

### ایراد بر نام کنوانسیون:

نام «کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک» که بر قرارداد سال ۱۹۶۱ گذاشته شده عنوان نامناسبی است.

«دیپلماسی» و به تبع آن «روابط دیپلماتیک» قلمرو گسترده‌ای دارد. «روابط دیپلماتیک»، درحقیقت و به معنی وسیع، شامل کلیه فعالیتهای رسمی دولت‌ها در رابطه‌شان با یکدیگر است. به معنی دیگر و مفهوم محدودتر، «روابط دیپلماتیک» عبارت از تماسها و مذاکرات نمایندگان برای همکاری و رسیدن به تفاهم است که خود قواعد و فنون خاص و قلمرو

گسترده‌ای دارد.

«روابط دیپلماتیک» اگر به معنی بسیار محدودتر و خاص‌تر گرفته شود، منحصر به روابطی خواهد بود که بین «نمایندگی‌های دیپلماتیک» یا به عبارت دیگر بین «سفارتخانه‌ها» با یکدیگر و یا با دولت پذیرنده برقرار است.

و اما نکته در اینجا است که «کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱)». پارا از این مرحله نیز فراتر نرفته و در آن تنها، بعضی مقررات در باره نمایندگی دیپلماتیک و امتیازات اعضای آن را دربر دارد.

با این توضیح، عنوان بلندپروازانه «کنوانسیون در باره روابط دیپلماتیک» با محتویات آن سازگار نیست و بهتر می‌بود اگر برای کنوانسیون نام مناسب‌تری مانند «کنوانسیون در باره وضع و امتیازات نمایندگی‌های دیپلماتیک و اعضای آن» نهاده می‌شد.

لازم به یادآوری است که در گذشته و در طرح‌های اولیه، این موضوع تحت عناوینی مانند «مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک» یا «مزایا و مصونیت‌های مأموران دیپلماتیک» شناخته می‌شد.

نتیجه این که در حقیقت، «کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱)»، فقط قسمت بسیار کوچک و محدودی از قلمرو وسیع «روابط دیپلماتیک» را تدوین کرده است که به نمایندگی‌های دیپلماتیک و امتیازات اماکن و اعضای آن مربوط است.

استانیسلا و ناهلیک S.E. Nahlik استاد حقوق می‌گوید: «کنوانسیون که در پایان کنفرانس تدوین ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ به تصویب رسید، با اینکه عنوان «کنوانسیون در باره روابط دیپلماتیک» را دارد، جامع موضوع نیست زیرا تنها نمایندگی‌های دائم [دیپلماتیک] را که از روابط دوگانه دولتها تشکیل می‌شود دربر می‌گیرد. بنابراین لازم شد با دو کنوانسیون دیگر تکمیل گردد» [که منظور کنوانسیون‌های مربوط به مأموریت‌های ویژه و کنوانسیون در باره وضع نمایندگان دولتها نزد سازمانهای بین‌المللی می‌باشد].

*Recueil Des Cours De L'academie De D.I. De La Haye Tome 222 III-*

سال 1990

### تکرار زائد کلمه «اصطلاح» در متن فرانسوی، طی ماده اول

در انشاء متن فرانسوی کنوانسیون، طی ماده اول، در آغاز و بر سر همه تبصره‌ها بدون آنکه لازم باشد، جمعاً ده بار، کلمه «اصطلاح» (L'expression) تکرار شده است. در متن انگلیسی همین ماده، فقط یک بار از کلمه اصطلاح استفاده شده بدون آنکه در مفاهیم نقصانی باشد.

### اصطلاحاتی که در ماده اول تعریف نشده

بعضی از اصطلاحات که در کنوانسیون به کار رفته تعریف نشده و این‌ها نکات مبهم در کنوانسیون به شمار می‌آید و علت آن عدم توافق نمایندگان دولتها بر سر تعریف آن لغات بوده و یا از طرف تدوین‌کنندگان مورد غفلت قرار گرفته است. از جمله این اصطلاحات «افراد خانواده» عضو (ماده ۱۰) یا «بستگانی که اهل خانه او هستند» (ماده ۳۷) می‌باشد که معلوم نیست دقیقاً چه کسانی را دربر می‌گیرد و آیا اختلافی در معنی این دو اصطلاح هست یا نه. و یا تهیه گزارش «با استفاده از تمام وسائل مشروع» (ماده سوم بند اول تبصره د) که معلوم نشده معیار تمیز «وسایل مشروع» از «وسایل غیرمشروع» کدام است. و یا هنگامی که به موجب ماده ۳۶ (بند دوم) مأموران گمرک، در صورت داشتن «دلایل جدی» می‌توانند توشه مأموران دیپلماتیک را بازرسی کنند، تعیین نشده «دلایل جدی» چیست و چه دلایلی از نظر دولتهای فرستنده و پذیرنده، جدی تلقی می‌شود. و چند مورد دیگر که بعضی اصطلاحات ضروری تعریف نشده، مثلاً «اموال نمایندگی». و معلوم نیست چه اشیاء و یا اموالی را شامل می‌شود.

### تعریف «مکاتبات رسمی» در ماده ۲۷ بجای ماده اول

ماده اول که اصطلاحات را تعریف کرده، اصطلاح «مکاتبات رسمی نمایندگی» را مورد توجه قرار نداده، ولی در ماده ۲۷ (بند دوم) چنین آمده است:

«اصطلاح «مکاتبات رسمی» شامل تمام مکاتبات مربوط به نمایندگی و انجام وظایف آن می‌باشد.» این تعریف بهتر می‌بود در همان ماده اول، ضمن تعریف سایر اصطلاحات گنجانیده می‌شد.

### عدم تعریف «بایگانی» در ماده اول

در ماده ۱ کنوانسیون روابط دیپلماتیک از «بایگانی نمایندگی» تعریفی نشده است، ولی در ماده اول «کنوانسیون در باره روابط کنسولی» (۱۹۶۳) اصطلاح «بایگانی کنسولی» (در بند اول تبصره ک) چنین تعریف شده است:

- «اصطلاح «بایگانی کنسولی» شامل کلیه اوراق و اسناد و مکاتبات و کتابها و فیلمها و نوارهای ضبط صوت و دفاتر کنسولی به انضمام رمز و مفتاح و کارتهای اندکس و هر نوع اثاثه که برای حفاظت و نگهداری آنها بکار برده می‌شود، خواهد بود.»

این تعریف را می‌توان عیناً در مورد «بایگانی نمایندگی دیپلماتیک» نیز بکار برد و آن را در ماده اول کنوانسیون روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱) گنجانید.

### عدم تعریف «کیسه دیپلماتیک» و «پیک دیپلماتیک» (در ماده اول)

در کنوانسیون روابط دیپلماتیک از «کیسه دیپلماتیک» و «پیک دیپلماتیک» تعریفی نشده است ولی در طرح کنوانسیون «در باره وضع پیک دیپلماتیک و کیسه دیپلماتیک که همراه پیک دیپلماتیک نباشد». طی ماده سوم آن، این دو اصطلاح تعریف شده است که می‌توان آنها را در ماده اول کنوانسیون روابط دیپلماتیک بر سایر اصطلاحات اضافه کرد.

### اختلاف بین دو متن اصلی فرانسوی و انگلیسی در ماده دوم

در ماده ۲ کنوانسیون، بین دو متن فرانسوی و انگلیسی اختلاف است. در متن فرانسوی برای «برقراری روابط دیپلماتیک» و «استقرار نمایندگی دیپلماتیک» دو فعل جداگانه بکار رفته است:

L'établissement de relations diplomatiques

و

L'envoi de missions diplomatiques

ولی در متن انگلیسی، در هر دو مورد، از یک فعل «استقرار» Establishment استفاده شده است. چنانکه در جای خود توضیح داده شده، هنگام ترجمه بین این دو متن اصلی، اختلاف در معنی ظاهر می‌شود.

### محدودیت وظایف نمایندگی در ماده سوم

در ماده ۳ بند اول، تبصره (ه)، از وظایف نمایندگی دیپلماتیک «بسط روابط دوستانه و توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی و علمی بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده» را ذکر کرده است.

محدود کردن قلمرو وظایف نمایندگی دیپلماتیک به روابط «اقتصادی و فرهنگی و علمی» در این ماده، درست به نظر نمی‌رسد، زیرا وظایف نمایندگی بسیار وسیع‌تر از آن است و شامل قلمرو سیاست، بازرگانی، مطبوعاتی، نظامی، هنری، ورزشی، بهداشتی و فنی و غیره ... نیز می‌شود و نمی‌توان حد خاصی برای آن تعیین کرد.

شمارش سه قلمرو دقیق در این ماده، در حقیقت وظایف نمایندگیها را محدود می‌کند. اصولاً اداره روابط دولتها در قلمرو وظایف نمایندگی دیپلماتیک است که متنوع می‌باشد و نمی‌توان آنرا دقیقاً محدود کرد.

### سه ایراد بر ماده پنجم

در ماده پنجم سه نکته قابل بررسی است:

● ماده ۵ بند اول، در مورد انتصاب رؤسای نمایندگیهای اکردیته (غیرمقیم) نارساست، زیرا از نظر تشریفات، تنها ابلاغ رسمی نام شخص مورد نظر و عدم مخالفت دولت پذیرنده، کافی دانسته شده، در حالی که عملاً برای رؤسای دوطبقه اول نمایندگیهای دیپلماتیک، یعنی سفیران و وزیران مختار باید همانطور که در مورد هم‌تایان مقیم آنان رفتار می‌شود، ابتدا تقاضای پذیرش کرد و پس از وصول پذیرش استوارنامه بنام آنان صادر نمود و تشریفات هم که در هنگام تسلیم استوارنامه اجرا می‌شود برای همه آنان (چه مقیم و چه غیرمقیم) یکسان است. و اما در مورد کارمندی که برای انجام وظایف، نزد دولت یا دولت‌های متعدد گمارده می‌شود [بدون آنکه مقیم آن کشورها باشد]، ابلاغ رسمی نام وی از قبل و عدم مخالفت دولت پذیرنده، کفایت می‌کند.

● از ماده پنجم، بند اول - چنین استنباط می‌شود که اگر دولت فرستنده به چند دولت اطلاع دهد که یک رئیس نمایندگی یا عضو نمایندگی را بطور غیرمقیم نزد آنها منصوب می‌کند، مخالفت یکی از آنها کافی است تا این مأموریت را باطل کند، در حالی که اصولاً این مأموریت فقط در مورد دولتی که آنرا نپذیرفته است بی‌اعتبار می‌شود و در مورد سایر دولت‌ها که مخالفتی نکرده‌اند این پیشنهاد اعتبار می‌یابد.

این نارسائی که در متون اصلی فرانسوی و انگلیسی هست، در ترجمه فارسی نیز منعکس گردیده است.

● در ماده پنجم، بند دوم، گفته شده است که دولت فرستنده «می‌تواند» در کشورهایی که رئیس نمایندگی در آنها اقامت ندارد، یک نمایندگی دائم زیر نظر کاردار موقت تأسیس نماید. در این بند، کلمه «می‌تواند» کافی نیست و با توجه به سایر مواد (از جمله ماده ۲ که تأسیس نمایندگی دیپلماتیک دائم با رضایت متقابل انجام می‌گیرد و ماده ۱۲ که می‌گوید دولت

فرستنده نباید قبل از تحصیل موافقت صریح دولت پذیرنده در محلی غیر از محل استقرار نمایندگی، دفتر دیگری متعلق به نمایندگی تأسیس کند، اجازه دولت پذیرنده در این مورد باید کسب شود و دولت فرستنده «نمی‌تواند» تنها به میل خود و قبل از کسب اجازه دولت پذیرنده اقدام به تأسیس «نمایندگی دیپلماتیک» نماید.

### «اطلاع دادن» یا «ابلاغ کردن» به جای «اعلام کردن» در ماده نهم

در ماده نهم، بند اول، گفته شده که دولت پذیرنده می‌تواند یکی از اعضای نمایندگی را که «عنصر نامطلوب» یا «غیرقابل قبول» می‌داند به «اطلاع» دولت فرستنده برساند تا دولت فرستنده برحسب مورد او را فراخوانده و یا به خدمتش خاتمه دهد.

در هر دو متن فرانسوی و انگلیسی، در پایان همین بند اضافه شده که دولت پذیرنده حتی قبل از ورود عضو می‌تواند عضو مورد نظر را «عنصر نامطلوب» و یا «غیرقابل قبول» «اعلام» کند.

اطلاع دادن (در متن فرانسوی Informer) و ابلاغ کردن (در متن انگلیسی to notify) در قسمت اول پاراگراف درست، بکار رفته است. ولی در قسمت پایانی پاراگراف، بکار بردن کلمات خارجی (فرانسوی déclarer و انگلیسی to declare) که به معنی «اعلام» و «اعلان» کردن است درست نیست.

زیرا «اعلام» کردن عضوی به عنوان «عنصر نامطلوب» و یا «غیرقابل قبول» قبل از ورود او به سرزمین دولت پذیرنده و حتی پس از ورود و اشتغال او - جز موارد استثنائی - دور از نزاکت بین‌المللی است، زیرا اصولاً برای حفظ حیثیت شخص، رد کردن او، محرمانه و محترمانه باید به «اطلاع» دولت فرستنده برسد و یا «ابلاغ» گردد، نه اینکه بطور علنی و عام «اعلام» گردد.

### «اعضای خانواده» یا «بستگان اهل خانه» در ماده دهم

در متون اصلی کنوانسیون، برای خانواده اعضاء، در موارد مختلف دو اصطلاح متفاوت بکار رفته است.

برای مثال در ماده ۱۰ بند اول (تبصره ب) و ماده ۳۹ بند سوم و چهارم و ماده ۴۰ بند اول و دوم و ماده ۴۴، همه جا اصطلاح «افراد یا اعضای خانواده» گفته شده است.

ولی در ماده ۳۶ بند اول (تبصره ب) و ماده ۳۷ بند دوم و چهارم و ماده ۳۹ بند چهارم «بستگان اهل خانه» ذکر گردیده است.

دو اصطلاح فرانسوی که در این موارد بکار رفته (با اختلافاتی) بقرار زیر است:

"membres de la famille" «اعضای خانواده»

و «بستگان اهل خانه»

"les membres de famille qui font partie du ménage"

دو اصطلاح انگلیسی عبارتند از:

"members of the family" «اعضای خانواده»

و «بستگان اهل خانه»

"members of family forming the households"

معلوم نیست چرا در انشاء کنوانسیون، دو اصطلاح متفاوت برای یک مفهوم بکار رفته است و آیا در استفاده از این دو اصطلاح اختلاف معنی منظور بوده است یا نه؟

### عدم اشاره به آغاز مأموریت کارداران در ماده سیزدهم

ماده ۱۳ بند اول و دوم، درباره تاریخ شروع مأموریت رؤسای نمایندگیهاست. در این ماده تنها به وضع رؤسای نمایندگیهای دو طبقه اول و دوم که سفیران و وزیران مختار هستند و دارای استوارنامه می‌باشند، اشاره شده است و از رؤسای طبقه سوم نمایندگیهای دیپلماتیک که

کارداران (دائم) هستند و دارای معرفی‌نامه از طرف وزیر خارجه دولت فرستنده، خطاب به وزیر خارجه دولت پذیرنده می‌باشند، ذکر شده است.

باتوجه به این که بین سه طبقه از رؤسای نمایندگیهای دیپلماتیک اختلافی نیست و فقط از لحاظ تقدم و تشریفات بین آنان تفاوت است، معلوم نیست چرا در ماده سیزدهم به تاریخ آغاز مأموریت کارداران اشاره نشده است؟

آیا این نکته را باید حمل بر عدم توجه تدوین‌کنندگان کنوانسیون کرد؟ نظیر همین عدم توجه در ماده ۱۶ بند دوم تکرار شده است.

#### «فرستادگان» مذکور در ماده ۱۴ مشمول کنوانسیون ۱۹۶۱ نیستند

در ماده ۱۴ ضمن تقسیم‌بندی رؤسای نمایندگیهای دائم دیپلماتیک، بر سه طبقه (سفیران، وزیران مختار و کارداران و هم‌ردیفان آنان)، نام فرستادگان در طبقه دوم و در ردیف وزیران مختار ذکر شده است.

توضیح اینکه در آغاز و در طرحهای اولیه کنوانسیون، در نظر بود، وضع فرستادگان ویژه نیز که در رأس هیأت‌هایی به مأموریت موقت، به کشور پذیرنده می‌آمدند، در همان کنوانسیون که بعدها، به صورت «کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱)» درآمد، گنجانیده شود. اما بعلت وضع خاص فرستادگان که از بسیاری لحاظ با نمایندگان دائم دیپلماتیک تفاوت داشت، از این نظر انصراف حاصل شد و مقرر گردید کنوانسیون مجزا در باره آنان تدوین گردد که چنین نیز شد و این همان کنوانسیون است که در سال (۱۹۶۹) تحت عنوان: «کنوانسیون وین در باره مأموریت‌های خاص» به تصویب رسید.

بنابراین، ذکر نام فرستادگان یا به عبارت دیگر «مأمورین خاص» یا «مأمورین ویژه» در ماده ۱۴ کنوانسیون روابط دیپلماتیک که تماماً اختصاص به رؤسای نمایندگی‌های دیپلماتیک دائم و ثابت دارد، مناسب نیست و زائد است و در متن این کنوانسیون نیز دیگر در هیچ موردی،

نامی از فرستادگان برده نشده است و بهتر می‌بود، هنگام تنظیم نهایی متن کنوانسیون (۱۹۶۱)، عنوان این گروه از ماده ۱۴ حذف می‌گردید.

### عدم توجه به دو نکته درباره نمایندگان پاپ، طی ماده شانزدهم

در بند سوم از ماده ۱۶ به دولت پذیرنده اجازه داده شده که حق تقدم را برای نماینده پاپ، نسبت به سایرین بشناسد.

در این ماده دو نکته توضیح داده نشده است:

● تقدم بین رؤسای همان طبقه است: - در بعضی کشورهای کاتولیک مذهب، رسم بوده یا هست که برای نمایندگان پاپ از نظر تشریفاتی تقدم خاص قائل شوند، یعنی «نونس» که نماینده طبقه اول پاپ است، بین سفیران و «انتر نونس» که نماینده طبقه دوم پاپ است بین وزیران مختار ممکن است از لحاظ ترتیب تشریفاتی مقدم باشند.

بنابراین، برخلاف انشاء متن و مفهوم ماده ۱۶ بند سوم، تقدم نمایندگان پاپ در هیچ مورد نمی‌تواند مطلق باشد، مثلاً انترنونس (نماینده طبقه دوم پاپ) نمی‌تواند مقدم بر سفیران (نمایندگان درجه اول دولتها) قرار گیرد، بلکه نمایندگان پاپ، هر یک فقط در طبقه خود می‌تواند مقدم باشد.

● نمایندگان پاپ یا نمایندگان مذهبی: - ماده ۱۶ بند سوم، فقط ناظر به نمایندگان پاپ است یعنی چنانکه گفته شد در بعضی کشورهای کاتولیک مذهب آنان از تقدم برخوردارند و این از آثار رسوم قرون گذشته است که هر چند موارد اجرای آن زیاد نیست ولی همچنان حفظ شده و در کنوانسیون منعکس گردیده است.

و اما ایرادی که بر این ماده وارد می‌باشد این است که در آن پیش‌بینی نشده، اگر سایر ادیان هم روزی دارای تشکیلاتی مشابه واتیکان شوند، دولتهای مربوط نیز می‌توانند، از این امتیاز برای نمایندگان مذهبی خود برخوردار باشند و برای نماینده رهبر مذهبی خود تقدم قائل گردند؟

### موضوع اجازه ورود به اماکن دیپلماتیک در ماده بیست و دوم

به موجب ماده ۲۲ بند اول، اماکن نمایندگی مصون از تعرض هستند و مأموران دولت پذیرنده، جز با رضایت رئیس نمایندگی، اجازه ورود به این اماکن را ندارند. طبق این ماده و متن صریح آن، ضرورت اجازه رئیس نمایندگی برای ورود مأموران دولت پذیرنده به محوطه اماکن مطلق است و استثنائی ذکر نشده، در حالی که مواردی فوریت و ضرورت ایجاد می‌کند که برای نجات افراد یا جلوگیری از خطرات و یا کمک‌رسانی در سوانح، دخالت مأمورین دولت پذیرنده، اعم از پلیس یا مأمورین آتش‌نشانی یا امثال آنان لازم شود. نکته در این جاست که، در چنین مواردی، اگر دسترسی به رئیس نمایندگی میسر نبوده و یا شخص او در معرض خطر باشد، چه می‌توان کرد؟

درباره این ماده، هنگام تنظیم آن بحث زیاد صورت گرفت و در آخر هم، بر اثر جو بی‌اعتمادی که در زمان جنگ سرد، در روابط بین‌المللی وجود داشت، در کنفرانس، بین نمایندگان دولتها نسبت به موارد استثنائی که برای ماده ۲۲ بند اول پیشنهاد می‌شد توافق حاصل نشد تا بالاخره متن مذکور، چنانکه هست، بطور مطلق تنظیم گردید. برای جبران نارسائی متن این ماده، ضمن حفظ مفهوم آن، شاید بهتر می‌بود، در بند مذکور اضافه می‌شد که در غیاب رئیس نمایندگی، ورود مأموران دولت پذیرنده به این اماکن با اجازه بالاترین مقام نمایندگی حاضر در محل یا قابل دسترسی، امکان‌پذیر باشد.

### چند نکته درباره ماده بیست و هفتم

در ماده بیست و هفتم کنوانسیون روابط دیپلماتیک، در بندهای مختلف نکاتی به نظر می‌رسد که قابل بحث و بررسی است. این نکات عبارتند از:

- نصب فرستنده رادیوئی مطلبی کهنه است: - مطرح کردن نصب دستگاه فرستنده بی‌سیم، از طرف دولت فرستنده در کشور پذیرنده و لزوم رضایت این دولت، دلیل بر کوتاه‌بینی

تدوین‌کنندگان کنوانسیون است که توجهی به پیشرفت سریع علمی و فنی وسایل ارتباطی و مخابراتی زمان خود نداشته‌اند.

امروزه این قسمت از بند اول ماده ۲۷ را یک موضوع کهنه و متروک در کنوانسیون باید تلقی کرد.

● بسته‌های داخل کیسه با علامت مشهود: - در ماده ۲۷ بند چهارم، چنین آمده است: «بسته‌های تشکیل‌دهنده کیسه دیپلماتیک باید دارای علامات خارجی مشهود و مشخص کیفیت آن ... باشد» با توجه به اینکه کیسه پست دیپلماتیک همیشه سربسته و مهور است، بنابراین داخل آن قابل رؤیت نیست. پس چگونه بسته‌های داخل آن می‌تواند دارای «علامت خارجی مشهود» باشد.

در طرح «کنوانسیون در باره وضع پیک دیپلماتیک و کیسه دیپلماتیک که همراه پیک دیپلماتیک نباشد» که در سنوات بعد تهیه شد، طی ماده ۲۴ همین مطلب تکرار شده است. بنابراین شاید این توصیه احتیاطی برای مواقعی است که کیسه دیپلماتیک بر اثر تصادف و ناخواسته باز شود و یا در مواردی که دلایل جدی برای باز کردن آن باشد و در این صورت برای اجتناب از باز کردن کلیه بسته‌های داخل کیسه باز شده این پیش‌بینی شده است.

معدّلک در همه حال، این علائم در حالت عادی، از خارج کیسه «مشهود» نیستند.

● فرمانده هواپیما و «کاپیتان کشتی»: - در بند هفتم ماده ۲۷ امکان سپردن کیسه دیپلماتیک به فرمانده هواپیما ذکر شده، در حالی که در کنوانسیون روابط کنسولی (ماده ۳۵ بند ۷) فرمانده کشتی نیز می‌تواند با همان شرایط، حامل کیسه کنسولی باشد.

در طرح «کنوانسیون در باره پیک دیپلماتیک و کیسه دیپلماتیک که همراه پیک دیپلماتیک نباشد» همین پیش‌بینی (در بخش دوم، ماده ۲۳) شده است.

عدم ذکر «فرمانده کشتی»، در کنار «فرمانده هواپیما» نقص کنوانسیون در باره روابط دیپلماتیک است که باید رفع شود.

- سپردن و «دریافت کردن» کیسه دیپلماتیک: - در ماده ۲۷ طی بند هفتم گفته شده: «کیسه دیپلماتیک را می‌توان به فرمانده یک هواپیمای ... سپرد ... نمایندگی می‌تواند یکی از اعضای خود را برای دریافت ... از شخص فرمانده هواپیما اعزام دارد.» مفهوم این بند تاحدودی نارساست زیرا تنها به سپردن کیسه در مبداء و دریافت آن از طرف نمایندگی اشاره کرده است درحالی که هردو طرف، مبداء و مقصد، در سپردن و دریافت کردن کیسه دیپلماتیک آزادند. این نارسائی متن در طرح کنوانسیون مربوط به «پیک دیپلماتیک و کیسه دیپلماتیک که همراه پیک دیپلماتیک نباشد» برطرف گردیده است، زیرا به موجب ماده ۲۳ طرح مذکور، کیسه دیپلماتیک را می‌توان به فرمانده کشتی یا هواپیما سپرد یا از او دریافت کرد.
- نادیده گرفتن ارتباط نمایندگی با اتباع و وزارت خارجه پذیرنده: - ماده ۲۷ کنوانسیون روابط دیپلماتیک، که به آزادی ارتباطات نمایندگی مربوط است، به دو مورد ارتباط ضروری اشاره نکرده است: یکی آزادی ارتباط نمایندگی با اتباع دولت فرستنده است که حق مسلم هر نمایندگی است، خصوصاً باتوجه به ماده سوم (بند دوم) که امکان انجام امور کنسولی برای نمایندگی دیپلماتیک پیش‌بینی شده است. (در کنوانسیون روابط کنسولی این آزادی ارتباط با اتباع طی ماده ۳۶ شناخته شده است).
- دیگر آزادی ارتباط نمایندگی با وزارت خارجه دولت پذیرنده است که در جای نامناسبی (ماده ۴۱ بند دوم) گنجانیده شده و بهتر می‌بود اگر در ماده ۲۷ ضمن سایر آزادیهای ارتباطی ذکر می‌شد.

### ابهام در معنی دعاوی جزائی، مدنی و اداری

در ماده ۳۱ طی بند اول به مصونیت قضائی «جزائی» و «مدنی» و «اداری» اشاره شده،

بدون آنکه تعریفی از این اصطلاحات شده باشد.

نکته ابهام در این است که، کشورهای جهان دارای سیستمهای حقوقی متفاوتی هستند، بطوری که ممکن است یک عمل، در کشورهای مختلف، از نظر حقوقی، در طبقه‌بندی جرائم و تخلفات در طبقات متفاوت قرار گیرد.

چون در ماده ۳۱ سخن از «مصونیت قضائی» است، شاید به همین دلیل تدقیق معانی اصطلاحات فوق لازم نشده و تعریف کلمات «جزائی و مدنی و اداری» به هر معنی که در کشور پذیرنده گرفته شود، در روابط دولتها اثر نمی‌گذارد:

نکته ابهام و قابل ذکر در این زمینه آن است که اگر عملی در کشور پذیرنده جرم تلقی نشود ولی در کشور فرستنده جرم باشد، قضاوت در باره چنین عملی منحصرأ در صلاحیت دولت فرستنده است. در این مورد می‌توان شرب مسکرات، یا استعمال بعضی مواد مخدر ضعیف و یا زنا را برای مثال ذکر کرد.

### دو ایراد بر بند چهارم ماده سی و دوم

● عدم ذکر مصونیت اجرائی در احکام جزائی: - ماده ۳۲ بند چهارم، به موضوع «مصونیت اجرائی» پرداخته است. مقصود از مصونیت اجرائی آن است که اگر مأمور دیپلماتیک در دادگاهی به علت صرف نظر کردن دولت فرستنده از مصونیت قضائی او، مورد محاکمه قرار گیرد و به مجازاتی محکوم گردد، این حکم قابل اجراء نیست و موکول به آن است که دولت فرستنده، بار دیگر صرف نظر کردن خود را از مصونیت مأمور خود از نظر اجرائی اعلام دارد، تا حکم قابل اجراء باشد.

در ماده ۳۲ بند چهارم، چنین آمده است: «انصراف از مصونیت قضائی نسبت به دعوای مدنی یا اداری متضمن انحراف از مصونیت نسبت به اجراء حکم نخواهد بود...».

نکته مبهم در این ماده (بند چهارم)، آن است که چرا مصونیت اجرائی، در مورد

محکومیت جزائی که اهمیت بیشتر دارد و مجازات آن سنگین تر می‌باشد، پیش‌بینی نشده است؟

احتمالاً تنها با رجوع به متن مذاکرات نمایندگان در کنفرانس و بررسی گفتگوی حقوقدانان در هنگام تهیه این طرح ممکن است به نیت تدوین‌کنندگان این ماده پی برد و آن را توجیه کرد، و الا نادیده گرفتن موضوعی به این پایه از اهمیت را نمی‌توان به سهل‌انگاری و سهو نویسندگان و امضاء کنندگان کنوانسیون حمل کرد.

درست است که مصونیت جزائی مطلق است ولی امکان دارد در مرحله قضاوت دولت فرستنده از مصونیت صرف‌نظر کند و محاکمه جریان عادی خود را طی کرده و مأمور دیپلماتیک محکومیت یابد، در این صورت اجرای حکم می‌باید مستلزم صرف‌نظر دولت فرستنده از مصونیت اجرائی باشد که ذکر آن در بند چهارم ماده سی و دوم نیامده است.

● ایراد اصولی بر مصونیت اجرائی: - بند چهارم از ماده ۳۲ دارای یک ایراد اصولی و اساسی دیگر هم هست، زیرا در آن دو نوع مصونیت متعاقب یکدیگر در نظر گرفته شده است. مصونیت نخست به انصراف دولت فرستنده اشاره می‌کند که به موجب آن دولت فرستنده در مورد خاصی از حق مصونیت قضائی صرف‌نظر می‌کند و به عضو نمایندگی که می‌تواند از سپر مصونیت استفاده کند، اجازه می‌دهد که در برابر محاکم و دولت پذیرنده حاضر شده و از خود دفاع نماید. در این مرحله هم استفاده از مصونیت قضایی و هم انصراف از مصونیت قضایی معقول و قابل توجیه است.

و اما مصونیت از اجراء حکم را در صورت محکومیت عضو، به دشواری می‌توان توجیه کرد، زیرا براساس بند چهارم از ماده ۳۲ به دولت فرستنده اختیار داده می‌شود که از مصونیت عضو خود در نمایندگی صرف‌نظر کند یا نکند (در مرحله قضائی)، و اگر با انصراف از مصونیت موافقت کرد و عضو محاکمه و حکم محکومیت قطعی در باره وی صادر شد، بار دیگر به دولت فرستنده اختیار داده می‌شود که حکم، علیه عضو اجراء شود یا نشود و این روش بقول

یک نویسنده حقوقی، به تمسخر گرفتن عدالت است.

### عدم پیش‌بینی دو ماده

در «کنوانسیون وین در باره روابط کنسولی» (۱۹۶۳)، دو ماده وجود دارد که محتویات آنها در «کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک» (۱۹۶۱) پیش‌بینی نشده بوده است. این دو ماده عبارتند از ماده ۴۶ (کنوانسیون کنسولی) با عنوان «معافیت از مقررات ثبت نام بیگانگان و پروانه اقامت» و دیگر ماده ۴۷ (کنوانسیون کنسولی) با عنوان «معافیت از پروانه کار».

نظر به شباهت وضع اعضاء نمایندگی دیپلماتیک و اعضاء پست کنسولی، می‌بایست محتویات دو ماده فوق در کنوانسیون روابط دیپلماتیک گنجانیده می‌شد و جای آن می‌توانست در ماده‌ای بین ماده ۳۳ و ۳۴، ضمن سایر معافیتهای دیپلماتیک، در کنوانسیون روابط دیپلماتیک باشد.

دلایل لزوم گنجاندن چنین ماده‌ای همان است که موجب گنجانیدن آنها در کنوانسیون روابط کنسولی شده است.

### مطلق بودن منع خدمات شخصی و عمومی در ماده سی و پنجم

در ماده ۳۵ کنوانسیون تأکید شده که «دولت پذیرنده مأمورین دیپلماتیک را از انجام خدمات شخصی و خدمات عمومی، به هر صورتی که باشد ... معاف خواهد داشت». این معافیت مطلق است، ولی شاید بهتر می‌بود اگر کمک داوطلبانه مأمور، با موافقت دولت پذیرنده، پذیرفته می‌شد، زیرا گاه ملاحظات انسانی حکم می‌کند که رئیس نمایندگی یا قائم‌مقام او با کمک خود بتوانند انسان یا انسانهایی را در سوانح، مانند سیل یا آتش‌سوزی و تصادفات و غیره نجات دهند و یا مانع وقوع حوادث و خساراتی از این قبیل گردند. این کمکها

می‌تواند به صورت اجازه عبور مأموران کمک‌رسانی یا در اختیار گذاشتن بعضی وسایل کمکی و عدم ممانعت از حمل نجات‌یافتگان و مجروحین سانحه از محوطه نمایندگی باشد. انگیزه منع مطلق کمک‌رسانی در کنوانسیون، احتمال سوء استفاده دستگاه‌های دولتی پذیرنده در این قبیل سوانح و یا صحنه‌سازی در سوانح بوده است. برای جلوگیری از چنین سوءاستفاده‌هایی بهتر می‌بود اگر این کمک‌ها از طرفی به تشخیص رئیس نمایندگی و اجازه او و از طرف دیگر منوط به تقاضا یا رضایت مقامات دولت پذیرنده می‌شد. در این صورت منع اعضای نمایندگی از کمک‌رسانی «به هر صورتی که باشد» ضرورت پیدا نمی‌کرد.

### ابهام در تنظیم ماده سی و ششم

انشاء ماده ۳۶ روشن نیست.

این ماده که در دو بند تنظیم شده، ظاهراً در بند اول، ناظر به ورود اشياء articles یا objects است که همراه مأمور دیپلماتیک نیست و معمولاً بصورت بارهایی قبل یا بعد از ورود او به گمرک می‌رسد و معاف از حقوق گمرکی و عوارض است، در حالی که بند دوم به توشه (baggage یا baggage) نظر دارد که معمولاً به صورت چمدان یا غیر آن، همراه مأمور دیپلماتیک وارد یا خارج از گمرک می‌شود و اصولاً مشمول معافیت از بازرسی است.

در عمل، این تفکیک هم از نظر پرداخت حقوق و عوارض گمرکی و هم از نظر بازرسی احتمالی درست نیست، زیرا هم بار و بینه همراه مأمور دیپلماتیک و هم اشیائی که جداگانه وارد گمرک می‌شود، اصولاً از پرداخت حقوق گمرکی و عوارض معاف‌اند و ممکن است در صورت وجود دلایل جدی از طرف دولت پذیرنده تحت شرایطی مورد بازرسی قرار گیرند و اگر هم این مفهوم در هنگام انشاء ماده ۳۶ منظور بوده، به روشنی بیان نشده است.

### نقص ماده چهل و سوم در ذکر موارد پایان مأموریت

در ماده ۴۳ تنها به دو مورد از موارد متعدد پایان یافتن مأموریت مأموران دیپلماتیک اشاره شده است، یکی فراخواندن مأمور از طرف دولت فرستنده که به دولت پذیرنده ابلاغ می‌شود، دیگر پایان دادن به مأموریت عضو دیپلماتیک یک نمایندگی، از طرف دولت پذیرنده که به اطلاع دولت فرستنده می‌رسد.

چنانکه در جای خود گفته شده، نحوه پایان یافتن مأموریت مأموران دیپلماتیک مختلف و متعدد است و معلوم نیست چرا در ماده ۴۳ تنها به این دو مورد اشاره شده است. اگر گفته شود که در این دو مورد، اراده دولتها در پایان دادن به مأموریت دخالت داشته، باید گفت که قطع روابط دیپلماتیک، تعطیل نمایندگی، ارتقای سطح و طبقه نمایندگی هم با اراده دولتها صورت می‌گیرد و در دو مورد اول به مأموریت مأموران دیپلماتیک عموماً پایان می‌دهد.

نکته دیگر اینکه، دو مورد یاد شده در ماده ۴۳، قبلاً طی ماده ۹ و ماده ۱۰ در همین کنوانسیون ذکر شده و تکرار آن در ماده جداگانه زائد به نظر می‌رسد.

### ایرادهایی بر ترجمه‌های فارسی کنوانسیون (۱۹۶۱)

ترجمه «کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک» نخستین بار تحت عنوان «قرارداد وین درباره روابط سیاسی» تهیه شد که به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید.

متن رسمی - با عنوان «قانون روابط دیپلماتیک (سیاسی) بصورتی که از مجلس گذشته» - در «مجموعه قراردادهای بین‌المللی چندجانبه ایران در ادوار جامعه ملل و سازمان ملل متحد» - به کوشش دکتر محمدعلی هدایتی - چاپ سال ۱۳۴۵ - صفحه ۷۴۱.

به علت معایب و نقایصی که در ترجمه رسمی وجود داشت، در سالهای بعد، اداره کل امور حقوقی و معاهدات وزارت امور خارجه، ترجمه جدیدی از کنوانسیون تحت عنوان

«کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک» تهیه کرد که به صورت جزوه‌هایی منتشر گردید. با اینکه متن تهیه شده توسط وزارت امور خارجه، از لحاظ ترجمه، نسبت به متن رسمی، برتری دارد ولی از نظر حقوقی، متن رسمی از اعتبار بیشتری برخوردار است و تنها این متن قابل استناد می‌باشد.

هر دو متن ترجمه شده به زبان فارسی دارای معایب و نارسائی‌هایی است که بررسی آنها، ما را در درک جزئیات و دقایق کنوانسیون یاری خواهد کرد.

ایراداتی که در متن ترجمه‌های فارسی به نظر می‌رسد، بنابر شماره مواد، به این قرار می‌باشد:

### ایراد بر ترجمه نام رسمی کنوانسیون

عنوان اصلی کنوانسیون مورد نظر به زبان فرانسوی:

Convention de Vienne sur les Relations Diplomatiques

و به زبان انگلیسی:

Vienna Convention on Diplomatic Relations

است که در متن رسمی فارسی این عنوان چنین ترجمه شده است:

«قرارداد وین در باره روابط سیاسی»

در باره این عنوان دو نکته قابل ذکر است:

● نخست این که «قرارداد» مفهوم کلی دارد و شامل عهدنامه و موافقتنامه و کنوانسیون و پیمان و ... غیره است، در حالی که «کنوانسیون» نوع خاصی از قرارداد است که معمولاً محتویات آن جنبه عمومی دارد و در زبان فارسی هم این اصطلاح عیناً جای خود را باز کرده و بهتر است به همین شکل حفظ شود.

● دوم این که، ترجمه دیپلماسی (Diplomatie) به سیاست (که برابر Politique است) و

«دیپلماتیک» به «سیاسی» غلط مشهوری است که باید جداً از آن احتراز کرد.

«سیاست» خط‌مشی کلی است که دولتی در کلیه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، مالی، نظامی، فرهنگی و غیره اختیار می‌کند.

«دیپلماسی» فقط مربوط به قسمت کوچکی از سیاست است و آن اجرای سیاست خارجی دولت در ارتباط با سایر کشورهاست.

«سیاست» بر کلیه تشکیلات دولتی و فعالیتهای آن حکومت و نظارت می‌کند، در حالی که «دیپلماسی» منحصراً خاص وزارت خارجه و نمایندگیهای دیپلماتیک است که اجراکننده سیاست خارجی هستند.

به عبارت دیگر «سیاست» تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده و دستوردهنده است، ولی «دیپلماسی» رهبری‌کننده و مجری دستورات سیاسی به نحو مقتضی است.

بنابراین، آنچه که به وزارت خارجه و نمایندگیها مربوط می‌شود، به دیپلماسی ارتباط دارد و بهمین دلیل اصطلاحات «روابط سیاسی»، «نمایندگیهای سیاسی»، «هیأت سیاسی»، «پیک سیاسی»، «کیسه سیاسی»، «اتومبیل سیاسی» و امثال آن همه نادرست است و باید بجای «سیاسی» «دیپلماتیک» گفته شود.

در ترجمه وزارت امور خارجه به این دو نکته توجه شده و عنوان این کنوانسیون، «کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک» اختیار شده است.

### «مأموران دیپلماتیک» بجای «نمایندگان دیپلماتیک» (در مقدمه)

در متون اصلی، در پاراگراف اول مقدمه، سخن از «مأموران دیپلماتیک» است که به موجب بند اول تبصره (ه) - شامل رئیس نمایندگی و کارمندان دیپلماتیک می‌باشد.

در ترجمه متون فارسی این پاراگراف، بجای «مأموران دیپلماتیک» اصطلاح «نمایندگان دیپلماتیک» آمده است، در حالی که چنین اصطلاحی در کنوانسیون تعریف نشده و معنی دقیق

ندارد و در هیچ جای دیگر از کنوانسیون هم این اصطلاح بکار نرفته است.

### «نماینده دیپلماتیک» بجای «مأموریت دیپلماتیک» (مقدمه)

در مقدمه طی پاراگراف چهارم و سپس در سراسر کنوانسیون، اصطلاح «میسون دیپلماتیک» برابر با «مأموریت دیپلماتیک» آورده شده است.

«میسون» (Mission) در رشته مورد بحث، معمولاً به سه معنی می‌آید:

۱- «مأموریت» به معنی واگذار کردن انجام وظیفه‌ای در مدت محدود، به شخص یا گروه است که با انجام آن، مأموریت نیز خاتمه می‌یابد.

«کنوانسیون وین در باره مأموریت‌های خاص»، در همین زمینه است و این مفهوم را دربر

دارد.

۲- «هیأت» و این به گروهی اطلاق می‌شود که وظیفه خاصی به آن محول شده است. در

ماده دوم کنوانسیون «میسون» به «هیأت» ترجمه شده است.

۳- اصطلاح مرکب «میسون دیپلماتیک» که در کنوانسیون به «مأموریت دیپلماتیک»

ترجمه شده، ترجمه مناسبی نیست. در کنوانسیون، مقصود از «مأموریت دیپلماتیک» همان

«سفارت» یا «سفارتخانه» است که امروزه معمولاً به آن در زبان فارسی «نماینده دیپلماتیک»

گفته می‌شود.

اصطلاح «نماینده دیپلماتیک» مترادف «سفارت» است که در محاورات و مکاتبات

اداری جای خود را باز کرده است، چنانکه در قانون وظایف وزارت امور خارجه که در سال

۱۳۶۴ تدوین شده، بجای سفارت یا مأموریت دیپلماتیک، اصطلاح جدیدتر «نماینده دیپلماتیک» آمده است.

### «عرف بین‌المللی» بجای «عادات بین‌المللی» (در مقدمه)

در آخرین پاراگراف مقدمه کنوانسیون، در متون اصلی گفته شده که در مورد مسائلی که طی کنوانسیون تعیین تکلیف نشده «قواعد حقوق بین‌المللی عرفی» (به زبان فرانسوی les ... " "règles du droit international coutumier ... the rules of customary international law" باید حاکم باشد.

در ترجمه فارسی، به جای جمله «قواعد حقوق بین‌المللی عرفی»، بدون آنکه لزومی باشد، جمله «قواعد عرف و عادت حقوق بین‌الملل» گفته شده است. افزودن کلمه «عادت» در متن اصلی، بجای آنکه معنی را روشن‌تر کند، بر ابهام جمله می‌فزاید و موجب گمراهی خواننده می‌شود.

قواعد ناشی از «عرف» تکرار اعمال دولتهاست که عمل به آنها الزامی است زیرا با اعتقاد حقوقی بودن، همراه است و قواعد آن جنبه حقوقی دارد و نقض آنها مستوجب مجازات است. قواعد ناشی از «عادت» (usage) تکرار اعمال دولتهاست که رعایت آنها الزامی نیست زیرا بدون اعتقاد حقوقی بودن انجام می‌شود و نقض آنها مجازاتی در پی ندارد.

بنابراین، اضافه کردن یک کلمه در متن اصلی و بکاربردن دو لغت بصورت مترادف و با معانی مختلف، محقق پارسی زبان را که دسترسی به متون خارجی ندارد به اشتباه می‌اندازد، زیرا تصور می‌کند که دولتها در روابط خود می‌توانند به اعمالی که ارزش حقوقی ندارد (یعنی اعمال ناشی از عادات) در توجیه اعمال خود استفاده کنند که در واقع چنین نیست.

این غلط که در ترجمه رسمی بوده، عیناً در ترجمه وزارت امور خارجه طی مقدمه و همچنین در ماده ۴۷ تکرار شده است.

### ایراد در تنظیم متن مقدمه

مقدمه کنوانسیون در اصل در پنج پاراگراف تنظیم شده است، در حالی که در هر دو متن

ترجمه شده به زبان فارسی، معلوم نیست به چه دلیل، پاراگراف اول و دوم بهم پیوند داده شده و تشکیل یک پاراگراف را داده‌اند و در نتیجه، مقدمه به زبان فارسی مرکب از چهار پاراگراف است.

### تکرار کلمه «اصطلاح» لازم نیست (ماده اول)

ماده یکم کنوانسیون به تعریف اصطلاحات اختصاص دارد.

در ترجمه فارسی به متن فرانسوی توجه شده که در آغاز و سرخط همه تبصره‌ها، بدون آنکه لازم باشد کلمه «اصطلاح» نه بار تکرار گردیده است در حالی که در متن انگلیسی تنها یک بار برای همه تبصره‌ها از کلمه «اصطلاح» استفاده شده است. بهتر بود در ترجمه این ماده، متن انگلیسی مورد توجه قرار می‌گرفت.

### «اجزای نمایندگی» بجای «کارمندان مأموریت» (ماده اول)

در زبان محاوره و زبان اداری «کارمند» به کسی گفته می‌شود که در دفاتر و پشت میز ادارات، کارهای فکری یا فنی انجام می‌دهد.

در حالی که «کارکنان» کسانی هستند که در مؤسسات مختلف به کارهای بیرون از دفاتر و یا کارهای بدنی اشتغال دارند.

در ترجمه فارسی کنوانسیون، طی ماده یک، ضمن تعریف اصطلاحات در تبصره (ج) کسانی را که در نمایندگی دیپلماتیک کار می‌کنند - به استثنای رئیس نمایندگی - همه را تحت عنوان «کارمند» آورده است که شامل «خدمه» نیز شده است.

در نظر ما، کلیه کسانی که در نمایندگی کار می‌کنند (اعم از رئیس و کارمندان و خدمه) جمعاً باید «اعضای نمایندگی» نامید، چنانکه در ماده یک، تبصره (ب) نیز به همین معنی آمده است.

و اما همه «اعضای نمایندگی» را بدون در نظر گرفتن «رئیس نمایندگی» باید «اجزای

نمایندگی» گفت که شامل کارمندان و خدمه است. اصطلاح «کارمندان» فقط شامل «کارمندان دیپلماتیک» و «کارمندان اداری و فنی» بدون در نظر گرفتن خدمه (یا کارکنان) باید باشد.

### «کارکنان» بجای «خدمه» (ماده اول)

در ترجمه فارسی کنوانسیون (ماده یک، تبصره ز) کسانی که در نمایندگی در خدمت دفاتر کار می‌کنند و حقوق خود را از دولت فرستنده می‌گیرند «خدمه» (جمع خادم) نامیده شده‌اند و اما به موجب ماده یک تبصره ح - کسی که در خدمت عضو نمایندگی است و ماهیانه خود را از او دریافت می‌کند «خدمتگار» نامیده می‌شود.

ظاهراً بهتر بود، در مورد گروه اول، بجای «خدمه»، اصطلاح «کارکنان» و یا «خدمتگزاران» بکار می‌رفت. این اصطلاح با توجه به تنوع اشتغالات آنان که، عبارت از، رانندگی، نامه‌رسانی، دربانی، حفاظت، باغبانی، خدمتگاری و امثال آن است، مناسب‌تر می‌نماید. قابل توجه اینکه در ترجمه‌های فارسی هم در تبصره (د) و (و) سخن از «کارمندان» دیپلماتیک و «کارمندان» اداری فنی رفته است، در حالی که در بند (ز) خدمه، از جمله «کارکنان» بشمار آمده‌اند.

### «در خدمت دفاتر» بجای «امور خانگی»

در تعریف «خدمه» که ما اصطلاح «کارکنان» را بجای آن برمی‌گزینیم، در متن فارسی آمده است:

«آن دسته از کارکنان نمایندگی که به امور خانگی نمایندگی اشتغال دارند». در این تعریف «امور خانگی» ترجمه‌ای از service domestique (فرانسوی) یا domestic service (انگلیسی) است که ترجمه‌ای تحت‌اللفظی است و بهتر می‌بود به «خدمات داخلی» ترجمه می‌شد و شاید برای آنکه مفهوم را بهتر برساند، بجای تعریف فوق که در ماده اول تبصره (ز) آمده، تمام جمله

چنین تصحیح می‌شد:

اصطلاح «کارکنان، یعنی آن دسته از اجزای نمایندگی که در خدمت دفاتر نمایندگی هستند.»

### «برقراری روابط دیپلماتیک و تأسیس نمایندگی» بجای «استقرار روابط دیپلماتیک و اعزام هیأت دیپلماتیک» (ماده دوم)

مفهوم ماده دوم کنوانسیون، به زبان ساده حقوقی چنین است:

«برقراری روابط دیپلماتیک و تأسیس نمایندگیهای دائم دیپلماتیک دائم با رضایت متقابل دولتها انجام می‌گیرد.»

این ماده در متن رسمی چنین ترجمه شده:

«استقرار روابط سیاسی بین کشورها و اعزام هیئتهای سیاسی دائم با رضایت متقابل انجام می‌گیرد.»

و ترجمه همین ماده در متن وزارت امور خارجه چنین است:

«استقرار روابط دیپلماتیک بین دول و اعزام مأموریتهای دیپلماتیک دائم با رضایت متقابل انجام می‌گیرد.»

در متن اصلی فرانسوی برای برقراری و اعزام هیأت ... دو اصطلاح بکار رفته که یکی

Etablissement de relations است و دیگری Envoi de missions.

در متن انگلیسی در هر دو مورد از یک فعل establishment که به معنی برقراری یا

تأسیس است، استفاده شده است.

در ترجمه این ماده، بهتر می‌بود اگر از غنای زبان فارسی استفاده می‌شد و با توجه به متن

اصلی انگلیسی، فعل بکار رفته، یک بار به «برقراری روابط...» و دیگر بار به «تأسیس نمایندگی

...»، تفکیک و نوشته می‌شد، زیرا تفکیک این دو معنی به نحو روشن‌تری مقصود

تدوین‌کنندگان کنوانسیون را بیان می‌کند.

### چند نکته در باره ماده ۵ کنوانسیون

مفهوم بند اول ماده ۵ کنوانسیون، به زبان ساده حقوقی چنین است:

«دولت فرستنده می‌تواند پس از ابلاغ به نحو مقتضی، به دول پذیرنده ذیربط، یک رئیس نمایندگی را نزد چند دولت ... بگمارد ...»

این قسمت از ماده فوق، در دو ترجمه فارسی (با کمی تفاوت) چنین است:

«دولت فرستنده می‌تواند پس از اعلام رسمی به دول ذینفع، یک رئیس مأموریت را برای نمایندگی خود، نزد چند دولت ... بگمارد ...»

در این قسمت از ماده پنجم چهار نکته قابل بررسی است:

● «ابلاغ» بجای «اعلام» - در متون اصلی سخن از آن است که دولت فرستنده نامزدی رئیس نمایندگی را به دولتهای پذیرنده «ابلاغ» می‌کند. مقصود از ابلاغ کردن notification اطلاع دادن بطور خصوصی و انفرادی است، در حالی که در ترجمه متون فارسی سخن از «اعلام» کردن است که جنبه عمومی دارد و برای آگاهی همگان است.

● «به نحو مقتضی» بجای «رسمی» - در متن‌های اصلی ابلاغ «به نحو مقتضی» (due) است که به فارسی ابلاغ «رسمی» ترجمه شده است. معلوم نیست کلمه «رسمی» به چه منظور در متن ترجمه فارسی گنجانیده شده است.

● «ذیربط» بجای «ذینفع» - در متن اصلی به زبان انگلیسی گفته شده که نامزدی رئیس نمایندگی باید به «دول پذیرنده ذیربط» (concerned) ابلاغ شود، در ترجمه فارسی «دول ذینفع» گفته شده که درست نیست زیرا ممکن است دولتهای ثالث دیگر، غیر از دولت پذیرنده، نسبت به این رابطه، حساسیت داشته و ذینفع باشند ولی موضوع نامزدی و انتصاب به آنها اطلاع داده نمی‌شود.

همین اشتباه در متن اصلی فرانسوی نیز هست که در آن «دولتهای پذیرنده ذیعلاقه» (intéressés) گفته شده و احتمالاً ترجمه متن فارسی از متن فرانسوی صورت گرفته است.

● توضیح اضافی - در ترجمه بند اول ماده پنجم به فارسی گفته شده، دولت فرستنده می‌تواند «یک رئیس مأموریت» [منظور رئیس نمایندگی] را «به نمایندگی خود ...» نزد چند دولت ... بگمارد.

در متون اصلی فرانسوی و انگلیسی گفته شده که دولت فرستنده می‌تواند یک رئیس نمایندگی را نزد چند دولت ... بگمارد.

چنانکه دیده می‌شود در متون اصلی، جمله «به نمایندگی خود ...» وجود ندارد و معلوم نیست چرا این توضیح زائد به متن فارسی اضافه شده است. شاید اگر بجای «رئیس مأموریت» اصطلاح درست «رئیس نمایندگی» در ترجمه بکار می‌رفت، این توضیح اضافی لازم نمی‌شد.

#### **«انتخاب» مرحله قبل از «انتصاب» است (ماده ۷)**

به موجب ماده هفتم کنوانسیون، دولت فرستنده در «انتصاب» اجزای نمایندگی خود آزاد است. در ترجمه به زبان فارسی، به جای «انتصاب» کلمه «انتخاب» بکار رفته است که درست نیست.

در مورد سفیران و وزیران مختار (و در موارد استثنائی وابستگان ارتشی)، انتخاب هنگام «نامزد» شدن برای احراز شغل صورت می‌گیرد و پس از پذیرش یا قبول دولت پذیرنده «انتصاب» بعمل می‌آید، ولی در مورد سایر اجزای نمایندگی، «انتصاب» همراه با «انتخاب» صورت می‌گیرد و نیازی به تأیید و قبول دولت پذیرنده نیست.

با این توضیح، در تبصره ماده ۷ بهتر است بجای «انتخاب اجزای نمایندگی»، «انتصاب» گفته شود، چنانکه متن انگلیسی نیز این مفهوم را با صراحت بیشتر بیان می‌کند. گرچه متن فرانسوی کنوانسیون در این مورد مبهم است.

**«این دولت» یا «آن دولت» (ماده ۸ و ...)**

در فارسی هنگامی که سخن از دو دولت «فرستنده» (اول) و «پذیرنده» (دوم) است، اگر در جمله بعدی، اشاره به دولت پذیرنده (اخیرالذکر) شود، باید اصطلاح «این دولت» بکار رود و اگر مقصود دولت فرستنده (بعیدالذکر) است که قبل از دولت پذیرنده ذکر شده، در این صورت باید از اصطلاح «آن دولت» استفاده شود.

و اما در ترجمه ماده ۸ و مواد ۳۷ (بندهای دوم و سوم و چهارم) و ۳۸ (بند اول و دوم) و ۳۹ (بند چهارم) و ۴۱ (بند اول)، همه جا در ترجمه فارسی «آن دولت» گفته شده، در حالی که مقصود دولت پذیرنده (اخیرالذکر) بوده و می‌بایست «این دولت» گفته شود.

**«اعضای نمایندگی» شامل رئیس نمایندگی هم هست (ماده ۹)**

در ماده نهم، بند اول، در متن فارسی آمده است؛ دولت پذیرنده می‌تواند به دولت فرستنده اطلاع دهد که «رئیس یا هریک از اعضای دیپلماتیک نمایندگی» عنصر نامطلوب است. در ماده اول، ضمن تعریف اصطلاحات دیده شد که «اعضای نمایندگی» شامل «رئیس نمایندگی» نیز هست، پس ذکر «رئیس» در کنار «اعضاء» دیپلماتیک درست نیست. در متون اصلی به زبان فرانسوی و انگلیسی، این جمله به صورت: «رئیس یا هریک از کارمندان دیپلماتیک نمایندگی ...» بیان شده است، زیرا تعریف اصطلاح کارمندان دیپلماتیک (ماده ۱ تبصره د) شامل رئیس نمایندگی نمی‌شود.

در ماده ۹ می‌شد به جای «رئیس و کارمندان دیپلماتیک» اصطلاح «مأمورین دیپلماتیک» بکار رود ولی ظاهراً نظر به اهمیت موضوع که «عنصر نامطلوب» بودن است ترجیح داده شده که رئیس و کارمندان دیپلماتیک، بطور جداگانه در نظر گرفته شوند.

### «انتخاب» یا «انتصاب» (ماده ۱۰)

چنانکه در مورد ماده ۷ کنوانسیون گفته شد، در مورد رئیس نمایندگی، دولت فرستنده ابتدا او را «انتخاب» و نامزد می‌کند و سپس پذیرش او را می‌خواهد و در صورت قبول دولت پذیرنده، رئیس نمایندگی (در سطح سفیر و وزیر مختار) به این سمت منصوب می‌گردد، و اما در مورد اجزای نمایندگی، دولت فرستنده آزاد است هر کس از اتباع خود را به انجام وظیفه‌ای در نمایندگی «منصوب» کند.

ماده ۱۰ بند اول، تبصره الف، دولت فرستنده را مکلف می‌کند «انتصاب» اعضاء و ورود و عزیمت آنان را به دولت پذیرنده اطلاع دهد، در ترجمه رسمی نیز اصطلاح «انتصاب» بکار رفته که درست بوده است، ولی در ترجمه وزارت امور خارجه معلوم نیست چرا لغت «انتخاب» گفته شده است، خصوصاً هنگامی که عضوی وارد محل خدمت شده است نمی‌توان سخن از «انتخاب» او گفت، بلکه پس از «انتصاب» عضو عازم محل مأموریت می‌شود.

### «فقدان توافق» بجای «عدم توافق» (ماده ۱۱)

در ترجمه ماده ۱۱ متن‌های فارسی، در بند اول گفته شده «در صورت عدم توافق صریح» نسبت به تعداد افراد نمایندگی، دولت پذیرنده می‌تواند حدود تعداد را تعیین کند. باید توجه داشت که «عدم توافق» حاکی از وجود اختلاف نظر بین دو دولت است، در حالی که در متون اصلی کنوانسیون سخن از «فقدان» (به زبان فرانسوی a default و انگلیسی in the absence) «توافق صریح» است. یعنی در موضوعی از آغاز توافقی وجود نداشته، بدون آنکه اختلافی در میان باشد.

بنابراین متن فارسی در این موضوع باید چنین اصلاح شود:

«در صورت نبودن (یا فقدان) توافق صریح نسبت به تعداد افراد نمایندگی...»

### لزوم ذکر «نماینده‌گی مورد نظر» (ماده ۱۱)

بند اول از ماده ۱۱ کنوانسیون، ناظر به موردی است که تعداد اعضای یک نمایندگی خاص، بیش از اندازه لزوم باشد، بطوری که دولت پذیرنده نسبت به فعالیت آن نمایندگی مشکوک شده و احساس ناامنی کند. در این صورت، اگر توافقی از قبل نسبت به تعداد اعضای آن نمایندگی نبوده باشد، از نمایندگی مورد نظر خواسته می‌شود تا از اعضای خود بکاهد. باید در نظر داشت که کنوانسیون روابط دیپلماتیک در سال ۱۹۶۱ تنظیم شد و به امضاء رسید که جنگ سرد بین دولت‌ها برقرار بود و بی‌اعتمادی و جاسوسی در روابط بین‌المللی حکمفرمایی می‌کرد.

در متون اصلی، ماده ۱۱ تنها به یک «نماینده‌گی مورد نظر یا مورد بحث» (mission en cause) یا نمایندگی خاص (particular mission) نظر دارد، در حالی که در متون ترجمه شده به زبان فارسی توصیف «مورد نظر» یا «خاص» نشده و با حذف این صفت مفهوم ماده تغییر می‌کند.

### «گروه» بجای «نوع» و «اجزای نمایندگی» بجای «مأمورین» (ماده ۱۱)

در متن فارسی ماده ۱۱ (بند دوم) گفته شده «دولت پذیرنده همچنین می‌تواند، در همان حدود و بدون تبعیض، از پذیرفتن «نوع معینی از کارمندان» امتناع کند».

در این متن دو نکته قابل بررسی است:

● در این متن منظور از «نوع» دقیقاً مشخص نیست. می‌توان نوع را از نظرهای مختلف تعبیر کرد. مثلاً تابع دولت فرستنده یا پذیرنده بودن، مقیم محل و یا خارج از کشور بودند، زن یا مرد بودن و غیره.

در متون اصلی در این مورد کلمه categorie بکار رفته که باید به «گروه» یا «دسته» ترجمه شود و مقصود از آن «گروه کارمندان دیپلمات» و «گروه کارمندان اداری و فنی» و «گروه کارکنان

(یا خدمه) نمایندگی است که دولت پذیرنده می‌تواند تعداد هر گروه را به تناسبی که صلاح می‌داند تعیین کرده و به دولت فرستنده بقبولاند.

● در متن‌های اصلی به زبانهای خارجی در این ماده سخن از (fonctionnaires یا officials) رفته است ولی در ماده اول تعریف نشده اینان چه کسانی هستند و شاید درست این بود که بجای آن «اجزای نمایندگی» گفته می‌شد که مقصود تدوین‌کنندگان را بهتر نشان می‌داد.

### «تسلیم» بجای «تقدیم» (ماده ۱۳)

در ماده سیزدهم کنوانسیون، سخن از «تسلیم استوارنامه» است در حالی که در ترجمه‌های فارسی «تقدیم استوارنامه» گفته شده است.

در متون خارجی، کلمات فرانسوی presenter و انگلیسی to present بکار رفته که در فارسی به ارائه دادن و «تسلیم کردن» ترجمه می‌شود.

استوارنامه، در اصل، نامه‌ای است که رئیس یک کشور (فرستنده) به رئیس کشور دیگر (پذیرنده) خطاب می‌کند و چون هر دو در یک مقام هستند، نمی‌توان این عمل را «تقدیم» (offrir) نامید که از طرف مقام پائین‌تر به مقام بالاتر، صورت می‌گیرد و یا «اعطاء» (octroi) که از مقام بالاتر به مقام پائین‌تر داده، می‌شود.

### «اعضای نمایندگی» بجای «کارمندان» (ماده ۲۱)

در ترجمه فارسی ماده ۲۱ بند دوم، گفته شده که دولت پذیرنده، نمایندگی را در تهیه مسکن، برای «کارمندان» خود، یاری خواهد کرد.

لغت «کارمندان» در هر گروه که باشند، شامل رئیس نمایندگی نمی‌شود، در حالی که در متن اصلی «اعضاء» نمایندگی گفته شده که شامل رئیس نمایندگی نیز می‌شود، زیرا رئیس نمایندگی خود عضوی از اعضای نمایندگی است و در نتیجه دولت پذیرنده باید رئیس

نمایندگی را هم در تهیه مسکن (رزیدانس) یاری نماید، در حالی که در ترجمه فارسی، چنین تعهدی برای دولت پذیرنده پیش‌بینی نشده است.

### «اجازه نداشتن» بجای «حق نداشتن» (ماده ۲۲)

بنابر ماده ۲۲ بند اول (در متون اصلی فرانسوی و انگلیسی)، مأموران دولت پذیرنده «اجازه» ورود به اماکن نمایندگی را ندارند.

در متون اصلی «اجازه ندارند» به زبان فرانسوی "il n'est pas permis" و به انگلیسی "may not" گفته شده است.

و اما در ترجمه‌های فارسی کنوانسیون از «حق ورود» نداشتن مأموران دولت پذیرنده به اماکن سخن رفته است.

بدیهی است که از نظر حقوقی بین «اجازه» داشتن یا نداشتن و «حق» داشتن یا نداشتن تفاوت بسیار است.

### «اثاث» بجای «اسباب و اثاثه» (ماده ۲۲)

در ماده ۲۲ بند سوم، در متون اصلی سخن از مصونیت «اثاث و اشیاء دیگر» موجود در اماکن نمایندگی است.

«اثاث» برابر با "ameublement" به زبان فرانسوی و "furnishings" به زبان انگلیسی است. در ترجمه فارسی بجای «اثاث» دو کلمه «اسباب و اثاث» آمده است، در این مورد هم معلوم نیست منظور مترجمین از افزودن لغت «اسباب» بر لغت اصلی چه بوده است و در هر حال، تغییر متن، بجای آنکه مفهوم «اثاث» را روشن کند، بر ابهام آن می‌افزاید.

### «تسهیلات» بجای «تسهیلات لازم» (ماده ۲۵)

طی ماده ۲۵ در متون اصلی کنوانسیون به زبانهای خارجی گفته شده که دولت پذیرنده «کلیه تسهیلات» را برای انجام وظایف نمایندگی فراهم خواهد آورد. در ترجمه فارسی معلوم نیست برای چه منظور، بجای «کلیه تسهیلات»، جمله «کلیه تسهیلات لازم» آورده شده است. افزودن کلمه «لازم» نه فقط مفهوم را روشن تر نمی‌کند، بلکه از دایره مفهوم «تسهیلات» می‌کاهد و معنی آنرا محدودتر می‌کند و به دولت فرستنده یا پذیرنده امکان می‌دهد که در باره لزوم یا عدم لزوم بعضی تسهیلات تفسیرهایی کنند و در نتیجه اختلاف نظر پیدا شود.

### «مصونیت قضائی» یا ... (ماده ۳۱ و ...)

در متون اصلی فرانسوی و انگلیسی در مواد ۳۱ و ۳۲ و ۳۷ چند بار اصطلاح: "immunité juridique" به زبان فرانسوی و "immunity from jurisdiction" به زبان انگلیسی که برابر با «مصونیت قضائی» است، بکار رفته است. در ترجمه فارسی مواد فوق، در برابر اصطلاح مذکور، چند اصطلاح مختلف زیر آمده است:

«مصونیت تعقیب»، «مصونیت دعاوی»، «مصونیت قضائی» و «مصونیت از صلاحیت». معلوم نیست دلیل انتخاب چند اصطلاح به زبان فارسی در برابر یک اصطلاح واحد «مصونیت قضائی» چه بوده است؟ بکار بردن چند اصطلاح، به جای یک اصطلاح بجای آنکه بر روشنی مطلب بیافزاید، موجب ابهام و سردرگمی می‌شود.

### «صرفنظر از مصونیت» به جای «سلب مصونیت» (ماده ۳۲)

امتیازات دیپلماتیک، تماماً خاص دولت پذیرنده بوده و در مقدمه کنوانسیون نیز به صراحت آمده است که دادن این امتیازات «به منظور منتفع ساختن افراد نیست» بلکه برای آن است که اعضای نمایندگی، بتوانند وظایفی که از طرف دولت فرستنده به آنان واگذار شده به خوبی انجام دهند.

بنابراین امتیازات اصولاً متعلق به دولت فرستنده است و دولت پذیرنده حق سلب مصونیت و مزایای اعضای نمایندگی را ندارد و باز به همین دلیل هم، هیچ یک از اعضای نمایندگی، نمی‌تواند به میل خود از مصونیت خویش صرفنظر کند، زیرا چون این حق متعلق به او نیست، چشم‌پوشی از آن هم در اختیار او نمی‌باشد.

با این توضیح، فقط دولت فرستنده است که می‌تواند از مصونیت اعضای نمایندگی خود «صرفنظر» نماید.

در متون اصلی نیز در این مورد اصطلاحات فرانسوی *renoncer* و انگلیسی *to waiver* بکار رفته که هر دو دقیقاً به معنی «صرفنظر» کردن است (این هر دو از نظر دستوری «فعل لازم» است که نیازی به مفعول ندارد).

بنابراین در ترجمه متون فارسی کاربرد اصطلاح «سلب مصونیت» آنچنانکه در ماده ۳۲ کنوانسیون آمده درست نیست (سلب کردن از نظر دستوری «فعل متعدی» است که نیاز به مفعول دارد)، بلکه باید به جای آن «صرفنظر از مصونیت قضائی» یا «انصراف از مصونیت قضائی...» گفته شود.

### «قوانین» و «مقررات قرنطینه» (ماده ۳۴)

اشیاء متعلق به مأمورین دیپلماتیک، در گمرک، از پرداخت حقوق گمرکی و بازرسی معاف می‌باشند، مگر در دو مورد استثنائی زیر:

اول - اشیائی که وارد یا صادر کردن آنها به کشور پذیرنده قانوناً ممنوع بوده و مشمول مقررات خاص باشد، مثل مواد مخدر یا اشیاء عتیقه و غیره ...

دوم - آنچه که از نظر بهداشتی مشمول مقررات قرنطینه است، مانند بعضی مواد کشاورزی یا غذائی و بعضی حیوانات و غیره.

در متون اصلی، طی ماده ۳۶، بند دوم، این مطلب چنین بیان شده است:

«اشیائی که وارد یا خارج کردن آنها توسط قوانین منع شده یا مشمول مقررات قرنطینه دولت پذیرنده است.»

متن فارسی، این قسمت از بند دوم ماده ۳۶ چنین است:

«... ورود و صدور آن اشیاء بموجب قوانین یا مقررات قرنطینه دولت پذیرنده ممنوع باشد.»

چنانکه دیده می‌شود در ترجمه فارسی متن کنوانسیون، بین این دو مطلب تمیزی داده نشده، در حالی که این دو موضوع بکلی از یکدیگر جدا و مشمول قوانین و مقررات جداگانه می‌باشند.

#### «استقرار» در منزل (ماده ۳۶)

ماده ۳۶ در بند اول، تبصره (ب) که اشیاء معاف از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی را شرح می‌دهد، در قسمت اول اشیاء مصرفی مانند مأكولات و مشروبات و امثال آنرا مورد نظر قرار می‌دهد و در قسمت آخر اشیائی که معمولاً در هنگام ورود به مأموریت برای مستقر شدن در منزل جدید مورد لزوم است، از قبیل بعضی وسائل برقی و صوتی و تلویزیون و اتومبیل و امثال آن که معمولاً در مدت مأموریت بیش از یک یا دوبار تجدید نمی‌شود.

در متن اصلی هم مفهوم «مستقر شدن» به صراحت ذکر شده (کلمه فرانسوی installation و انگلیسی establishment) که منظور از آن اثاثه و اشیائی است که در هر تغییر مسکن و استقرار در منزل جدید لازم می‌شود و معاف کردن آنها از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی است و ضمناً

ذکر «استقرار» برای جلوگیری از سوءاستفاده و محدود نمودن از وارد کردن این اشیاء بیش از اندازه لزوم و تکرار آن است.

در ترجمه فارسی، کلمه «مستقر شدن» در منزل جدید حذف شده و به جای آن «اثاثیه‌ای که برای منزل خود لازم دارد» آمده است که از نظر زمانی محدودکننده نیست و درست این بود که جمله چنین ترجمه می‌شد: «اثاثیه‌ای که برای استقرار در منزل خود لازم دارد».

در ماده ۳۷ بند دوم برای کارمندان اداری و فنی، این مزیت، فقط یک بار «در مورد اشیائی که برای استقرار اولیه وارد می‌کنند» شناخته شده است.

در کنوانسیون کنسولی حتی زمان محدودی برای وارد کردن این اثاثه تعیین شده است.

#### «از ماده ... تا پایان ماده ...» بجای «از ماده ... تا ماده ...» (ماده ۳۷)

در ترجمه‌های فارسی کنوانسیون، ماده ۳۷ بند دوم، گفته شده، کارمندان اداری و فنی از امتیازاتی که مأمورین دیپلماتیک طبق «مواد ۲۹ تا ۳۵» بهره‌مند هستند، برخوردار می‌باشند. در زبان فارسی، اصولاً هنگامی که «تا ماده ۳۵» گفته می‌شود، منظور تا پایان ماده ۳۴ است و ماده ۳۵ مشمول آن نمی‌شود و چون در متون اصلی ماده ۳۵ کنوانسیون هم مشمول نظر تدوین‌کنندگان بوده بنابراین بهتر است که جمله فوق چنین تصحیح شود: «مواد ۲۹ تا پایان ماده ۳۵» و یا «مواد ۲۹ لغایت ۳۵».

بدیهی است اگر متن فارسی موجود کنوانسیون، مأخذ قرار گیرد، نتیجه آن خواهد بود که کارمندان اداری و فنی مشمول ماده ۳۵ نشده و دولت پذیرنده می‌تواند آنان را به انجام خدمات شخصی و خدمات عمومی و الزامات نظامی مثلاً مصادره و بیکاری مجبور کند که این استنباط درستی نیست.

### «منازعات مسلحانه» بجای «اختلافات مسلحانه» (ماده ۴۴ و ۴۵)

«اختلاف» در زبانهای خارجی برابر کلمات فرانسوی *differend* و انگلیسی *dispute* است و آن به معنی تفاوت دیدگاه بین دو دولت است که شاید به تیرگی روابط و حتی مشاجرات لفظی بین رسانه‌های گروهی دو کشور بیانجامد. در مورد «اختلاف کاربرد قوای قهریه و تجاوز مسلحانه و جنگ مطرح نیست».

و اما در «منازعه مسلحانه» که برابر خارجی آن اصطلاحات *conflit armé* (به زبان فرانسوی) و *armed conflict* (به انگلیسی) است، به موردی گفته می‌شود که روابط دو کشور از حد اختلاف گذشته و کار به اسلحه کشیده و تبدیل به منازعه شده است.

در کنوانسیون روابط دیپلماتیک، طی مواد ۳۹ و ۴۴ و ۴۵ سخن از «منازعه مسلحانه» است، در حالی که در ترجمه فارسی آنرا «اختلاف مسلحانه» گفته‌اند که ترجمه‌ای نادرست است.



تا اینجا آنچه گفته شد، مربوط به غلطهایی در ترجمه بود که در معنی و مفهوم مواد تغییر می‌داد، ولی علاوه بر اینها، ایرادات دیگری هم هست که ناشی از بی‌توجهی یا کج سلیقه‌گی در ترجمه‌هاست که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

● در ترجمه رسمی و ترجمه وزارت امور خارجه از کنوانسیون روابط دیپلماتیک، در چند مورد کلمات دولت، کشور، ملت، یکی به جای دیگری بکار رفته که باتوجه به معانی دقیقی که هرکدام دارد، این اختلاط در ترجمه از دقت معانی کاسته است.

● در ماده ۳ بند اول، تبصره (د)، به جای «وسایل مشروع» بهتر است «وسایل قانونی» گفته شود.

● در ماده ۵ بند اول، جمله «جهت انجام وظیفه» در ترجمه اضافه شده که در متون اصلی نیست و ضرورتی هم ندارد.

● در ترجمه ماده ۱۲ متن رسمی فارسی چنین آمده است:

«... قبل از تحصیل موافقت صریح و قبلی دولت پذیرنده ...»

این اشتباه انشائی در ترجمه وزارت امور خارجه عیناً تکرار شده است.

بدیهی است ترجمه درست جمله مذکور چنین باید باشد:

«قبل از تحصیل موافقت صریح دولت پذیرنده ...»

● در متن فارسی کنوانسیون، طی بند اول ماده ۱۴، سخن از «سفیران دول» و «وزیران مختار دول» است. در متون اصلی خارجی ذکری از «دول» نشده است و اضافه کردن این کلمه حشو زائدی است و معلوم نیست چرا مترجمین آنرا در متن فارسی افزوده‌اند.

● در ماده ۱۲ و ماده ۳۶ لغت «تفتیش» بکار رفته، در حالی که بهتر می‌بود در این موارد «بازرسی» گفته شود.

● در ماده ۲۳ بند اول و ماده ۳۴ سخن از مالیات ملّی و مملکتی رفته است که باید «مالیات کشوری» ترجمه شود.

● در ماده ۲۷ لغت از مُدافتاده «کنسولگریها» به جای «پست‌های کنسولی» بکار رفته است.

«پست کنسولی» اصطلاح جدید و مناسب‌تری است و شامل همه درجات کنسولی (پست سرکنسولی، پست کنسولی، پست کنسولیاری و پست نمایندگی کنسولی) می‌باشد که در ماده ۲۷ نیز همه این‌ها منظور است.

● در ماده ۲۷ بند سوم، در ترجمه‌های فارسی گفته شده که کیسه دیپلماتیک نباید «توقیف» شود، کلمه «توقیف» اصطلاح اداری و عمل رسمی و دولتی است که در این جا مورد نظر نیست، بلکه منظور این است که کیسه دیپلماتیک نباید «نگهداشته» شود تا موجب تأخیر به رسیدن به مقصد نگردد.

● در ماده ۳۴ و ماده ۴۲ از فعالیت‌های «تجارتی» سخن رفته که بهتر بود اگر بجای آن «تجاری» نوشته می‌شد.

● در ماده ۳۴ تبصره (ه) در هر دو متن فارسی کلمه «کارمزد» از قلم افتاده و یا حذف گردیده است.

● لغت «تبعه» از نظر دستور زبان جمع مُکسّر لغت تابع است و مترادف با «اتباع» می‌باشد.

در ماده ۳۸ «تبعه» به معنی مفرد «تابع» گرفته شده است. با افزودن «از» پیش از لغت «تبعه» این ایراد مرتفع می‌شود.

● در ترجمه فارسی ماده ۳۹ (بند دوم)، اصطلاح «موعد مناسب» گفته شده که حاکی از تاریخ معین و معلوم است، در صورتی که در متون اصلی فرانسوی و انگلیسی سخن از «مهلت مناسب» است که موعد آن به عمد دقیقاً مشخص نشده است.



ناگفته نباید گذاشت که در چند مورد، در ترجمه به فارسی، کلمات یا جملاتی به متن اصلی «کنوانسیون روابط دیپلماتیک» افزوده شده که خواننده را در درک و تمیز مطالب یاری می‌دهد. از جمله:

در ماده ۱۴ بند اول تبصره ب، در متن اصلی سخن از «وزیران» است که در زبان فارسی، معمولاً به «وزیران کابینه» اطلاق می‌شود. بنابراین در ترجمه، کلمه «مختار» (برابر plenipotentiaire) به عنوان «وزیران» اضافه شده و بصورت «وزیران مختار» که از قبل اصطلاح رایجی در زبان فارسی بوده، درآمده است.

کلمه «مختار» که به عنوان «وزیر» اضافه شده مفهوم خاصی ندارد و فقط برای تمیز بین وزیران کابینه و رؤسای نمایندگیهای دیپلماتیک طبقه دوم است که کار درست و بجائی بوده است.

و باز در همین ماده ۱۴ در بند اول طی تبصره «الف» و «ب» به دنبال کلمات «نونس» و «انترنونس» جمله «نمایندگان پاپ» اضافه شده که برای فارسی‌زبانان که آشنایی به مقامهای

مذکور ندارند، توضیح لازمی بوده است و شاید بهتر می بود اگر متن چنین نوشته می شد:

« ... نونس ها (نمایندگان درجه اول پاپ) ... » و «... انترنونس ها (نمایندگان درجه دوم پاپ) ...».

در مورد تبصره «ج» از بند اول ماده ۱۴، عنوان «کاردار» که سابقاً «مصلحت‌گزار» گفته می شد، اگر عنوان «کاردار دائم» انتخاب می شد بهتر می بود تا از اختلاط بین دو عنوان «کاردار» و «کاردار موقت» اجتناب گردد.



# پیوست شماره ۲

ترمینولژی حقوق دیپلماتیک



### ترمینولژی حقوق دیپلماتیک

هر متن حقوقی مرکب از اصطلاحاتی است که خاص آن رشته حقوق است و دانستن این اصطلاحات کلید درک مطالب می‌باشد. یک لغت و یا یک اصطلاح در رشته‌های مختلف حقوق ممکن است معانی متفاوتی داشته باشد، به همین دلیل، لازم دیده شد که در پایان این تألیف بعضی از لغات و اصطلاحات دیپلماتیک تعریف شود تا فهم مطالب آسان‌تر شود.

در این ترمینولژی، به بعضی از سهوها و اشتباههایی که در ترجمه رسمی متن کنوانسیون و ترجمه اداره کل امور حقوقی و معاهدات وزارت امور خارجه دیده می‌شود اشاره گردیده است و در مواردی هم اصطلاحات مناسب‌تر ارائه شده، این انتقادات براساس سلیقه نگارنده است و اصراری در قبولاندن آنها نیست.

نظم این مجموعه لغات و اصطلاحات براساس تشابه و تسلسل موضوعات است، زیرا راه دیگری به نظر نرسید.

اصطلاحاتی که در این ترمینولژی حقوق دیپلماتیک توضیح گردیده، از متن (کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک ۱۹۶۱) گرفته شده است.

برای سهولت مطالعه و مقایسه، لغات و اصطلاحات فارسی با برابره‌های فرانسوی و انگلیسی آنها، ذکر گردیده است.

## فهرست لغات

- ۱- دولت
- ۲- دولت پذیرنده
- ۳- دولت فرستنده
- ۴- دولت ثالث
- ۵- حقوق بین الملل عرفی
- ۶- کنوانسیون
- ۷- کنوانسیون روابط دیپلماتیک
- ۸- دیپلماتیک (یا سیاسی؟)
- ۹- پروتکل اختیاری
- ۱۰- وزارت خارجه - وزارت امور خارجه
- ۱۱- نمایندگی - مأموریت - هیأت
- ۱۲- نمایندگی دیپلماتیک
- ۱۳- اماکن نمایندگی
- ۱۴- بایگانی نمایندگی
- ۱۵- استقرار روابط دیپلماتیک
- ۱۶- تأسیس نمایندگی دیپلماتیک
- ۱۷- قطع روابط دیپلماتیک
- ۱۸- رئیس نمایندگی دیپلماتیک
- ۱۹- اعضای نمایندگی دیپلماتیک
- ۲۰- اجزای نمایندگی دیپلماتیک
- ۲۱- کارمندان دیپلماتیک
- ۲۲- مأمور دیپلماتیک
- ۲۳- کارمندان اداری و فنی
- ۲۴- کارکنان
- ۲۵- خدمتگاران شخصی
- ۲۶- بستگانی که اهل خانه هستند
- ۲۷- «عنصر نامطلوب»
- ۲۸- «غیرقابل قبول»
- ۲۹- تقدم
- ۳۰- حق برافراشتن پرچم
- ۳۱- حق نصب نشانه رسمی
- ۳۲- امتیازات
- ۳۳- مصونیتها
- ۳۴- مصونیت قضائی جزائی
- ۳۵- مصونیت قضائی مدنی
- ۳۶- مصونیت قضائی اداری
- ۳۷- انصراف از مصونیت قضائی
- ۳۸- مزایا
- ۳۹- معافیتها
- ۴۰- تسهیلات
- ۴۱- مکاتبات رسمی
- ۴۲- رئیس کشور
- ۴۳- سفارت
- ۴۴- طبقات رؤسای نمایندگی دیپلماتیک
- ۴۵- سفیر
- ۴۶- وزیر (مختار)
- ۴۷- وزیر مقیم
- ۴۸- کاردار (دائم)
- ۴۹- کاردار موقت
- ۵۰- اکر دپته
- ۵۱- رایزن درجه یک
- ۵۲- دبیر - منشی
- ۵۳- وابسته
- ۵۴- پذیرش
- ۵۵- استوارنامه
- ۵۶- اثاثه و اموال
- ۵۷- اختلاف
- ۵۸- منازعات مسلحانه
- ۵۹- بیک دیپلماتیک
- ۶۰- کیسه دیپلماتیک
- ۶۱- مأموریتهای ویژه
- ۶۲- دیپلماسی - سیاست

### Etat State

### ● دولت

شخصی حقوقی و موضوع حقوق بین‌الملل است.

دولت بنابر تعریف رایج، تشکیل شده است از جمعیت معین، در سرزمین محدود با حکومت واحد و مستقل. «دولت» با این مفهوم طی قرن شانزدهم، ابتدا در قاره اروپا و سپس در سایر قاره‌ها پدید آمد و جهانگیر شد.

نمایندگی دیپلماتیک دائم، از مؤسسات دولتی است که همراه با پیدایش دولت‌ها به وجود آمد.

در زبانهای فرانسوی و انگلیسی، حرف اول دولت را با حروف بزرگ می‌نویسند. در ترجمه رسمی کنوانسیون، در بسیاری موارد، به جای «دولت»، «کشور» نوشته شده است که برابر درستی نیست، زیرا «کشور» بیشتر مفهوم جغرافیائی دارد، در حالی که در کنوانسیون دیپلماتیک، منظور از «دولت» مفهوم سیاسی آن است. در ترجمه وزارت امور خارجه این سهو، تصحیح گردیده و در برابر لغات خارجی مذکور در بالا، «دولت» ترجمه شده است.

(در هر دو متن ترجمه فارسی، طی مقدمه «کشور» در برابر لغات خارجی Pay و Nations آمده است).

### Etat Accréditaire Receiving State

### ● دولت پذیرنده

اصطلاحاً در حقوق دیپلماتیک به دولتی گفته می‌شود که نزد آن یک «نمایندگی دیپلماتیک» از طرف دولت فرستنده تأسیس می‌گردد و اعضاء این نمایندگی را در سرزمین خود به این عنوان می‌پذیرد.

از دولت پذیرنده و دولت فرستنده، در کنوانسیون روابط دیپلماتیک تعریفی نشده است. در (کنوانسیون در باره وضع پیک دیپلماتیک و کیسه دیپلماتیک که همراه پیک دیپلماتیک

نباشد) - سال ۱۹۸۹ - اصطلاح «دولت پذیرنده» در رابطه با کیسه دیپلماتیک و پیک دیپلماتیک، چنین تعریف شده است:

«اصطلاح «دولت پذیرنده» به دولتی اطلاق می‌شود که در سرزمین خود کیسه‌های دیپلماتیک نمایندگیهای دیپلماتیک با پستهای کنسولی و یا هیأت‌های نمایندگی را دریافت و یا از قلمرو خود ارسال می‌نماید».

چنانکه از این تعریف برمی‌آید، دولت پذیرنده ممکن است خود فرستنده کیسه‌های دیپلماتیک باشد که خود مبداء آن است.

(در کنوانسیون کنسولی «دولت پذیرنده» به زبان فرانسوی Etat De Residence گفته شده است.)

### **Etat Accréditant** **Sending State**

### ● دولت فرستنده

اصطلاحاً در حقوق دیپلماتیک، به دولتی گفته می‌شود که نزد دولتی دیگر، «نمایندگی دیپلماتیک» تأسیس می‌کند.

نکته قابل توجه اینکه، اگر دولتی عضوی را که در نمایندگی دیپلماتیک خود منصوب می‌کند، مقیم در محل باشد، باز به آن «دولت فرستنده» گفته می‌شود، گرچه این اصطلاح در چنین موردی از نظر لغت و از لحاظ معنی درست نیست ولی بهر حال معنای قراردادی است.

در مورد ارسال کیسه دیپلماتیک یا اعزام پیک دیپلماتیک در هر دو حال دولت فرستنده ممکن است، خود دریافت‌کننده کیسه دیپلماتیک یا مقصد پیک دیپلماتیک باشد. چنانکه در (کنوانسیون در باره وضع پیک دیپلماتیک و کیسه دیپلماتیک که همراه پیک دیپلماتیک نباشد) - سال ۱۹۸۹ - طی ماده ۳ بند سوم، چنین آمده است:

«دولت فرستنده به دولتی اطلاق می‌گردد که کیسه از آنجا و یا از جانب نمایندگیها، پست‌های کنسولی و یا هیأت‌های نمایندگی اش فرستاده می‌شود».

بنابراین تعریف، دولت فرستنده، ممکن است که خود دریافت‌کننده کیسه دیپلماتیک باشد که به مقصد آن ارسال می‌گردد.

(در کنوانسیون کنسولی «دولت فرستنده» به زبان فرانسوی Etat D'envoi گفته شده است.)

### **Etat Tiérs Third State**

### ● دولت ثالث

در اصطلاح حقوق دیپلماتیک به دولتی گفته می‌شود که نه دولت فرستنده اعضای نمایندگی دیپلماتیک است و نه دولت پذیرنده آنان.

دولت ثالث در این مفهوم، بنابر محتویات «کنوانسیون روابط دیپلماتیک» نسبت به اعضاء نمایندگی، و کیسه دیپلماتیک و پیک دیپلماتیک که از سرزمین آن عبور می‌کنند تعهداتی دارد که باید طبق آنها عمل کند. دولت ثالث را در این مفهوم «دولت ترانزیت» نیز می‌گویند. مفهوم دیگر دولت ثالث آن است که به طریقی با دولت فرستنده یا دولت پذیرنده مربوط باشد، مثلاً به موجب ماده ۴۵ ممکن است یک دولت ثالث در هنگام اختلاف و قطع روابط بین دو کشور فرستنده و پذیرنده حفاظت اماکن نمایندگی و متعلقات آنرا به عهده گیرد و یا اینکه بنابر ماده ۴۶ دولت ثالث حفاظت منافع دولتی را با اتباع آن متقبل گردد.

### **Droit International Coutumier Customary International Law**

### ● حقوق بین‌الملل عرفی

حقوق بین‌الملل عرفی، مجموعه قواعد رایج و معتبر در روابط بین دولتهاست که به مرور زمان و برحسب تکرار اعمال مشابه آنها در روابطشان با یکدیگر پدید آمده است. اعتبار قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در حدود قواعد قراردادی است، با این تفاوت که قواعد عرفی به نوشته در نیامده و قواعد قراردادی بصورت مواد و طی قراردادها و کنوانسیونها تدوین شده است.

تفاوت بین عرف و عادت در این است که قواعد عرفی متکی بر اعتقاد حقوقی هستند و نقض آنها نقض قاعده حقوقی است، در حالی که اعمال ناشی از عادات و آداب و رسوم بین‌المللی، فاقد اعتبار حقوقی بوده و نقض آنها فقط ممکن است موجب گله و رنجش باشد. در مقدمه کنوانسیون روابط دیپلماتیک، بجای عرف، «عرف و عادت» گفته شده است. ردیف کردن عادت در کنار عرف، موجب ابهام معنی است و باید از متن ترجمه حذف گردد. همین بی‌توجهی در ترجمه رسمی و ترجمه وزارت امور خارجه، از ماده ۴۷ (بند دوم، تبصره ب) تکرار شده است، زیرا کلمه عرف برابر (عرف و عادت) آمده است.

### **Convention Convention**

### ● کنوانسیون

یکی از انواع قرارداد است که در آن قواعد و مقررات بین‌الملل عمومی که دامنه اعتبار آن وسیع و گاه جهانی است، گنجانیده می‌شود. کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، از آغاز تأسیس طرح کنوانسیونهای متعددی را در زمینه حقوق بین‌الملل تدوین کرده که بعضی از آنها به حقوق دیپلماتیک مربوط می‌شود. از جمله «کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک» در سال ۱۹۶۱ که مهمترین و نخستین کنوانسیون در این زمینه است. در زبان فارسی گاه کنوانسیون را برابر «قرارداد» و یا «عهدنامه» می‌آورند ولی اصطلاح «کنوانسیون» ارجح می‌باشد و امروزه در زبان فارسی عیناً پذیرفته شده است. در متن رسمی «کنوانسیون روابط دیپلماتیک» به زبان فارسی، برابر «کنوانسیون» اصطلاح «قرارداد» آورده شده ولی در ترجمه وزارت امور خارجه که بعداً صورت گرفت، کلمه «کنوانسیون» عیناً آمده است.

## ● کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک

### Convention De Vienne Sur Les Relations Diplomatiques Vienna Convention On Diplomatic Rilatious

در متن فارسی این کنوانسیون، که از مجلس شورای ملی وقت گذشته و رسمیت دارد، عنوان فوق به «قرارداد وین در باره روابط سیاسی» ترجمه شده است که ترجمه نادرستی است. نظر به اینکه ترجمه این کنوانسیون به زبان فارسی درست نبود، اداره کل امور حقوقی و معاهدات وزارت امور خارجه در سنوات بعد ترجمه دیگری از آن تهیه کرد که بعضی ایرادات قبل در آن تصحیح گردید، از جمله عنوان فوق به «کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک» تبدیل شد.

بعضی از نویسندگان حقوقی متن اخیر را معتبر دانسته‌اند ولی در نظر ما متن معتبر و مستند، همان متنی است که از مجلس شورای ملی وقت گذاشته است و برای مثال، چنانچه اختلافی در اجرای کنوانسیون، بین وزارت امور خارجه و وزارت کشور پیش آید، باید به متن نخستین استناد کرد.

### Diplomatique Diplomatic

## ● دیپلماتیک (یا سیاسی!؟)

از خطاهای بزرگ در ترجمه «کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک»، به زبان فارسی که متن آن به تصویب مجلس شورای ملی وقت نیز رسیده و رسمیت دارد، این است که در همه جا «دیپلماتیک» به «سیاسی» ترجمه گردیده است، از جمله اصطلاحات زیر:

نمایندگی «دیپلماتیک» به مأموریت «سیاسی» - روابط دیپلماتیک، به روابط سیاسی - مأموران دیپلماتیک به مأموران سیاسی - هیأت دیپلماتیک به هیأت سیاسی - کیسه دیپلماتیک به کیسه سیاسی - پیک دیپلماتیک به پیک سیاسی و غیره ...

توضیح زائدی است اگر گفته شود که سیاست برابر با پولیتیک Politique است و آن علمی جدا از دیپلماسی Diplomatie است و بحث در باره تفاوت این دو علم موضوعی جداگانه

است که در جای خود آمده است.

### **Protocole Facultative** **Optional Protocol**

### ● پروتکل اختیاری

دو پروتکل، ضمیمه کنوانسیون روابط دیپلماتیک است. این دو پروتکل یکی مربوط به حل اجباری اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای کنوانسیون از طریق مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری است و دیگری مربوط به تحصیل تابعیت اعضای نمایندگیهای دیپلماتیک و اعضا و خانواده آنان می‌باشد. اصولاً مفاد این دو پروتکل می‌بایست در متن کنوانسیون دیپلماتیک گنجانیده می‌شد ولی چون در مورد آنها اتفاق نظر بین دولتهای شرکت‌کننده در کنفرانس وجود نداشت، تصمیم گرفته شد این مواد به صورت جداگانه در دو پروتکل تنظیم شده و ضمیمه کنوانسیون گردد.

تفاوت مواد این دو پروتکل با سایر مواد کنوانسیون در این است که محتویات آنها فقط در مورد دول امضاءکننده این پروتکلها معتبر بوده و لازم‌الاجراء است و برای دولتهایی که آنها را امضاء نکرده‌اند تعهدی ایجاد نمی‌کند.

این دو پروتکل عیناً ضمیمه «کنوانسیون وین در باره روابط کنسولی» ۱۹۶۳ گردیده است.

### ● وزارت خارجه - وزارت امور خارجه

#### **Ministère Des Affaires Etrangères** **Ministry For Foreign Affairs**

معمولاً رسم بر این بوده است که وزارت مربوطه در ایران را «وزارت امور خارجه» و وزارتخانه مشابه آنرا در سایر کشورها «وزارت خارجه» بنامند.

گرچه این رسم همیشه رعایت نمی‌شود، مع‌ذک، تمیز این دو اصطلاح در زبان فارسی، نه تنها بی‌ضرر است بلکه رعایت آن بر روشنی مطالب در مکاتبات و اسناد و نامه‌ها می‌افزاید. در کنوانسیون روابط دیپلماتیک، جمله «وزارت امور خارجه یا وزارتخانه دیگری که

مقرر شده» ذکر گردیده و آن ناظر به مواردی است که دولتی، طبق قوانین و تشکیلات داخلی خود، امور دیپلماتیک یا اجرای سیاست خارجی خود را به سازمانی با نام دیگر واگذار کند.

### **Mission** **Mission**

### ● «نماینده» - «مأموریت» - «هیأت»

«میسون» در زبان فارسی معمولاً به سه معنی بکار می‌رود.

۱- به معنی «نماینده» دیپلماتیک، یا «سفارت»، آنچنانکه در «کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک» آمده است.

۲- به معنی «مأموریت» و آن واگذار کردن وظیفه‌ای معین بر عهده کسی که با انجام آن وظیفه، «مأموریت» نیز خاتمه می‌یابد.

«میسون» در این معنی در مواد ۱۰ (بند اول تبصره الف) ماده ۱۴ (بند اول) ماده ۳۹ (بند اول) و ماده ۴۰ (بند اول) و ۴۳ (تبصره الف) آمده است.

۳- به معنی هیأتی مرکب از اشخاصی که برای انجام وظیفه خاصی تشکیل گردیده و یا به کشور دیگر اعزام می‌گردند و معمولاً دوره مأموریت آنان موقت و از نظر زمانی محدود است. در اکثر مواد کنوانسیون روابط دیپلماتیک، منظور از «میسون» همان «نماینده» یا «سفارت» است که در ترجمه‌های فارسی، «مأموریت» گفته شده است. امروزه در زبان فارسی چه در زبان محاوره و چه در مکاتبات اداری به جای «مأموریت» «نماینده» یا «سفارت» گفته می‌شود.

در قانون (وظایف وزارت امور خارجه) که در تاریخ ۱۳۴۶/۱/۲۸ به تصویب شورای نگهبان رسیده همه جاد در مواد ۲ (بند ۲ - ۴ - ۱۷) و ۷ و ۹، به جای مأموریت «نماینده» گفته شده است.

به نظر می‌رسد بهتر باشد، واحد نهاد دیپلماتیک «نماینده دیپلماتیک» و واحد نهاد کنسولی «پست کنسولی» و واحد مأموریت‌های ویژه «هیأت یا مأموریت ویژه» گفته شود.

● **نمایندگی دیپلماتیک****Mission Diplomatique**  
**Diplomatic Mission**

نمایندگی دیپلماتیک، در متن رسمی «مأموریت سیاسی» و در ترجمه وزارت امور خارجه «مأموریت دیپلماتیک» گفته شده است ولی در این تألیف، همه جا «میسون دیپلماتیک» را برابر با «نمایندگی دیپلماتیک» می‌آوریم.

نمایندگی دیپلماتیک برابر سفارت کبری (آمباساد) و سفارت «لگاسیون» و کارداری دائم است که امروزه همه را «نمایندگی دیپلماتیک» می‌گوییم که شامل هر سه طبقه از نمایندگی مذکور در ماده ۱۴ (بند اول) «کنوانسیون روابط دیپلماتیک» می‌باشد.

در مورد نهاد کنسولی، به جای «نمایندگی» که خاص مأموریت‌های دیپلماتیک است، «پست» گفته می‌شود مثل «پست» سرکنسولی یا پست کنسولی یا پست کنسولیاری.

بنابر آنچه گفته شد، در این تألیف همه جا «نمایندگی دیپلماتیک» به معنی «سفارت» به مفهوم کلی است و هر جا که مأموریت معنی سفارت را نمی‌دهد همان لغت «مأموریت» به معنی خود به کار می‌رود.

● **اماکن نمایندگی****Locaux De La Mission**  
**Premises Of The Mission**

در ماده اول کنوانسیون، اصطلاح «اماکن نمایندگی» چنین تعریف شده است: «اماکن نمایندگی یعنی ابنیه و یا قسمتهایی از ابنیه و زمین متصل به آن که مالک آن هر که باشد برای انجام مقاصد مأموریت مورد استفاده قرار گیرد.»

در کنوانسیون، در باره لزوم جلب رضایت دولت پذیرنده برای محل استقرار نمایندگی اشاره‌ای نشده ولی بنا بر ماده ۱۲ اگر دولت فرستنده بخواهد در محلی غیر از مقر نمایندگی، دفتری برقرار نماید باید قبلاً رضایت صریح دولت پذیرنده را کسب نماید.

بنابر ماده ۲۱ دولت پذیرنده متعهد است موجبات تسهیل تملیک دولت فرستنده را در تهیه اماکن نمایندگی و مسکن اعضای آن فراهم نماید.

در کنوانسیون روابط کنسولی، طی ماده ۵۵ (بند سوم)، مطلبی در باره اماکن کنسولی گفته شده که می‌باید آنرا نسبت به اماکن دیپلماتیک نیز گسترش داد. بنابر ماده مذکور در صورتی که «دفاتر سازمانها یا آژانسهای دیگر در قسمتی از بناهای اماکن کنسولی ... مستقر گردد» دفاتر مزبور جزء اماکن کنسولی به شمار نخواهد آمد.

اماکن نمایندگی به معنی وسیع شامل محل کار و دفاتر نمایندگی دیپلماتیک، اقامتگاه رئیس نمایندگی و مسکن کارمندان دیپلماتیک و کارمندان اداری و فنی می‌باشد.

### Archives Diplomatiques Diplomatic Archives

### ● بایگانی دیپلماتیک

در ماده ۱ کنوانسیون، روابط دیپلماتیک که به توضیح اصطلاحات اختصاص دارد، از «بایگانی» تعریفی نشده است ولی در کنوانسیون روابط کنسولی که بعداً تدوین شد، طی ماده اول، تعریف بایگانی کنسولی گنجانیده شده که می‌تواند عیناً در مورد بایگانی دیپلماتیک نیز بکار رود. بنابر تعریف کنوانسیون روابط کنسولی بایگانی نمایندگی دیپلماتیک شامل:

«کلیه اوراق و اسناد و مکاتبات و کتابها و فیلمها و نوارهای ضبط صوت و دفاتر ... [نمایندگی و دیپلماتیک] به انضمام رمز و مفتاح و کارتهای اندکس و هر نوع اثاثه که برای حفاظت و نگهداری آنها بکار برده شود، خواهد بود.»

ظاهراً مقصود از «اثاثه که برای حفظ و نگهداری» به کار می‌رود، قفسه‌ها و گاوصندوقهاست که اسناد و پرونده‌ها در آن نگهداری می‌شود.

گرچه تعریف بایگانی سعی شده مفصل و با ذکر جزئیات باشد، مع ذلک تعریف جامعی نیست، مثلاً دستگاه خرد کردن کاغذهای محرمانه و سری که هر نمایندگی حق داشتن آنها را دارد، در آن ذکر نشده، همچنین از اختراعات جدید نیز مانند دستگاه تلکس، فکس، کامپیوتر، انترنت و ... و دستگاههای دیگری که احتمالاً در آینده اختراع خواهد شد سخنی نرفته است، در حالی اینها را باید از منضمات بایگانی دانست.

## ● استقرار روابط دیپلماتیک

### Etablissement De Relations Diplomatiques

#### Establishment Of Diplomatic Relations

موضوع ماده ۲ کنوانسیون است که آغاز روابط دیپلماتیک بین دو دولت می‌باشد. توافق به استقرار روابط، نخستین مرحله ارتباط حقوقی، به منظور برقرار کردن روابط دیپلماتیک می‌باشد.

برقراری روابط دیپلماتیک، یک توافق اصولی است و لزوماً تأسیس نمایندگی دیپلماتیک را به همراه ندارد، ولی معمولاً مقدمه تأسیس آن است. نکته قابل ذکر اینکه، برقراری روابط دیپلماتیک ارتباطی با روابط کنسولی ندارد، چنانکه ممکن است روابط کنسولی بین دو کشور، که حتی یکدیگر را از نظر سیاسی و دیپلماتیک نمی‌شناسند برقرار گردد، بدون اینکه با یکدیگر روابط دیپلماتیک داشته باشند.

## ● تأسیس نمایندگی دیپلماتیک

### Etablissement De Mission Diplomatique

#### Establishment Of Diplomatic Mission

پس از توافق اصولی نسبت به «استقرار روابط دیپلماتیک» مرحله عملی آن که «تأسیس نمایندگی دیپلماتیک» است، پیش می‌آید. در کنوانسیون به زبان انگلیسی، در هر دو مورد از یک لغت «برقرار کردن» استفاده شده است ولی در متن کنوانسیون به زبان فرانسوی از دو لغت استفاده شده، در مورد روابط از کلمه «برقرار کردن یا استقرار» استفاده شده در حالیکه در مورد تأسیس نمایندگی دیپلماتیک، لغت «اعزام - Envoi» بکار گرفته است که در فارسی به صورت «اعزام هیأت سیاسی» آمده است و دلیل آن شاید این است که اعضای نمایندگی برای اولین بار به محل مأموریت جدید اعزام می‌شوند.

در زبان فارسی بهتر است در مورد روابط دیپلماتیک فعل (برقرار کردن) و در مورد نمایندگی دیپلماتیک فعل (تأسیس کردن) بکار برده شود، ترجمه فارسی ماده ۲ کنوانسیون

دیپلماتیک به این نحو، دقیق‌تر از متون اصلی کنوانسیون به زبانهای خارجی خواهد بود. ممکن است بین برقراری روابط دیپلماتیک و تأسیس نمایندگی دیپلماتیک سالها فاصله باشد.

### ● قطع روابط دیپلماتیک

#### La Rupture Des Relations Diplomatiques To Break The Diplomatic Relations

قطع روابط دیپلماتیک که در ماده ۴۵ کنوانسیون آمده، ممکن است بر اثر اختلاف بین دو دولت فرستنده و پذیرنده باشد و یا به علل و حوادثی دیگر نمایندگی طرفین تعطیل گردد. نکته قابل ذکر اینکه در همه حال، قطع روابط دیپلماتیک مستلزم قطع روابط کنسولی نیست، چنانکه بالعکس نیز در مواردی ممکن است دو دولت به دلایل مالی یا سیاسی، پستهای کنسولی خود را تعطیل کنند بدون آنکه قطع روابط کنسولی بر روابط دیپلماتیک اثر گذارد. در هر حال، اغلب اوقات، قطع روابط دیپلماتیک بین دو کشور دلیل بر وجود اختلافات بین آنها و حتی ممکنست مقدمه آغاز جنگ باشد.

#### Chef De Mission Head Of The Mission

### ● رئیس نمایندگی

ماده ۱ کنوانسیون روابط دیپلماتیک تعریف روشنی از «رئیس نمایندگی» بدست نمی‌دهد. به موجب آن «رئیس نمایندگی» یعنی «شخصی که از طرف دولت فرستنده مأمور انجام وظیفه در این سمت می‌شود».

ماده ۱۴ کنوانسیون رؤسای نمایندگی‌ها را بر سه طبقه تقسیم کرده است و این طبقه‌بندی بیشتر به طبقه‌بندی نمایندگی‌ها مربوط است. رئیس نمایندگی از «اعضاء نمایندگی» است. رئیس نمایندگی از «مأموران دیپلماتیک» یعنی دیپلمات‌هاست.

ولی رئیس مأموریت از «اجزاء نمایندگی» نیست و از جمله «کارمندان دیپلماتیک» به

شمار نمی‌آید. زیرا او مافوق «کارمندان دیپلماتیک» است و همه «اجزاء نمایندگی» تحت اداره او هستند.

### **Membres De La Mission** **Members Of The Mission**

### ● **اعضای نمایندگی**

همه کسانی که در یک نمایندگی دیپلماتیک کار می‌کنند و از دولت فرستنده حقوق می‌گیرند، اعضای نمایندگی را تشکیل می‌دهند.

اعضای نمایندگی دیپلماتیک مرکب از سه گروه هستند:

- ۱- مأمورین دیپلماتیک (که خود شامل رئیس نمایندگی و کارمندان دیپلماتیک است)
- ۲- کارمندان اداری و فنی
- ۳- کارکنان (در ترجمه رسمی خدمه گفته شده است)

رئیس نمایندگی که از مأموران دیپلماتیک به‌شمار می‌رود، خود یکی از «اعضای نمایندگی» است.

### ● **اجزای نمایندگی**

### **Membres Du Personnel De La Mission** **Members Of The Staff Of The Mission**

اجزای نمایندگی شامل همه کسانی است که در یک نمایندگی کار می‌کنند و از دولت فرستنده حقوق می‌گیرند، به استثنای «رئیس نمایندگی» که مافوق همه آنان است و از جمله «اعضای نمایندگی» به‌شمار می‌آید.

اجزای نمایندگی مرکب از سه گروه است:

- ۱- کارمندان دیپلماتیک (که شامل رئیس نمایندگی نمی‌شود)
- ۲- کارمندان اداری و فنی

۳- کارکنان (در ترجمه فارسی خدمه گفته شده است)

بنابراین «اجزای نمایندگی» همانند «اعضای نمایندگی» است بدون در نظر گرفتن «رئیس نمایندگی».

در ماده ۱ کنوانسیون دیپلماتیک، بجای «اجزای نمایندگی» اصطلاح «کارمندان نمایندگی» در متون فارسی به کار برده شده که کاربرد درستی نیست زیرا کارکنان (یا خدمه) از جمله «کارمندان» به شمار آمده‌اند ولی اختلاط آنان از نظر لغوی و اصطلاحات اداری مرسوم نیست.

### ● کارمندان دیپلماتیک

#### Membres Du Personnel Diplomatique

#### Members Of The Diplomatic Staff

در ماده ۱ کنوانسیون چنین آمده است:

«کارمندان دیپلماتیک» یعنی آن دسته از کارمندان نمایندگی که دارای سمت دیپلماتیک می‌باشند.

چنانکه از عنوان «کارمند» مستفاد می‌شود، «رئیس نمایندگی» که خود سمت دیپلماتیک دارد، جزء این گروه کارمند بشمار نمی‌آید.

وظایف دیپلماتیک را اصولاً اینان انجام می‌دهند و سایر کارمندان و کارکنان یاری‌دهنده ایشان در انجام وظایف هستند.

«کارمندان دیپلماتیک» همراه با «رئیس نمایندگی» جمعاً گروه «مأمورین دیپلماتیک» را تشکیل می‌دهند.

«کارمندان دیپلماتیک» از جمله «اعضاء نمایندگی» و همچنین از «اجزای نمایندگی» به شمار می‌آیند.

### Agent Diplomatique Diplomatic Agent

### ● مأمور دیپلماتیک

طبق ماده ۱ کنوانسیون:

«اصطلاح «مأمور دیپلماتیک» یعنی رئیس نمایندگی، یا یکی از کارمندان دیپلماتیک نمایندگی».

مأمور دیپلماتیک، همان کسی است که به او «دیپلمات» اطلاق می‌گردد و موضوع اصلی در «حقوق دیپلماتیک» می‌باشد.

مأمور دیپلماتیک اصولاً عضو وزارت خارجه است که در اصطلاح معمول در دیپلماسی ایران، به رسته سیاسی تعلق دارد و این در برابر رسته اداری است.

افراد مختلفی با مقامات متفاوت و خارج از وزارت خارجه ممکن است دارای گذرنامه و امتیازات دیپلماتیک باشند ولی تنها کارمندان وزارت خارجه و وابستگان و رایزنان سایر وزارتخانه‌ها را که در نمایندگی‌ها انجام وظیفه می‌نمایند می‌توان «دیپلمات» یا «مأمور دیپلماتیک» نامید.

«مأمورین دیپلماتیک» فقط در خارج از کشور «دیپلمات» تلقی می‌شوند و از مزایای دیپلماتیک برخوردارند، و الا در داخل کشور در ردیف سایر کارمندان دولت هستند و امتیازی بر دیگران ندارند.

### ● کارمندان اداری و فنی

### Membres Du Personnel Administratif Et Technique Members Of The Administrative And Technical Staff

کارمندان اداری و فنی، امور دیپلماتیک انجام نمی‌دهند و فقط در کارهای اداری و انجام وظایف دیپلماتیک به مأمورین دیپلماتیک کمک می‌کنند.

این دسته از کارمندان اصولاً از رسته اداری و دارای گذرنامه خدمت و تابع کشور فرستنده هستند و سِمَت اینان عبارت است از: منشی مخصوص، ماشین‌نویس، حسابدار، مترجم،

مسئول رمز و بایگانی و امثال آن. چنانکه معلوم است، با مشاغلی که اینان در نمایندگی دارند از بسیاری از اسرار و اخبار محرمانه و سری آگاه‌اند و بهمین دلیل، در کنوانسیون روابط دیپلماتیک، امتیازاتی نزدیک به امتیازات کارمندان دیپلماتیک برای آنان پیش‌بینی شده است، خصوصاً در زمینه مصونیتها که تقریباً در ردیف دیپلماتها هستند.

ماده ۱ کنوانسیون در تعریف اصطلاح «کارمندان اداری و فنی» هیچ‌گونه توضیح اضافی نداده و چنین می‌گوید:

«اصطلاح کارمندان اداری و فنی یعنی آن دسته از کارمندان نمایندگی که به امور اداری و فنی نمایندگی اشتغال دارند.»

### **Membres Du Personnel De Service** **Members Of The Service Staff**

### ● کارکنان

«کارکنان» که در متن ترجمه‌های فارسی به «خدمه» ترجمه شده، در ماده ۱ کنوانسیون روابط دیپلماتیک چنین تعریف شده است:

«اصطلاح «خدمه» یعنی آن دسته از کارکنان نمایندگی که به امور خانگی اشتغال دارند». چنانکه دیده می‌شود، برخلاف تبصره ج همین ماده، از خدمه به عنوان «کارمندان» یاد نشده و علاوه بر این خدمه جزء «کارکنان» به‌شمار آمده‌اند.

در این ماده، بهتر است «کارکنان» بجای خدمه گفته شود، زیرا معمولاً از اصطلاح «کارمند» کسانی تداعی به ذهن می‌شوند که در داخل دفاتر کارهای فکری و فنی انجام می‌دهند و «کارکنان» کسانی که خارج از دفاتر کارهای بدنی می‌کنند.

کارکنان نمایندگی کارهای مختلف و متعدد ممکن است انجام دهند، از جمله اینان راننده، نامه‌رسان، آشپز، دربان، ناظر، خدمت‌گزار و امثال آن هستند.

تلفن‌چی، منشی و ماشین‌نویس محلی که به اسناد و اسرار سفارت دسترسی ندارند گرچه در دفاتر کار کنند جزء کارکنان بشمار می‌آیند.

در تعریف فوق، اصطلاح «امور خانگی» نیز ترجمه تحت‌اللفظی نامناسبی است، زیرا آنان در دفاتر نمایندگی خدمت می‌کنند و یا خدمتگزار در سفارت هستند و وظایف آنان به خانه و کارهای خانگی ارتباطی ندارد و بهتر است در تعریف آنان گفته شود که «در خدمت نمایندگی، امور خارج از دفاتر را انجام می‌دهند» رسم است که در فهرست حقوق، خدمتگاران رزیدانس نیز جزء کارکنان نمایندگی به‌شمار می‌آیند.

### **Domestique Privé** **Private Servant**

### ● **خدمتگاران شخصی**

خدمتگاران شخصی به کسی اطلاق می‌شود که در خدمت یکی از اعضای نمایندگی دیپلماتیک درآمده ولی خود جزء اعضای نمایندگی به‌شمار نمی‌آید.

اینان به امور خانگی می‌پردازند.

تفاوت «خدمتگاران شخصی» با «کارکنان نمایندگی» با اینکه وظایف یکسان ممکن است داشته باشند، در این است که گروه اول حقوق خود را مستقیماً از عضو نمایندگی که به خدمت او درآمده‌اند دریافت می‌دارند، در صورتی که «کارکنان نمایندگی» حقوق خود را از دولت فرستنده، توسط نمایندگی می‌گیرند.

خدمتگاران شخصی، همانند کارکنان نمایندگی ممکن است مشاغلی از قبیل راننده، پیشخدمت، آشپز، دربان، پرستار، معلم خانگی و غیره داشته باشند ولی خدمت آنان برای شخصی است که آنان را استخدام کرده است و کارفرمای او به‌شمار می‌آید.

رسم است که خدمتگاران شخصی را که در خانه رئیس نمایندگی کار می‌کنند، در فهرست حقوق، جزء کارکنان نمایندگی به‌شمار آورند.

### ● بستگانی که اهل خانه هستند

#### Membres De Famille Qui Font Partie Du Menages Members Of Family Forming Part of Household

جمله «بستگانی که اهل خانه هستند» در متن فارسی طی مواد ۳۶، ۳۷، ۳۹ و ۴۰ آمده است.

چنانکه در جای خود توضیح داده شده، تعریف «خانواده» دشوار بود و به این جهت، جمله مذکور، بجای آن به کار برده شد. در همین جمله فوق شاید بهتر می بود اگر بجای «اهل خانه»، «هم منزل» ترجمه می شد. همین مفهوم، در متن رسمی کنوانسیون روابط کنسولی، به صورت «اعضاء خانواده که هم منزل می باشند» ترجمه شده است.

#### Persona Non Grata Persona Non Grata

### ● «عنصر نامطلوب»

این اصطلاح لاتین که در اکثر زبانهای خارجی، در متون حقوقی مربوط به دیپلماسی، عیناً به کار می رود مربوط به عضوی از مأموران دیپلماتیک است که حضورش و یا رفتارش از نظر دولت پذیرنده مصلحت نیست و لذا به دولت فرستنده نظر خود را اطلاع می دهد تا آن عضو را فراخواند.

در مورد سایر اعضای نمایندگی - که سمت دیپلماتیک ندارند - اصطلاح «غیرقابل قبول» به کار می رود.

در کنوانسیون، طی ماده ۹ که به این موضوع اختصاص دارد، بجای اصطلاح رایج «عنصر» نامطلوب، «شخص» نامطلوب گفته شده است. از نظر اینکه هر شخص ممکن است نامطلوب باشد ولی «عنصر نامطلوب» معنی خاص در حقوق دیپلماتیک دارد، در این تألیف اصطلاح اخیر، ترجیح داده شده و بکار رفته است.

در بعضی موارد، اعلام (عنصر نامطلوب) به اعمال شخصی مربوط نیست بلکه نتیجه تیرگی روابط دو کشور است یا بعنوان عمل متقابل می‌باشد.

### **Non Acceptable** **Not Acceptable**

### ● «غیرقابل قبول»

کسی که دولت پذیرنده او را نامطلوب می‌داند، اگر از جمله مأموران دیپلماتیک (رئیس نمایندگی یا کارمندان دیپلماتیک) باشد، «عنصر نامطلوب» تلقی می‌گردد، ولی در صورتی که از اعضاء دیگر نمایندگی باشد، دولت پذیرنده وی را «غیرقابل قبول» اعلام می‌نماید. در هر دو حال، دولت پذیرنده ملزم نیست دلایل خود را به دولت فرستنده اظهار نماید و عمل خود را توجیه کند ولی در هر صورت اعلام کردن عضوی بعنوان (عنصر نامطلوب) دارای اهمیتی خیلی بیشتر از اعلام کردن عضو به عنوان (غیرقابل قبول) می‌باشد.

### **Preséance** **Precedence**

### ● تقدم

مسأله تقدم به تشریفات دیپلماتیک مربوط می‌شود ولی در ترجمه کنوانسیون به زبان فارسی، از آن به عنوان «حق تقدم» یاد شده است (ماده ۱۶ بند اول). تقدم که به معنی جلوتر بودن است، در ماده ۱۴ بند دوم که مربوط به طبقات سه‌گانه رؤسای مأموریت است ذکر شده که به موجب آن: «جز از نظر تقدم در حضور و تشریفات هیچ‌گونه فرقی بین رؤسای نمایندگی‌ها از لحاظ طبقه وجود نخواهد داشت». ولی در هر طبقه، تقدم رؤسای نمایندگی‌ها برحسب تاریخ آغاز وظایف تعیین می‌گردد.

### **Droit De Placer Le Drapeau** **The Right To Use The Flag**

### ● حق برافراشتن پرچم

پرچم نشانه و معرف کشور است. هر کشور دارای یک پرچم خاص به عنوان پرچم ملی

یا صحیح‌تر گفته شود (پرچم رسمی) می‌باشد. در گذشته استفاده از پرچم در اماکن دیپلماتیک، بنا بر عرف بین‌الملل براساس نزاکت مورد قبول همه دولت‌ها قرار گرفته بود و با گنجاندن آن در کنوانسیون روابط دیپلماتیک، بصورت حق دولت فرستنده درآمد.

### ● حق نصب نشانه رسمی

#### Droit De Placer L'emblème The Right To Use The Emblem

اصطلاح «علامت ملی» که در ماده ۲۰ کنوانسیون روابط دیپلماتیک آمده است، می‌توان به «نشانه رسمی» ترجمه کرد و یا شاید بهتر باشد اگر همان اصطلاح خارجی «آرم» ملی یا «آرم» رسمی را چنانکه در گذشته نیز در زبان فارسی بکار می‌رفته، در این مورد به کار برد.

هر کشور دارای یک «نشانه رسمی» است که به مانند پرچم از علائم شناسائی آن کشور است. در آرم کشورها گاه از اجرام آسمانی (خورشید، ماه، ستاره) و یا حیوانات (شیر، پلنگ، فیل، اسب، الاغ، عقاب) و گاه اسلحه (شمشیر، خنجر، نیزه، سپر) و گاه عوامل دیگر مانند درخت، برگ و غیره استفاده می‌شود.

آرم رسمی ایران تا گذشته نزدیک شیر و خورشید با شمشیر در دست بود که در آن از اجرام آسمانی و حیوانات و اسلحه استفاده شده بود و امروزه علامت جمهوری اسلامی نقشی است که در آن اسماء متبرکه (الله) و (لاله الاالله) تمیز داده می‌شود.

در ترجمه فارسی در مورد «علامت ملی» به تبع «پرچم» فعل برافراشتن بکار رفته که درست نیست و می‌بایست نصب کردن و یا قرار دادن در این مورد گفته شود و علاوه براین برافراشتن «علامت ملی» یا «نشانه رسمی» بر روی وسائط نقلیه مفهومی ندارد.

### ● امتیازات

اصطلاح «امتیازات» دیپلماتیک در متون اصلی خارجی و متن فارسی کنوانسیون روابط

دیپلماتیک وجود ندارد ولی در این تألیف، این اصطلاح برحسب ضرورت به کار گرفته شده و منظور از آن مجموع مزایا و مصونیتها و تسهیلات و معافیت‌هایی است که برای دیپلمات‌ها در کنوانسیون منظور گردیده است. کاربرد این اصطلاح بیشتر برای اجتناب از تکرار یکایک امتیازات بوده است.

### Immunités Immunities

### ● مصونیتها

مصونیتها را می‌توان جنبه منفی امتیازاتی دانست که به نمایندگی‌های دیپلماتیک و اعضای آن تعلق می‌گیرد.

در تعریف مصونیتها گفته شده است که آن موقوف‌الاجراء کردن قوانین داخلی است به نفع نمایندگی دیپلماتیک و اعضای آن است.

در کنوانسیون روابط دیپلماتیک، از مصونیتها تعریفی نشده و تحت عنوان خاصی هم مورد بررسی قرار نگرفته است و فهرستی از آنچه که مصونیت است نیز فراهم نشده و به همین جهت ممکن است در موارد مختلف قواعد مربوط به مصونیت با مزایا درهم شود.

اساس مصونیتها در گذشته بیشتر بر عرف بین‌المللی بوده است، زیرا انجام وظایف دیپلماتیک، بدون رعایت بعضی مصونیتها امکان‌پذیر نیست. در کنوانسیون دیپلماتیک، مصونیتها در قالب مواد متعدد ریخته شده و بصورت حقوق موضوعه درآمده است. برای تمیز بین مصونیتها و مزایا، شاید بتوان گفت که موضوعات مربوط به مزایا از نظر اهمیت به پای موضوعات مربوط به مصونیت نمی‌رسد، زیرا با حذف مزایا می‌توان امور دیپلماتیک را انجام داد ولی اگر مصونیت‌های لازم نباشد، انجام وظایف دیپلماتیک مختل می‌گردد، چنانچه بایگانی یک سفارت که مصون نباشد و به آن تعرض شود، اداره امور نمایندگی دیپلماتیک ممکن نخواهد بود.

## ● مصونیت قضائی جزائی

### Immunité De Jurisdiction Pénale

#### Immunity From Criminal Jurisdiction

در مفهوم کلی، مصونیت از جرائمی است که قانون برای آن مجازات تعیین کرده است، صرفنظر از اینکه شاکی خصوصی باشد یا نباشد. این در موردی است که عملی مغایر با نظم عمومی باشد و قوانین جزا برای آن کیفر و مجازات تعیین کرده باشد، مثلاً نزاعی که منجر به قتل گردد. اصطلاح «جزایی» برابر با «کیفری» است.

## ● مصونیت قضائی مدنی

### Immunité De Jurisdiction Civile

#### Immunity From Civil Jurisdiction

در مفهوم کلی، مصونیت در برابر دعاوی است که از طرف افراد یا اشخاص حقوقی در مسائل مدنی اقامه شود. مثال آن: عدم پرداخت مال الاجاره منزلی که در اجاره یک دیپلمات می‌باشد و شاکی صاحب‌خانه ملک باشد.

## ● مصونیت قضائی اداری

### Immunité De Jurisdiction Administrative

#### Immunity From Administrative Jurisdiction

در مفهوم خاص، مصونیت در برابر مقرراتی است که به روابط سازمانهای دولت پذیرنده با اعضای نمایندگی دیپلماتیک مربوط می‌شود.

## ● انصراف از مصونیت قضائی

### **Renoncer A L'immunité De Jurisdiction Waiver Of Immunity From Jurisdiction**

در این مورد، در ترجمه رسمی متن فارسی و ترجمه وزارت امور خارجه سخن از «سلب مصونیت» رفته است (ماده ۳۲ کنوانسیون). باتوجه به مفاد ماده مذکور معلوم می‌شود که اصطلاح «انصراف از مصونیت» درست و «سلب مصونیت» نادرست می‌باشد.

توضیح این که مصونیت دیپلماتیک به خاطر دولت فرستنده برقرار گردیده و این حق متعلق به دولت فرستنده است که می‌تواند از مصونیت مأموران خود صرف‌نظر کند.

کاربرد اصطلاح «سلب مصونیت» در صورتی درست می‌بود که از طرف دولت پذیرنده نسبت به یک عضو نمایندگی دیپلماتیک اعمال می‌شد، در حالی که چنین نیست و دولت پذیرنده نمی‌تواند مصونیت عضو نمایندگی دولت فرستنده را سلب نماید، بلکه حداکثر می‌تواند او را «عنصر نامطلوب» اعلام نماید.

### **Privilèges Privileges**

## ● مزایا

در کنوانسیون روابط دیپلماتیک، از مزایا تعریفی نشده است. اصولاً تمیز مزایا، از مصونیتها و تسهیلات و معافیتها دشوار است و در کنوانسیون هم چنین تفکیکی صورت نگرفته است.

در تعریف مزایا گفته شده است که آن امتیازاتی است که به یک نمایندگی و اعضای آن داده می‌شود در حالی که سایر مردم کشور حق استفاده از آن را ندارند.

به طور کلی می‌توان گفت که مزایا جنبه مثبت امتیازات دیپلماتیک است که از طرف دولت پذیرنده، به نهاد دیپلماتیک و اعضای آن داده می‌شود. اساس مزایا اصولاً مبتنی بر نزاکت بین‌المللی بوده که در کنوانسیون به صورت قواعد حقوقی گنجانیده شده است.

به طور کلی، یکی از وجوه افتراق بین قواعد مربوط به مزایا با قواعد مربوط به مصونیت در اهمیت آنها در مقایسه با یکدیگر است. حذف مزایای دیپلماتیک، اثر مستقیم در انجام وظایف دیپلماتیک ندارد و امور دیپلماتیک را مختل نمی‌سازد، برای مثال اگر معافیت‌های مالیاتی حذف و یا مالیاتها و عوارض گمرکی دریافت گردد، گرچه ممکن است زندگی را برای مأمورین دیپلماتیک دشوار سازد ولی مانع انجام وظیفه آنان نیست.

### Exemptions Exemptions

### ● معافیتها

به مواردی اطلاق می‌شود که بعضی از قوانین و مقررات کشور پذیرنده در مورد نمایندگیهای دیپلماتیک و اعضای آن اجرا نمی‌شود.

معافیتها وجوه متفاوت دارند و در مواد مختلف گنجانیده شده‌اند. بعضی معافیتها جنبه مادی دارند مثل معافیت از پرداخت مالیات و عوارض، بعضی معافیتها مربوط به رفع اجباری است که نسبت به افراد عادی در کشور پذیرنده اعمال می‌شود، مانند معافیت از بیمه‌های اجتماعی یا پروانه کار، بعضی از معافیتها هم از نظر نزاکت داده می‌شود مثل معافیت از بازرسی گمرکی.

معافیتها را اصولاً جزء مزایای دیپلماتیک به‌شمار می‌آورند ولی ممکن است گاه جزء تسهیلات و یا مصونیتها به‌شمار آورده شوند.

### Facilités Facilities

### ● تسهیلات

تسهیلات، از جمله امتیازاتی است که دولت پذیرنده نسبت به نمایندگی دیپلماتیک و اعضای آن ممکن است قائل شود.

تسهیلات کلمه مبهمی است و می‌توان گفت همه امتیازات دیپلماتیک را شامل می‌شود، برای مثال، اجازه برافراشتن پرچم و نصب نشانه رسمی در اماکن دیپلماتیک، و یا

کمک دولت پذیرنده برای یافتن اماکن نمایندگی یا اقامتگاه رئیس نمایندگی و یا مسکن برای  
اعضاء همه از جمله تسهیلات می‌تواند به‌شمار آید.

متن ماده ۲۵ کنوانسیون دیپلماتیک که به این موضوع اختصاص دارد کوتاه و مبهم است.  
به موجب آن: «دولت پذیرنده کلیه تسهیلات را برای انجام وظایف نمایندگی فراهم خواهد  
نمود.».

آیا این تسهیلات خارج از امتیازاتی است که ذکر آنها در کنوانسیون آمده است یا اجراء  
امتیازات مذکور را تسهیل می‌کند؟  
چون در کنوانسیون حدود و موارد کاربرد «تسهیلات» دقیقاً روشن نشده، باید موارد  
اجراء و حدود اعمال آن را به حُسن نیت دولتها واگذار کرد.

## ● مکاتبات رسمی

### Correspondance Officielle Official Correspondence

در ماده ۱ کنوانسیون که به تعریف اصطلاحات اختصاص دارد از «مکاتبات رسمی»  
تعریفی نکرده است ولی در ماده ۲۷ بند دوم، این اصطلاح چنین تعریف شده است:  
«اصطلاح «مکاتبات رسمی» شامل تمام مکاتبات مربوط به نمایندگی و انجام وظایف  
آن می‌باشد.»

### Chef D' Etat Head Of State

## ● رئیس کشور

رئیس کشور، اصولاً بالاترین مقام در هر کشور است، گرچه مقام او تشریفاتی باشد.  
رئیس کشور مظهر دولت و ملت به‌شمار می‌آید.  
عنوان رئیس کشور بستگی به ساختار سیاسی هر کشور دارد. رئیس کشور ممکن است  
رئیس جمهور، پادشاه، امپراتور، رئیس کنفدراسیون، ملک، شیخ، امیر و غیره باشد.

قانون اساسی ایران مقام رهبری را نخستین مقام و ریاست جمهوری را پس از آن می‌داند ولی در روابط خارجی رئیس جمهور عملاً وظایف مقام نخست را انجام می‌دهد.

### **Ambassade** **Embassy**

### ● سفارت

در گذشته، به نمایندگیهای طبقه اول «سفارت کبری» گفته می‌شد که در رأس آن سفیرکبیر بود. نمایندگیهای طبقه دوم «سفارت» یا لگاسیون که وزیر مختار در رأس آن قرار داشت. به نمایندگیهای طبقه سوم نیز «سفارت» گفته می‌شد.

امروزه به همه نمایندگیهای دیپلماتیک، از هر طبقه که باشند «سفارت» گفته می‌شود. در کنوانسیون دیپلماتیک، اصطلاح «سفارت» بکار نرفته و بجای آن «مأموریت یا میسیون Mission» گفته شده است. در این تألیف، همه جا، به جای «سفارت» از هر طبقه که باشد «نمایندگی دیپلماتیک» گفته می‌شود. به عبارت دیگر «نمایندگی دیپلماتیک» همان «سفارت کبری» یا «سفارت» یا «لگاسیون» و یا «مأموریت دیپلماتیک» می‌باشد.

### ● طبقات رؤسای نمایندگی

#### **Classes De Chefs De Missions** **Classes Of Heads Of Missions**

ماده ۱۴ کنوانسیون، رؤسای نمایندگی را به سه طبقه تقسیم کرده است. منظور از این تقسیم‌بندی، در حقیقت تقسیم کردن کشورها بر سه گروه بزرگ و متوسط و کوچک بود.

این سه طبقه عبارت بود از:

سفیران، وزرای مختار، کارداران دائم.

درگذشته یک طبقه دیگر بنام «وزیر مقیم» بین طبقه دوم و سوم اضافه شده بود ولی در

کنوانسیون وین ۱۹۶۱ این طبقه حذف گردید.

## **Ambassadeur** **Ambassador**

### ● سفیر

رئیس نمایندگی از طبقه اول است.

در گذشته به او سفیر کبیر گفته می‌شد و القاب «فوق‌العاده» یا «تام‌الاختیار» بر آن اضافه می‌گردید.

«سفیر کبیر» فقط بین دول بزرگ یا همسایه مبادله می‌شد و تعداد آنان محدود بود.

امروزه تقریباً همه نمایندگان دول، از طبقه اول هستند ولی دیگر عنوان «کبیر» در زبان فارسی از عنوان آنان حذف گردیده است.

در کنوانسیون روابط دیپلماتیک تنها یک بار کلمه «سفیر» بکار برده شده و آن در ماده ۱۴ بند اول می‌باشد و در همه جای دیگر «رئیس نمایندگی» گفته شده که شامل کلیه طبقات رؤسای نمایندگی (سفیر، وزیر مختار و کاردار دائم) است.

## **Ministre** **Minister**

### ● وزیر (مختار)

وزیر مختار، رئیس نمایندگی از طبقه دوم است (ماده ۱۴ کنوانسیون). در زبانهای خارجی «می‌نیستر» به معنی «وزیر» هم هست. در ترجمه‌های کنوانسیون به زبان فارسی، برای آنکه بین «وزیر مختار» و وزیران «کابینه وزراء» اشتباه نشود، کلمه «مختار» را بر آن افزوده‌اند. در آمریکا «می‌نیستر» به یکی از درجات کشیشان نیز اطلاق می‌گردد و همین امر برای وزیر مختار ایران در واشینگتن حادثه‌ای آفرید که شرح آن در متن کتاب آمده است.

امروزه در روابط بین‌المللی، رسم اعزام نماینده دیپلماتیک در رده وزیر مختار تقریباً منسوخ گردیده و در اساسنامه وزارت امور خارجه نیز از این مقام ذکری نشده است. معذک نباید مقام وزیر مختار را که رئیس نمایندگی است با رایزن درجه یک که از اجزاء نمایندگی دیپلماتیک است اشتباه کرد. با اینکه ذکری از وزیر مختار در اساسنامه وزارت امور خارجه نشده ولی مانع آن نیست که کسی به این مقام منصوب و به مأموریتی اعزام گردد. مجوز این انتخاب

نیز ماده ۹ از «قانون وظایف وزارت امور خارجه» است که در آن سخن از «سفرا و مسؤولان نمایندگی‌های سیاسی و کنسولی جمهوری اسلامی» رفته است. بنابراین وزیران مختار و کارداران دائم را می‌توان جزء «مسؤولان نمایندگی دیپلماتیک» به‌شمار آورد و با همین عنوان، طبق ماده ۱۴ کنوانسیون دیپلماتیک، مأموریت داد.

### **Ministre Résident** **Resident Minister**

### ● وزیر مقیم

در نظامنامه کنگره وین که رؤسای نمایندگی‌های دیپلماتیک را بر سه طبقه (سفیران - وزرای مختار - کارداران) تقسیم کرده ذکر از وزیر مقیم نشده است. در کنگره اکسلاشاپل که سه سال بعد از کنگره وین، در سال ۱۸۱۸ تشکیل گردید، طبقه جدیدی با عنوان «وزیر مقیم» بر سه گروه فوق، بین طبقه دوم و سوم، افزوده گردید. ولی به مرور این سمت متروک شد تا اینکه در سال ۱۹۶۱ هنگامی که «کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک» تدوین گردید، این طبقه از طبقات رؤسای نمایندگی‌ها حذف گردید.

### **Chargé D'affaires** **Chargé D'affaires**

### ● کاردار دائم - مصحلت‌گزار

در گذشته به کارداران که در رأس سفارت خود در ایران مأموریت می‌یافتند عین کلمه «شارژدافر» و به زبان عامیانه «شازدافر» می‌گفتند. به کارداران ایران در خارج هم «مصحلت‌گزار» گفته می‌شد و این عنوان پائین‌ترین طبقه (طبقه سوم) از رؤسای نمایندگی بود که بین دول کوچک و کم‌اهمیت مبادله می‌گردید. برای اینکه «کاردار» در این مقام، که ریاست نمایندگی را دارد با «کاردار موقت» که کارمند نمایندگی است، اشتباه نشود، در زبان فارسی به آن «کاردار دائم» گفته می‌شود، در زبانهای خارجی هم معمولاً "En Titre" Chargé D'affaires یا "Sur Peid" یا "En Pied" می‌گویند. امروزه، بدلیل مساواتی که دولتها نسبت به یکدیگر قائل هستند، نمایندگانی از طبقه

سوم «کاردار» نزد یکدیگر اعزام نمی‌دارند و بنابراین می‌توان گفت عملاً طبقه دوم «وزیر مختاری» و طبقه سوم «کارداری» در روابط بین‌المللی از طبقه‌بندی نمایندگی‌های دیپلماتیک به مرور منسوخ می‌گردد.

### ● کاردار موقت

#### Chargé D' Affaires Ad Interim

#### Chargé D' Affaires Ad Interim

کارمند نمایندگی دیپلماتیک است که در غیاب رئیس نمایندگی اداره امور سفارت را، کفالتاً انجام می‌دهد.

کاردار موقت معمولاً عضو ارشد دیپلماتیک است ولی ممکن است به کارمند دیپلماتیک دیگری انجام این وظیفه محول شود.

کاردار موقت جزء رؤسای نمایندگی به‌شمار نمی‌آید و دوره تصدی او اصولاً موقت و کوتاه است، گرچه مدت آن طولانی هم باشد، باز «موقت» به‌شمار می‌آید.

در ماده ۵ (بند دوم) کنوانسیون، سخن از کاردار موقتی است که خدمت او در این سمت عملاً ثابت و مستمر است ولی به علت دیدارهای گاه به‌گاه رئیس مأموریت از کشور محل اقامت او، به عنوان رئیس نمایندگی «اکردیته» کارداری او موقت به‌شمار می‌آید. در سالهای اخیر، به جای «کاردار موقت» گاه «سرپرست نمایندگی» گفته می‌شود که اگر رسمیت پیدا کند، اصطلاح مناسبی می‌تواند باشد.

#### Accredité Accredited

### ● اکردیته (غیرمقیم)

«اکردیته» در لغت بمعنی مُعتمد (بروزن مفتخر) «مورد اعتماد واقع شده» است ولی در زبان فارسی آنرا بصورت صفت برای بعضی رؤسای نمایندگی بکار می‌برند که در کشوری، با عنوان خود (مثلاً سفیر یا وزیر مختار یا کاردار دائم) معرفی می‌شود ولی محل اقامت ثابت او

کشور دیگری است.

رئیس نمایندگی به صورت «غیرمقیم»، معمولاً نزد دولتهایی معرفی می‌شود که از نظر دولت فرستنده، دارای اهمیت زیادی نیست و یا اینکه حجم روابط دو کشور آنقدر کم است که نیاز به تأسیس نمایندگی مستقل و دائم و مستمر ندارد.

اصطلاح «اکردیته» بعنوان صفت نه در متون اصلی کنوانسیون و نه در ترجمه‌های فارسی آن بکار رفته ولی کاربرد آن در ترکیبات «سفیر اکردیته» و «وزیر مختار اکردیته» و «کاردار اکردیته» به جای غیرمقیم بکار می‌رود.

### **Ministre Conseiller Counselar Minister**

### ● رایزن درجه یک

مقام دیپلماتیک پائین‌تر از مقام سفیر است.

«می‌نیستر» اگر در رأس نمایندگی دیپلماتیک باشد او را «وزیر مختار» و سفارتش را «لکاسیون Legation» می‌نامند. ولی اگر زیردست سفیر کار کند و مستقل نباشد او را در اصطلاح فارسی «رایزن درجه یک» می‌گویند که مقامی بالاتر از رایزن درجه دو و سه است. گاه وابستگان غیرسیاسی را عنوان «رایزن» می‌دهند، مانند رایزن فرهنگی و نظامی و اقتصادی.

مأموران دیپلماتیک که وظایف سیاسی انجام می‌دهند بر رایزنان غیرسیاسی هستند.

### **Secrétaire Secretary**

### ● دبیر - منشی

کلمه خارجی «سکرتر» در زبان دیپلماتیک به دو معنی است که در زبان فارسی برای هر معنی کلمه خاصی به کار می‌رود.

۱- دبیر - که از درجات دیپلماتیک است و آن مقامی پائین‌تر از «رایزن» و بالاتر از

«وابسته» می‌باشد.

دبیران خود بر سه درجه تقسیم می‌شوند:

دبیر اول - دبیر دوم - دبیر سوم - مقام دبیر اول بالاتر از دبیر دوم و سوم است.

۲- منشی - و آن مفهوم معمولی خود را دارد و ممکن است از رده کارمندان اداری و فنی و یا از طبقه کارکنان نمایندگی باشد.

### Attaché Attaché

### ● وابسته

وابسته پائین‌ترین درجه در تقسیم‌بندی مدارج دیپلماتیک است ولی از نظر تقدم، بالاتر از کارمندان اداری و فنی است.

وابسته به این معنی، کارمند وزارت خارجه است و در مقابل سایر وابستگان که از وزارت‌خانه‌های دیگر مأموریت دارند تا در نمایندگی دیپلماتیک انجام وظیفه نمایند و عناوین «وابسته» فرهنگی، نظامی، اقتصادی، علمی و غیره را دارند، به آنان «وابسته سیاسی» می‌گویند. به وابستگان، گاه «آتاشه» نیز در زبان فارسی گفته می‌شود. وابستگان سیاسی، همه در یک مقام هستند و به درجاتی تقسیم نشده‌اند ولی بین خود بعضی نسبت به و بعضی دیگر مقدم هستند. معمولاً وابستگان رسته سیاسی در مقامی پائین‌تر از وابستگان سایر وزارتخانه‌ها جای دارند.

### Agrément Agrément

### ● پذیرش

کسی که از طرف دولت پذیرنده نامزد ریاست نمایندگی از طبقه اول «سفیر» و دوم «وزیر مختار» است، نام و شرح حال او به دولت پذیرنده اطلاع داده می‌شود تا در صورت موافقت، به پست خود منصوب گردد.

پاسخ دولت پذیرنده را اگر مثبت باشد «پذیرش» می‌گویند.

اگر پاسخ منفی باشد، دلیل براین است که شخص پیشنهاد شده از طرف دولت پذیرنده «نامطلوب» تلقی می‌گردد.

گاه بعضی از دول، قبول وابستگی نظامی خارجی را، قبل از انتصاب موکول به پذیرش می‌کنند.

## ● استوارنامه

### **Lettres De Créance**

#### **Letters Of Credence - Credentials**

پس از آنکه پذیرش (اگرمان) از طرف دولت پذیرنده به دولت فرستنده واصل شد، نامه‌ای از طرف رئیس کشور فرستنده خطاب به رئیس کشور پذیرنده دایر بر معرفی رئیس جدید نمایندگی داده می‌شود. این نامه امضاء رئیس کشور را دارد و گیرنده آن نیز رئیس کشور مخاطب (پذیرنده) است.

تاریخ آغاز مأموریت رئیس نمایندگی در کشور پذیرنده از هنگامی است که طبق مقررات کشور، استوارنامه خود را تسلیم نماید.

استوارنامه با اینکه همیشه حاوی مطالب مشابه است ولی فرم خاص و معینی ندارد. در گذشته به استوارنامه «اعتبارنامه» گفته می‌شد.

رونوشت استوارنامه بعد از ورود به کشور پذیرنده و قبل از تشریفات حضور یافتن نزد رئیس کشور پذیرنده، می‌باید به وزیر خارجه تسلیم شود یا به وزارت خارجه ارسال گردد. این رونوشت به اصطلاح فرانسوی کپی دوزاژ Copie D'usage گفته می‌شود. در بعضی از کشورها تاریخ وصول رونوشت استوارنامه به وزارت خارجه دولت پذیرنده مبداء رسمیت یافتن وظایف سفیر یا وزیر مختار تلقی می‌گردد.

در مورد استوارنامه کمیسرهاى عالی که در ردیف سفرا هستند اصطلاح خارجی: Lettres De Commission به کار می‌رود و تفاوت آن با استوارنامه‌های عادی در این است که توسط مقام دوم کشور امضاء می‌شود.

### **Ameublement , Biens Furnishings , Property**

### ● اثاثه و اموال

در کنوانسیون تعریفی از اموال و اثاثه نمایندگی دیپلماتیک نشده ولی می‌توان گفت که آن شامل مبیل و سایر اشیاء منقولی است که در داخل محوطه اماکن نمایندگی، برای رفع حوائج دفاتر و زندگی در آن اماکن مورد استفاده است، همچنین وسائط نقلیه آن در هر کجا که باشند. ضمناً از اموال و اثاثه نمایندگی باید کلیه:

«اوراق و اسناد و مکاتبات و کتاب‌ها و فیلمها و نوارهای ضبط صوت و دفاتر نمایندگی دیپلماتیک و رمز و مفتاح و کارتهای اندکس و هر نوع اثاثه که برای حفاظت آنها به کار می‌رود» را مستثنی کرد، زیرا اینها مشمول مقررات خاص بایگانی می‌باشند.

### **Différend Dispute**

### ● اختلاف

«اختلاف»، تفاوت دیدگاه بین دو دولت است که ممکن است به تیرگی روابط و حتی مشاجرات لفظی بین رسانه‌های گروهی دو کشور بیانجامد.

رفع اختلاف نیز به موجب ماده ۳۳ منشور ملل متحد از راههای دیپلماتیک و سیاسی می‌باید صورت گیرد. در تأیید این نظر اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های بین‌المللی نیز صادر گردیده است.

بنابر تعریفی که از طرف «دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی» شده است. اختلافات بین‌المللی «عدم توافق بر سر یک موضوع یا واقعیت، اختلاف نظر حقوقی یا منافع بین طرفین است».

(برای توضیح بیشتر به «روشهای مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات

بین‌المللی» - از عبدالحمید فریدی عراقی - تهران - ۱۳۶۹، صفحات ۶ و ۷ و ۸ رجوع شود.

چنانکه از تعریف فوق و مفهوم لغوی «اختلاف» برمی‌آید در مورد اختلاف کاربرد قوای

قهریه و تجاوز مسلحانه و جنگ مطرح نیست (در دو ترجمه فارسی متن کنوانسیون روابط دیپلماتیک، سخن از «اختلافات مسلحانه» رفته است که ترجمه نادرستی است).

### **Conflit Armé** **Armed Conflict**

### ● **منازعات مسلحانه**

در کنوانسیون، طی مواد ۴۴ و ۴۵ اصطلاح خارجی به «اختلافات مسلحانه» ترجمه شده، در صورتی که اختلاف در حد برخوردهای نظری و لفظی است و هنگامی که کار به اسلحه کشید تبدیل به «منازعه» می‌شود.

و اما اصطلاح منازعه مسلحانه معنای وسیعی دارد و از زد و خوردهای کوچک مرزی تا جنگ واقعی بین نیروهای مسلح دو کشور را شامل می‌شود.

در کنوانسیون دیپلماتیک اشاره‌ای به جنگ نشده است، توضیح اینکه پس از انعقاد پیمان بریان - کلوگ (آریستید بریان وزیر خارجه فرانسه و فرانک کلوگ وزیر خارجه آمریکا) که طی آن جنگ به عنوان وسیله رفع اختلافات تحریم گردید، موضوع جنگ از حقوق بین‌الملل حذف شده تلقی می‌شود.

پیمان مذکور که در سال ۱۹۲۸ امضاء گردید و عنوان آن:

«پیمان عمومی برای انصراف از جنگ» بود، در آغاز مورد استقبال همه دول قرار گرفت و تا سال ۱۹۳۰ اکثر کشورهای جهان آنرا پذیرفتند، ولی در عمل کشورهای اصلی امضاءکننده همه در جنگ دوم جهانی درگیر شدند.

### **Courrier Diplomatique** **Diplomatic Courier**

### ● **پیک دیپلماتیک**

در زبان فارسی به جای پیک گاه «چاپار» و یا «کوریه» نیز گفته می‌شود و به جای دیپلماتیک «سیاسی» هم گفته و نوشته شده است.

بنابر طرح کنوانسیون ۱۹۸۹ (ماده ۳ بند اول) تعریف پیک دیپلماتیک چنین است:

«اصطلاح پیک دیپلماتیک به شخصی اطلاق می‌شود که از جانب دولت فرستنده، برطبق یک مبنای منظم یا برای مأموریت معین و به عنوان پیک موقت مانند ... یک «پیک دیپلماتیک» به معنایی که «کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک» مصوب ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ در نظر گرفته ... [اعزام گردد]، به چنین شخصی، گرفتن، حمل و تحویل کیسه دیپلماتیک محول گردیده است ...».

(نقل از ترجمه عباس معین‌زاده - «حقوق دیپلماتیک نوین» صفحه ۳۴۴)

## ● کیسه دیپلماتیک

### Valise Diplomatique

### Dipomatic Bag - یا - Pouch

اصطلاح «کیسه» در این مورد نارساست. در زبانهای خارجی نیز چنین است. در فرانسه اصطلاح «چمدان» و در انگلیسی اصطلاح «کیسه» را به کار می‌برند ولی شاید صحیح‌تر این بود که در این باره «بسته دیپلماتیک» گفته می‌شد که مفهومی وسیع‌تر از کیسه را دارد. کیسه دیپلماتیک از نظر شکل و اندازه و وزن محدودیتی ندارد و ممکن است به صورت جعبه، صندوق، کارتن، بقچه، پاکت، و یا هر شکل دیگر باشد، مشروط بر اینکه بسته بوده علامت مشهود حاکی از «دیپلماتیک» بودن را داشته باشد.

در طرح کنوانسیون ۱۹۸۹ که در باره پیک دیپلماتیک و کیسه دیپلماتیک تهیه شده، طی ماده ۳ بند دوم، کیسه دیپلماتیک چنین تعریف شده است:

«اصطلاح «کیسه دیپلماتیک» به بسته‌ای اطلاق می‌گردد که حاوی مکاتبات رسمی و یا اسناد و موادی باشد که صرفاً مورد استفاده رسمی قرار می‌گیرند ...».

(نقل از ترجمه عباس معین‌زاده - «حقوق دیپلماتیک نوین» - صفحه ۳۴۴)

## ● مأموریت‌های ویژه

### Missions Spéciales (Ad-Hoc) Special Missions

هنگام تدوین کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱) سعی شد، موضوعات مربوط به «مأموریت‌های ویژه» طی چند ماده در همان کنوانسیون گنجانیده شود ولی نظر به اختلاف نظر بین تدوین‌کنندگان و اهمیت موضوع، لازم شد که کنوانسیون جداگانه‌ای در این باره تهیه شود.

در تاریخ ۸ دسامبر ۱۹۶۹ این کنوانسیون تهیه و به امضاء رسید.

تعریف «مأموریت ویژه» بنابر ماده ۱ کنوانسیون مذکور «عبارت از یک مأموریت موقت است که به نمایندگی از طرف یک دولت با کسب موافقت قبلی دولت دیگر، به منظور حل و فصل مسائل خاص، یا انجام وظیفه مخصوص به نزد دولت اخیرالذکر اعزام می‌گردد».

در متن رسمی که در سال ۱۳۵۳ به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید، به جای «مأموریت‌های ویژه»، «مأموریت‌های خاص» نوشته شده ولی در تألیفات حقوقی معمولاً به جای «خاص» لغت «ویژه» بکار می‌رود و ما نیز در این تألیف اصطلاح «مأموریت‌های ویژه» را ترجیح می‌دهیم.

### Diplomatie - Politique Diplomacy - Politic

## ● دیپلماسی - سیاست

«دیپلماسی» و «سیاست» دو معنی جداگانه دارند و نباید یکی را به جای دیگری بکار

برد.

سیاست، خط مشی کلی یک دولت در مسائل داخلی و خارجی است و دیپلماسی اجراء

سیاست یک دولت در روابط خارجی است.

سیاست، مفهوم کلی و وسیع دارد و حاکی از اصول و نظرات کلی یک دولت در تمام

زمینه‌هاست، در حالی که، دیپلماسی، مفهوم خاص و محدود دارد و فقط به اجراء قسمتی از

سیاست دولت که در ارتباط با سایر کشورهاست گفته می‌شود. سیاستمداران در رأس دولت تصمیم می‌گیرند در حالی که دیپلمات‌ها، اجراءکننده تصمیمات سیاسی در روابط خارجی و صحنه بین‌المللی می‌باشند. به عبارت دیگر، سیاست دستور می‌دهد و دیپلماسی اجرا می‌کند و بنابراین دیپلماسی، همیشه دنباله‌رو سیاست است.

## پیوست شماره ۳

متن رسمی قرارداد وین درباره روابط سیاسی



### متن رسمی

## (قانون روابط دیپلماتیک «سیاسی» بصورتی که از مجلس گذشته)

مجموعه قراردادهای بین المللی چندجانبه ایران در ادوار جامعه ملل و

سازمان ملل متحد<sup>(۱)</sup>

### قرارداد وین

### درباره روابط سیاسی

دولت عاقد این قرارداد:

با تذکار این معنی - که همه مردم کشورها از دیرباز قائل بنظامات خاصی در مورد نمایندگان سیاسی می‌باشند با معرفت بمقاصد اصول منظور ملل متحد درباره تساوی مطلق دولتها و حفظ صلح و امنیت بین المللی و توسعه روابط دوستانه بین ملتها.

با اعتقاد باینکه - یک قرارداد بین المللی درباره روابط و مزایا و مصونیت‌های نمایندگان سیاسی در بهبود مناسبات دوستانه بین کشورها هرچند طرز و اساس حکومت و اصول اجتماعی آنها تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته باشند مؤثر خواهد بود.

با اذعان باینکه - منظور از مزایا و مصونیت‌های مذکور در فوق منتفع ساختن افراد نیست و بلکه مراد تأمین حسن اجراء وظایف هیئتهای سیاسی بعنوان نمایندگان دولتها می‌باشد.

با تأکید این نکته که - در مورد مسائلی که ضمن مقررات این قرارداد صریحاً تعیین تکلیف نشده است قواعد عرف و عادت حقوق بین الملل همچنان حاکم خواهد بود.

۱. به کوشش دکتر محمدعلی هدایتی، سال ۱۳۴۵، صفحه ۷۴۱.

نسبت بموارد زیر توافق نمودند:

### ماده اول

در این قرارداد معانی اصطلاحات زیر بشرحی خواهد بود که در پایین تصریح شده است:

الف - اصطلاح «رئیس مأموریت» یعنی شخصی که از طرف کشور فرستنده مأمور انجام وظیفه در این سمت می‌شود.

ب - اصطلاح «اعضاء مأموریت» یعنی رئیس مأموریت و کارمندان مأموریت.

ج - اصطلاح «کارمندان مأموریت» یعنی «کارمندان سیاسی» «کارمندان اداری و فنی» و «خدمه مأموریت».

د - اصطلاح «مأموری سیاسی» یعنی آن دسته از کارمندان مأموریت که دارای سمت سیاسی (دیپلماتیک) می‌باشند.

ه - اصطلاح «کارمندان سیاسی» یعنی رئیس مأموریت یا یکی از کارمندان سیاسی مأموریت.

و - اصطلاح «مأمور اداری و فنی» یعنی آن دسته از کارمندان مأموریت که به امور اداری و فنی مأموریت اشتغال دارند.

ز - اصطلاح «خدمه» یعنی آن دسته از کارکنان مأموریت که به امور خانگی مأموریت اشتغال دارند.

ح - اصطلاح «خدمتکار شخصی» یعنی کسانی که خادم یکی از اعضاء مأموریت بوده و مستخدم کشور فرستنده نمی‌باشند.

ط - اصطلاح «اماکن مأموریت» یعنی ابنیه و یا قسمتهایی از ابنیه و زمین متصل به آن که مالک آن هر که باشد برای انجام مقاصد مأموریت از جمله برای محل اقامت رئیس مأموریت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### ماده دوم

استقرار روابط سیاسی بین کشورها و اعزام هیئتهای سیاسی دائم با رضایت متقابل انجام می‌گردد.

### ماده سوم

- ۱- وظایف یک مأموریت سیاسی بالاخص عبارتست از:
  - الف - نمایندگی کشور فرستنده نزد کشور پذیرنده.
  - ب - حفظ منافع کشور فرستنده و اتباع آن در کشور پذیرنده تا حدودی که در حقوق بین الملل مورد قبول است.
  - ج - مذاکره با حکومت کشور پذیرنده.
  - د - استحضار از اوضاع و سیر وقایع در کشور پذیرنده با استفاده از تمام وسائل مشروع و گزارش آن به حکومت کشور فرستنده.
  - هـ - بسط روابط دوستانه و توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی و علمی بین کشور فرستنده و کشور پذیرنده.
- ۲- هیچیک از مقررات این قرارداد نباید طوری تفسیر شود که مانع از انجام وظایف کنسولی بوسیله یک مأموریت سیاسی گردد.

### ماده چهارم

- ۱- کشور فرستنده باید اطمینان حاصل کند که برای شخص نامزد شده بعنوان رئیس مأموریت از طرف کشور پذیرنده پذیرش داده شده است.
- ۲- کشور پذیرنده ملزم نیست دلایل امتناع خود را از صدور پذیرش به اطلاع کشور فرستنده برساند.

### ماده پنجم

۱- کشور فرستنده می‌تواند پس از اعلام رسمی به کشورهای ذینفع یک رئیس مأموریت را برای نمایندگی خود نزد چند کشور و همچنین یکی از کارمندان سیاسی خود را جهت انجام وظایف مربوطه نزد کشورهای متعدد بگمارد مگر آنکه یکی از آن کشورها صریحاً با این امر مخالفت ورزد.

۲- کشور فرستنده در صورتی که نمایندگی خود را نزد یک یا چند کشور بیک رئیس مأموریت محول کند می‌تواند در هر یک از کشورهایی که رئیس مأموریت در آنجا اقامت دائم ندارد یک مأموریت سیاسی زیر نظر یک کاردار موقت تأسیس نماید.

۳- یک رئیس مأموریت با یک کارمند سیاسی مأموریت می‌تواند عهده‌دار نمایندگی کشور فرستنده نزد هر سازمان بین‌المللی باشد.

### ماده ششم

چند کشور می‌توانند در آن واحد یک نفر را بعنوان رئیس مأموریت نزد کشور دیگری تعیین نمایند مگر آنکه کشور پذیرنده مخالف این امر باشد.

### ماده هفتم

۱- کشور فرستنده با توجه بمقررات مواد ۵ و ۸ و ۹ و ۱۱ در انتخاب کارمندان مأموریت آزاد است. کشور پذیرنده می‌تواند نام وابسته‌های نظامی و دریایی یا هوایی را قبلاً برای تصویب بخواهد.

### ماده هشتم

۱- کارمندان سیاسی مأموریت علی‌الاصول تابعیت کشور فرستنده را خواهند داشت.

- ۲- کارمندان سیاسی مأموریت را نمی‌توان جز با رضایت کشور پذیرنده از میان اتباع آن کشور انتخاب کرد. کشور پذیرنده می‌تواند در هر موقع رضایت خود را پس بگیرد.
- ۳- کشور پذیرنده می‌تواند همین حق را در مورد اتباع دولت ثالثی که تابعیت دولت فرستنده را ندارند برای خود حفظ کند.

### ماده نهم

- ۱- کشور پذیرنده می‌تواند هر آن و بی آنکه الزامی بتوجیه تصمیم خود داشته باشد بکشور فرستنده اطلاع دهد که رئیس یا هر یک از اعضاء سیاسی مأموریت «شخص نامطلوب» است و یا آنکه هر کارمند دیگر مأموریت قابل قبول نیست. در این صورت کشور فرستنده آن شخص را برحسب مورد فرا خواهد خواند و یا بخدمت وی در مأموریت پایان خواهد داد شخصی را می‌توان قبل از ورود بخاک کشور پذیرنده «نامطلوب» یا «غیرقابل قبول» اعلام نمود.
- ۲- اگر کشور فرستنده از انجام تعهدات ناشی از بند اول این ماده امتناع ورزد و یا این تعهدات را در ظرف مهلتی معقول انجام ندهد کشور پذیرنده می‌تواند از شناختن شخص مورد بحث بسمت عضو مأموریت خودداری کند.

### ماده دهم

- ۱- مراتب زیر به وزارت امور خارجه کشور پذیرنده یا به وزارتخانه دیگری که مقرر شده باشد اعلام خواهد گشت:

- الف - انتصاب اعضاء مأموریت و ورود یا عزیمت قطعی یا خاتمه مأموریت آنان.
- ب - ورود و عزیمت قطعی شخصی که از افراد خانواده یکی از اعضاء مأموریت است و در صورت لزوم اعلام اینکه شخصی در شمار افراد خانواده یکی از اعضاء مأموریت درآمده و یا از آن خارج شده است.

ج - ورود و عزیمت قطعی خدمتکاران شخصی که در خدمت اشخاص مورد نظر بند الف این ماده می‌باشند و در صورت لزوم اعلام این که این خدمتکاران خدمت اشخاص فوق‌الذکر را تکرار می‌نمایند.

د - استخدام اشخاص مقیم کشور پذیرنده بعنوان اعضاء مأموریت یا خدمتکاران شخصی که از مزایا و مصونیتها برخوردارند و برکناری آنان.  
۲- هر بار که ممکن باشد ورود و عزیمت قطعی اشخاص نیز باید قبلاً اعلام گردد.

### ماده یازدهم

۱- در صورت عدم توافق صریح نسبت به تعداد افراد مأموریت - کشور پذیرنده می‌تواند خواستار شود که تعداد این افراد با توجه به مقتضیات و اوضاع کشور و با توجه به نیازمندیهای مأموریت از حدودی که خود معقول و متعارف تلقی می‌کند تجاوز ننماید.  
۲- کشور پذیرنده همچنین می‌تواند در همان حدود و بدون تبعیض از پذیرفتن نوع معینی از کارمندان خودداری نماید.

### ماده دوازدهم

کشور فرستنده نباید قبل از تحصیل موافقت صریح و قبلی کشور پذیرنده در محلی غیر از محل استقرار مأموریت دفتر دیگری متعلق بمأموریت برقرار نماید.

### ماده سیزدهم

۱- تاریخ شروع و عهده دار شدن وظائف رئیس مأموریت در کشور پذیرنده از زمانی تلقی میگردد که استوارنامه خود را تقدیم می‌کند یا ورود خود را ضمن ارسال رونوشت استوارنامه به وزارت امور خارجه کشور پذیرنده یا هر وزارتخانه دیگری که مقرر است با در نظر

گرفتن رویه موجود در کشور پذیرنده که باید بنحو یکنواختی اعمال شود اعلام مینماید.

۲- تقدیم ترتیب استوارنامه یا تسلیم رونوشت آن با توجه بتاريخ روز و ساعت ورود رئیس مأموریت تعیین میگردد.

### ماده چهاردهم

۱- رؤسای مأموریت به سه طبقه بشرح زیر تقسیم می‌شوند:

الف - سفیران کشورها و نمایندگان پاپ (نونس) که نزد رؤسای کشورها مأموریت می‌یابند و سایر رؤسای مأموریت که هم مقام آنان می‌باشند.

ب - فرستادگان و وزیران مختار کشورها و نمایندگان پاپ (انترنونس) که نزد رؤسای کشورها مأموریت می‌یابند.

ج - کاردارها که نزد وزرای امور خارجه مأموریت می‌یابند.

۲- جز از نظر تقدیم در حضور و تشریفات هیچگونه فرقی بین رؤسای مأموریتها از لحاظ طبقه وجود نخواهد داشت.

### ماده پانزدهم

کشورها درباره طبقه رؤسای مأموریت خود با یکدیگر توافق خواهند کرد.

### ماده شانزدهم

۱- حق تقدم رؤسای مأموریت در هر طبقه برحسب روز و ساعتی که وظایف خود را بموجب ماده ۱۳ آغاز می‌کنند خواهد بود.

۲- تغییرات منظور شده در استوارنامه یک رئیس مأموریت تا آنجا که طبقه او را عوض نکند تأثیری در ترتیب تقدم او نخواهد داشت.

۳- مفاد این ماده مخل رسومی که نسبت به حق تقدم نماینده پاپ مورد قبول کشور پذیرنده واقع شده یا در آینده خواهد شد نخواهد بود.

### ماده هفدهم

رئیس مأموریت ترتیب تقدم کارمندان سیاسی مأموریت را به وزارت امور خارجه یا هر وزارتخانه دیگر که مقرر است اطلاع خواهد داد.

### ماده هیجدهم

در هر کشوری تشریفات مربوط به پذیرفتن رؤسای مأموریت باید در مورد هر طبقه یکسان باشد.

### ماده نوزدهم

۱- هرگاه پست ریاست مأموریت بدون تصدی بوده یا رئیس مأموریت قادر به انجام وظایف خود نباشد یک کاردار موقت بعنوان رئیس مأموریت موقتاً انجام وظیفه خواهد کرد. نام کاردار موقت بوسیله رئیس مأموریت در صورتیکه رئیس مأموریت معذور باشد از طرف وزارت امور خارجه کشور فرستنده بوزارت امور خارجه کشور پذیرنده یا بهر وزارتخانه دیگری که مقرر است اعلام خواهد گشت.

۲- در صورتیکه هیچیک از کارمندان سیاسی مأموریت در کشور پذیرنده حضور نداشته باشد یکی از کارمندان اداری و فنی می تواند از طرف کشور فرستنده با رضایت کشور پذیرنده امور جاری اداری مأموریت را عهده دار گردد.

### ماده بیستم

مأموریت و رئیس آن حق دارد پرچم و علامت کشور فرستنده را در امکانه از جمله در محل اقامت رئیس مأموریت و بر روی وسایط نقلیه خود برافرازند.

### ماده بیست و یکم

۱- کشور پذیرنده باید در حدود قوانین خود موجبات تسهیل تملیک کشور فرستنده را در اماکن مورد احتیاج مأموریت در خاک کشور خود فراهم کند و یادر تحصیل این اماکن از طریق دیگر به کشور فرستنده یاری نماید.

۲- کشور پذیرنده همچنین در صورت لزوم باید مأموریت را در تهیه مسکن مناسب برای کارمندان خود یاری نماید.

### ماده بیست و دوم

۱- اماکن مأموریت مصونیت دارند و مأمورین کشور پذیرنده جز با رضایت رئیس مأموریت حق ورود به این اماکن را نخواهد داشت.

۲- کشور پذیرنده وظیفه خاص دارد کلیه تدابیر لازم را بمنظور اینکه اماکن مأموریت مورد تجاوز و خسارت قرار ننگرفته و آرامش و شئون آن متزلزل نگردد اتخاذ نماید.

۳- اماکن مأموریت و اسباب و اثاث و اشیاء دیگر موجود در آن و همچنین وسایل نقلیه مأموریت مصون از تفتیش و مصادره و توقیف و یا اقدامات اجرایی خواهد بود.

### ماده بیست و سوم

۱- کشور فرستنده و رئیس مأموریت بابت اماکن مأموریت که در مالکیت یا اجاره خود دارد از پرداخت هر نوع مالیات و عوارض ملی منطقه‌ای یا شهری معاف خواهد بود مگر آنکه

دریافت این مالیات‌ها یا عوارض در ازاء انجام خدمات خاص باشد.

۲- در صورتیکه طبق قوانین کشور پذیرنده پرداخت این مالیات‌ها و عوارض بعهده شخصی باشد که با کشور فرستنده یا با رئیس مأموریت معامله می‌کند معافیت مالیاتی موضوع این ماده منتفی خواهد بود.

#### ماده بیست و چهارم

بایگانی و اسناد مأموریت در هر زمان و در هر مکان از تعرض مصون خواهند بود.

#### ماده بیست و پنجم

کشور پذیرنده کلیه تسهیلات لازم را برای انجام وظائف مأموریت فراهم خواهد نمود.

#### ماده بیست و ششم

کشور پذیرنده آزادی رفت و آمد و مسافت تمام اعضای مأموریت را در قلمرو خود با رعایت قوانین و مقررات مربوط درباره مناطقی که ورود بدان از لحاظ امنیت ملی ممنوع بوده و یا تابع مقررات خاصی تأمین می‌نماید.

#### ماده بیست و هفتم

۱- کشور پذیرنده آزادی ارتباطات مأموریت را به منظورهای رسمی اجازه داده و حمایت خواهد نمود. مأموریت می‌تواند برای تماس با حکومت و سایر مأموریت‌ها و کنسولگریهای کشور فرستنده در هر جا از تمام وسائل ارتباطی لازم از جمله پیک سیاسی و پیامهای «کد» و رمز استفاده نماید.

معهدا مأموریت نمی‌تواند جز با رضایت کشور پذیرنده دستگاه فرستنده رادیویی نصب

نموده و مورد استفاده قرار دهد.

- ۲- مکاتبات رسمی مأموریت مصون است. اصطلاح «مکاتبات رسمی» شامل تمام مکاتبات مربوط بمأموریت و انجام وظایف آن می‌باشد.
  - ۳- کیسه سیاسی نباید باز شده یا توقیف گردد.
  - ۴- بسته‌های جزء کیسه سیاسی باید دارای علامات خارجی مشهود و مشخص کیفیت آن بوده فقط حاوی اسناد سیاسی یا اشیاء مورد استعمال رسمی باشد.
  - ۵- پیک سیاسی که باید دارای مدرک رسمی حاکی از سمت وی و تعداد بسته‌های جزء کیسه سیاسی باشد در اجرای وظائف خود از حمایت کشور پذیرنده برخوردار خواهد بود. شخص پیک مصونیت داشته و به هیچ عنوان بازداشت یازندانی نخواهد شد.
  - ۶- کشور فرستنده یا مأموریت می‌تواند پیک‌های سیاسی مخصوص منصوب نماید و در این صورت مقررات بند ۵ این ماده و مصونیت‌های مندرج در آن فقط تا زمانی که پیک مزبور کیسه سیاسی خود را بمقصد میرساند جاری خواهد بود.
  - ۷- کیسه سیاسی را می‌توان بفرمانده یک هواپیمای بازرگانی که باید در یک محل ورودی مجاز فرود آید سپرد. فرمانده مزبور که پیک سیاسی تلقی نخواهد شد باید دارای مدرک رسمی حاکی از تعداد بسته‌های جزء کیسه سیاسی باشد.
- مأموریت می‌تواند یکی از اعضاء خود را برای دریافت مستقیم و آزادانه کیسه سیاسی از شخص فرمانده هواپیما اعزام دارد.

### ماده بیست و هشتم

عواید و کارمزد دریافتی از طرف مأموریت بابت انجام وظائف رسمی از پرداخت کلیه مالیاتها و عوارض معاف است.

### ماده بیست و نهم

شخص مأمور سیاسی مصون است و نمی‌توان او را به هیچ عنوان مورد توقیف و بازداشت قرارداد. کشور پذیرنده با وی رفتار محترمانه‌ای که در شأن اوست خواهد داشت و اقدامات لازم را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه به شخص و آزار و حقیقت او اتخاذ خواهد کرد.

### ماده سی ام

۱- محل اقامت خصوصی مأمور سیاسی مانند اماکن مأموریت مصون و مورد حمایت خواهد بود.  
 ۲- اسناد و مکاتبات و همچنین با رعایت بند ۳ ماده ۳۱ اموال مأمور سیاسی مصون خواهد بود.

### ماده سی و یکم

۱- مأمور سیاسی دو کشور پذیرنده از مصونیت تعقیب جزائی برخوردار است و از مصونیت دعاوی مدنی و اداری نیز بهره‌مند خواهد بود مگر در موارد ذیل:  
 الف - دعوی راجع به مال غیرمنقول خصوصی واقع در قلمرو کشور پذیرنده مگر آنکه مأمور سیاسی مال را بنمایندگی کشور فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشد.  
 ب - دعوی راجع به ماترکی که در آن مأمور سیاسی بطور خصوصی و نه بنام کشور فرستنده وصی و امین‌ترکه وارث یا موصل له واقع شده باشد.  
 ج - دعوی راجع به فعالیت‌های حرفه‌ای یا تجاری از هر نوع که مأمور سیاسی در خاک کشور پذیرنده و خارج از وظایف رسمی خود به آن اشتغال دارد.

- ۲- مأمور سیاسی مجبور به ادای شهادت نیست.
- ۳- علیه مأمور سیاسی مبادرت به هیچگونه عملیات اجرایی نخواهد شد جز در موارد مذکور در بندهای الف و ب و ج قسمت اول این ماده و بشرط آنکه این عملیات اجرایی به مصونیت شخص یا محل اقامت او لطمه‌ای وارد نیارد.
- ۴- مصونیت قضایی مأمور سیاسی در کشور پذیرنده او را از تعقیب قضایی کشور فرستنده معاف نخواهد داشت.

### ماده سی و سه

- ۱- مأمور سیاسی با رعایت بند ۳ این ماده در مورد خدمات انجام شده برای کشور فرستنده از مقررات بیمه‌های اجتماعی که ممکن است در کشور پذیرنده لازم الاجرا باشد معاف است.
- ۲- معافیت مندرج در بند ۱ این ماده نیز شامل خدمتکاران شخصی که در خدمت انحصاری مأمور سیاسی می‌باشد می‌گردد مشروط بر آنکه این خدمتکاران:
- الف - تبعه کشور پذیرنده نبوده یا در آن اقامت دائم داشته باشند.
- ب - مقررات بیمه‌های اجتماعی کشور فرستنده یا کشور ثالث در مورد آنان اعمال گردد.
- ۳- مأمور سیاسی باید در مورد اشخاصی که در خدمت او هستند و مشمول معافیت مندرج در بند ۲ این ماده نمی‌باشند تکالیفی ناشی از مقررات بیمه‌های اجتماعی کشور پذیرنده را که به کارفرما تحمیل می‌شود رعایت نماید.
- ۴- معافیت مذکور در بندهای ۱ و ۲ این ماده مانع از قبول بالاختیار و استفاده از بیمه اجتماعی کشور پذیرنده تا حدودی که مورد قبول این کشور باشد نخواهد بود.
- ۵- مقررات این ماده مخل قراردادهای دوجانبه و چند جانبه که در گذشته راجع به بیمه‌های اجتماعی منعقد شده نبوده و مانع از انعقاد چنین قراردادهایی در آینده نخواهد بود.

### ماده سی و چهارم

مأمور سیاسی از پرداخت کلیه عوارض شخصی یا مالی یا مملکتی یا منطقه‌ای یا شهری جز در موارد زیر معاف است:

- الف - مالیات‌های غیرمستقیم که معمولاً جزء قیمت کالا یا خدمت محسوب می‌شود.
- ب - مالیات‌ها و عوارض اموال غیرمنقول خصوصی واقع در قلمرو کشور پذیرنده جز در مواردی که مأمور سیاسی مال را به نمایندگی کشور فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشد.
- ج - مالیات بر ارث که از طرف کشور پذیرنده دریافت می‌گردد با رعایت مفاد بند ۴ ماده ۳۹.

- د - مالیات و عوارض مأخوذه از درآمدهای شخصی حاصل در کشور پذیرنده و همچنین مالیات بر سرمایه‌های بکار افتاده در بنگاه‌های تجارتي آن کشور.
- ه - مالیات و عوارضی که در برابر انجام خدمات خاص وصول می‌شود.
- و - هزینه‌های ثبت و دادرسی و رهن و تمبر در موارد اموال غیرمنقول با رعایت مفاد ماده ۲۳.

### ماده سی و پنج

کشور پذیرنده مأمورین سیاسی را از انجام خدمات شخصی و خدمات عمومی به هر صورت و شکل و الزامات نظامی از قبیل مصادره و بیگاری و اسکان افراد نظامی معاف خواهد داشت.

### ماده سی و شش

۱- کشور پذیرنده طبق قوانین و مقرراتی که ممکن است وضع نماید و ورود اشیاء زیر را

با معافیت از حقوق گمرکی و عوارض و سایر هزینه‌های فرعی جز مخارج انبارداری و باربری و هزینه‌های ناشی از خدمات مشابه اجازه خواهد داد.

الف - اشیاء مورد استفاده رسمی مأموریت.

ب - اشیاء مورد استفاده شخصی مأمور سیاسی یا بستگان او که اهل خانه او هستند و از جمله اثاثیه اینکه برای منزل خود لازم دارد.

۲- توشه شخصی مأمور سیاسی از تفتیش معاف است مگر اینکه دلایل جدی دال بر وجود اشیایی در آن که مشمول معافیت‌های مندرج در بند ۱ این ماده نیست در دست بوده و یا ورود و صدور آن اشیاء بموجب قوانین یا مقررات قرنطینه کشور پذیرنده ممنوع باشد. در چنین صورتی تفتیش جز در حضور مأمور سیاسی یا نماینده مجاز او صورت نخواهد گرفت.

### ماده سی و هفت

۱- بستگان مأمور سیاسی که اهل خانه او هستند بشرط آنکه تبعه کشور پذیرنده نباشند از مزایا و مصونیت‌های مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۶ برخوردار خواهند بود.

۲- کارمندان اداری و فنی مأموریت و همچنین بستگان آنها که اهل خانه آنها هستند بشرط آنکه تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نباشند از مزایا و مصونیت‌های مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۵ بهره‌مند خواهند بود ولی مصونیت از صلاحیت مقامات دولت پذیرنده در امور مدنی و اداری موضوع بند اول ماده ۳۱ شامل اعمال خارج از وظایف آنها نخواهد شد. اشخاص مذکور همچنین از مزایای مندرج در بند الف ماده ۳۶ در مواد اثباتیکه برای منزل خود وارد می‌کنند استفاده خواهند نمود.

۳- خدمه مأموریت بشرط آنکه تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نباشند نسبت به اعمال ناشی از اجرای وظائف خود مصونیت داشته و از پرداخت مالیات و عوارض بابت مزدی که در قبال انجام کار دریافت می‌دارند معاف می‌باشند و همچنین از معافیت مذکور در

ماده ۳۳ استفاده خواهند نمود.

۴- خدمتکاران شخصی اعضاء مأموریت که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نیستند از پرداخت مالیات و عوارض بابت حقوق یکه در قبال انجام وظیفه دریافت می‌دارند معاف خواهند بود. استفاده آنان از مزایا و مصونیت‌های دیگر فقط در حدودی که مورد قبول کشور پذیرنده باشد خواهد بود. معهدا کشور پذیرنده نباید حق حاکمیت خود را در مورد این اشخاص طوری اعمال نماید که بنحو بی تناسبی مانع انجام وظایف مأموریت گردد.

#### ماده سی و هشت

۱- مأمور سیاسی که تبعه کشور پذیرنده و یا مقیم دائم آن کشور می‌باشند فقط در مورد اعمال رسمی مربوط به وظائف خود از مصونیت قضایی و مصونیت از تعرض بهره‌مند خواهند بود مگر آنکه کشور پذیرنده مزایا و مصونیت‌های بیشتری به او اعطاء کرده باشد.

۲- سایر کارمندان مأموریت و خدمتکاران شخصی که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور می‌باشند فقط تا حدودی که مورد قبول کشور پذیرنده باشد از مزایا و مصونیت‌ها برخوردار خواهند بود. معهدا کشور پذیرنده نباید حق حاکمیت خود را در مورد این اشخاص طوری اعمال نماید که بنحو بی تناسبی مانع انجام وظایف مأموریت گردد.

#### ماده سی و نه

۱- اشخاصی که در استفاده از مصونیت‌ها و مزایا ذیحق می‌باشند بمجرد ورود به قلمرو کشور پذیرنده برای تصدی مأموریت خود از این مصونیت‌ها و مزایا بهره‌مند میشوند و اگر قبلا در قلمرو آن کشور باشند استفاده از این مزایا و مصونیت‌ها از تاریخی است که انتصاب آنها بوزارت امور خارجه یا هر وزارتخانه دیگر کشور پذیرنده که مقرر است اعلام گردد.

۲- وقتی که مأموریت شخص بهره‌مند از مزایا و مصونیت‌ها خاتمه یابد این مزایا و

مصونیتها معمولاً در موقع ترک خاک کشور پذیرنده یا در انقضای موعد مناسبی که برای انجام این منظور بوی اعطا می‌شود قطع می‌گردد. لیکن این مزایا و مصونیتها حتی در صورت وجود اختلاف مسلحانه تا این مواعد ادامه خواهد داشت.

معهداً مصونیت نسبت به اعمالی که شخص بهره‌مند در اجرای وظایف خود بسمت عضو مأموریت انجام داده باقی است.

در صورت فوت یکی از اعضاء مأموریت - اعضاء خانواده او از مزایا و مصونیتها تا انقضای مهلت مناسبی که برای ترک کشور پذیرنده به آنها اعطا می‌گردد کمافی السابق بهره‌مند خواهد بود.

۴- در صورت فوت یک عضو مأموریت که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم در آن کشور نمی‌باشد و یا در صورت فوت یکی از بستگان او که اهل خانه او هستند - کشور پذیرنده خروج اموال منقول متوفی را اجازه می‌دهد به استثنای اموالی که در کشور پذیرنده تحصیل شده و در موقع فوت ممنوع الصدور باشد. از اموال منقول که وجود آن در کشور پذیرنده صرفاً بسبب حضور متوفی در آنجا بسمت عضو مأموریت یا یکی از بستگان عضو مأموریت بوده مالیات بر ارث اخذ نمی‌گردد.

### ماده چهل

۱- موقعی که مأمور سیاسی بقصد عزیمت یا بازگشت به محل مأموریت و یا برای مراجعت به وطن از خاک کشور ثالثی که در صورت لزوم روادید صادر نموده عبور می‌کند یا در آنجا حضور دارد کشور ثالث او را از تعرض مصون داشته و مشمول کلیه مصونیتهایی که برای عبور یا بازگشت وی ضرورت دارد خواهد نمود. همین مقررات از طرف کشور ثالث در مورد اعضاء خانواده مأمور که از مزایا و مصونیتها بهره‌مندند و همراه مأمور سیاسی یا جداگانه برای پیوستن به او با مراجعت به وطن مسافرت می‌کنند اعمال خواهد شد.

۲- کشورهای ثالث نباید در شرایط مشابه به آنچه در بند اول این ماده مقرر است عبور کارمندان اداری و فنی با خدمه مأموریت و افراد خانواده آنها را از قلمرو خود دچار اشکال سازد.

۳- کشورهای ثالث نسبت به مکاتبات و سایر وسایل ارتباطی رسمی از جمله پیامهای کد و رمز که از خاک آنها می‌گذرد همان آزادی و حمایتی را اعطاء خواهند کرد که کشور پذیرنده در این باره مرعی می‌دارد. نسبت به پیک‌های سیاسی که در صورت لزوم روایت تحصیل کرده‌اند و نیز نسبت به کیسه‌های سیاسی عبوری همان مصونیت از تعرض و حمایتی را که کشور پذیرنده ملزم برعایت است اعطاء خواهد کرد.

۴- تکالیف کشورهای ثالث بر طبق بندهای ۱ و ۲ و ۳ این ماده نسبت به اشخاص مذکور در این بندها و وسایل ارتباطیه رسمی و کیسه‌های سیاسی نیز که بعلت «فورس ماژور» در قلمرو کشور ثالث می‌باشد مجزا خواهد بود.

### مادهٔ چهل و یک

۱- کلیه اشخاصی که از مزایا و مصونیتها بهره‌مند می‌باشند بدون آنکه به مزایا و مصونیتهای آنان لطمه‌ای وارد آید مکلفند قوانین و مقررات کشور پذیرنده را محترم شمرده و از مداخله در امور داخلی آن کشور خودداری نمایند.

۲- کلیه امور رسمی که برای اقدام و مذاکره با کشور پذیرنده از طرف کشور فرستنده بعهده مأموریت گذاشته شده باید از طریق وزارت امور خارجه کشور پذیرنده یا بوسیله آن و یا هر وزارتخانه دیگری که مقرر است انجام گیرد.

۳- اماکن مأموریت طوری مورد استفاده قرار نخواهد گرفت که با وظایف مأموریت مندرج در این قرارداد یا در سایر قواعد حقوق بین‌الملل عمومی و یا در قراردادهای معتبر بین کشور فرستنده و کشور پذیرنده مغایر باشد.

### مادهٔ چهل و دو

مأمور سیاسی در کشور پذیرنده فعالیت حرفه‌ای یا تجارتي بقصد انتفاع شخصی نخواهد داشت.

### مادهٔ چهل و سه

مأموریت مأمور سیاسی از جمله در موارد زیر پایان می‌پذیرد:

الف - در موقعیکه کشور فرستنده خاتمه مأموریت مأمور سیاسی را بکشور پذیرنده اطلاع دهد.

ب - وقتی که کشور پذیرنده طبق بند ۲ از مادهٔ ۹ به کشور فرستنده اطلاع می‌دهد که از شناختن مأمور سیاسی بعنوان عضو مأموریت خودداری می‌کند.

### مادهٔ چهل و چهارم

کشور پذیرنده وظیفه دارد حتی در صورت وجود اختلاف مسلحانه تسهیلات لازم را فراهم آورد تا اشخاص بهره‌مند از مزایا و مصونیتها بجز اتباع خود و نیز افراد خانواده آنها بدون توجه بتابعیت آنها بتوانند در اولیه فرصت خاک کشور را ترک گویند. کشور مزبور بخصوص باید در صورت احتیاج وسایل نقلیه مورد لزوم را برای خود و اموالشان در اختیار آنان بگذارد.

### مادهٔ چهل و پنجم

در صورت قطع روابط سیاسی بین دو کشور و یا زمانی که مأموریت بطور قطعی یا موقتی خاتمه یافته است.

الف - کشور پذیرنده موظف است حتی در صورت وجود اختلاف مسلحانه اماکن مأموریت و هم چنین اموال و بایگانی آن را محترم شمرده و حمایت نماید.

ب - کشور فرستنده می‌تواند حفاظت اماکن مأموریت را با اموالی که در آن قرار دارد و هم چنین حفاظت بایگانی آنرا به کشور ثالثی که مورد قبول کشور پذیرنده باشد واگذار نماید.

ج - کشور فرستنده می‌تواند حفظ منافع خود و منافع اتباع خود را به کشور ثالثی که مورد قبول کشور پذیرنده باشد واگذار نماید.

### مادهٔ چهل و شش

کشور فرستنده می‌تواند با جلب رضایت قبلی کشور پذیرنده و بنابه درخواست کشور ثالثی که در کشور اخیر نمایندگی ندارد موقتاً عهده دار حفظ منافع کشور ثالث و اتباع آن گردد.

### مادهٔ چهل و هفت

۱- کشور پذیرنده در اجرای مقررات این قرارداد تبعیض بین کشورها قائل نخواهد شد.

۲- معهدنا مواد زیر تبعیض تلقی نخواهد شد:

الف - اینکه کشور پذیرنده یکی از مقررات این قرارداد را بعلت آنکه در خاک کشور فرستنده نسبت به مأموریت او در این مورد محدودیت قائل شده‌اند بطور محدود اجرا کند.

ب - اینکه کشورهایی بنا بر عرف و عادت و یا از طریق معاهده مزایایی مناسب‌تر از آنچه مقررات این قرارداد پیش‌بینی کرد متقابلاً به یکدیگر اعطا نمایند.

### مادهٔ چهل و هشت

این قرارداد برای امضای کلیه دول عضو سازمان ملل متحد یا یک سازمان تخصصی و نیز هر کشور پیوسته به اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و هر کشور دیگر یکه باین منظور

از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت گردد بطریق زیر مفتوح خواهد بود.  
تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۱ در وزارت امور خارجه دولت فدرال اتریش و از آن پس تا ۳۱ مارس ۱۹۶۲  
در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک.

### مادهٔ چهل و نه

این قرارداد به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب به دبیر کل سازمان ملل متحد  
تسلیم نمود.

### مادهٔ پنجاه

این قرارداد برای الحاق هر کشوری که جزو یکی از چهار طبقه مذکور در مادهٔ ۴۸ باشد  
مفتوح خواهد بود. اسناد الحاق به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

### مادهٔ پنجاه و یک

۱- این قرارداد سی روز پس از تاریخ تسلیم بیست و دومین سند تصویب یا الحاق به  
دبیر کل سازمان ملل متحد لازم الاجراء خواهد شد.  
۲- این قرارداد در مورد هریک از کشورهایی که آن را پس از تسلیم بیست و دومین سند  
تصویب یا الحاق تصویب نمایند یا بدان ملحق شوند سی روز پس از تسلیم سند تصویب یا  
الحاق آن کشور لازم الاجراء خواهد شد.

### مادهٔ پنجاه و دو

دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به اطلاع تمام کشورهای بیست و دومین سند  
طبقه مذکور در مادهٔ ۴۸ باشند خواهد رساند.

الف - امضاء این قرارداد از طرف کشورها و تسلیم اسناد تصویب یا الحاق طبق مفاد مواد ۴۸ و ۴۹ و ۵۰.

ب - تاریخی که این قرارداد بموجب ماده ۵۱ لازم الاجراء می شود.

### ماده پنجاه و سه

نسخه اصلی این قرارداد که متن های انگلیسی - چینی - اسپانیایی - فرانسه و روسی آن متساویاً معتبر می باشند به دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد دبیر کل رونوشت های گواهی شده و مطابق با اصل آنرا به تمام دول مشمول یکی از چهار طبقه مذکور در ماده ۴۸ تسلیم می نماید.

بنا به مراتب نمایندگان تام الاختیار امضاء کننده زیر که از طرف کشورهای متبوع خود حقاً مجاز می باشند این قرارداد را امضاء کرده اند.

وین - هیجدهم آوریل یکهزار و نهصد و شصت و یک

محل امضاء نماینده تام الاختیار دولت شاهنشاهی ایران

دکتر احمد متین دفتری

## قرارداد وین درباره روابط سیاسی

### پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت

دول طرف تعهد این پروتکل و قرارداد وین درباره روابط سیاسی مصوب کنفرانس ملل متحد منعقد در وین از دوم مارس تا چهاردهم آوریل ۱۹۶۱ که از این پس «قرارداد» نامیده خواهد شد. با اظهار تمایل نسبت به برقراری اصول مربوط به تحصیل تابعیت از طرف اعضاء مأموریت های سیاسی خود و بستگان آنها که اهل خانه او هستند.

درباره مقررات زیر توافق نمودند:

### ماده اول

از لحاظ این پروتکل اصطلاح «اعضاء مأموریت» همان مفهوم بند ب از ماده اول «قرارداد» را دارد یعنی شامل «رئیس مأموریت و کارمندان مأموریت» خواهند بود.

### ماده دوم

اعضاء مأموریت که تابعیت کشور پذیرنده را ندارند و بستگان آنها که از اهل خانه آنها می‌باشند تابعیت کشور پذیرنده را صرفاً بسبب مقررات قانونی آن کشور بدست نخواهند آورد.

### ماده سوم

این پروتکل برای امضا کلیه کشورهایایی که به «قرارداد» می‌پیوندند بطریق زیر مفتوح خواهد بود:

تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۱ در وزارت امور خارجه دولت فدرال اتریش و پس از آن تا ۳۱ مارس ۱۹۶۲ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک.

### ماده چهارم

این پروتکل به تصویب خواهد رسید و اسناد و تصویب آن به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

### ماده پنجم

این پروتکل برای الحاق کلیه کشورهایایی که به «قرارداد» می‌پیوندند مفتوح خواهد بود. اسناد الحاق به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

### ماده ششم

۱- این پروتکل از روزی که «قرارداد» لازم الاجرا می‌شود یا سی روز پس از تسلیم دومین سند تصویب یا الحاق به پروتکل به دبیر کل سازمان ملل متحد هر کدام مؤخر باشد لازم الاجرا خواهد بود.

۲- برای کشوری که این پروتکل را بعد از لازم الاجرا شدن طبق بند ۱ این ماده تصویب نماید یا بدان ملحق گردد پروتکل سی روز بعد از تاریخ تسلیم تصویب با الحاق لازم الاجرا می‌شود.

### ماده هفتم

دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب زیر را با اطلاع کشورهای که ممکن است به قرارداد به پیوندند خواهد رسانید:

الف - امضاء این پروتکل از طرف کشورها و تسلیم اسناد تصویب یا الحاق طبق مواد ۳ و ۴ و ۵.

ب - تاریخی که این پروتکل طبق ماده شش لازم الاجرا می‌شود.

### ماده هشتم

نسخه اصلی این پروتکل که متن‌های انگلیسی چینی اسپانیایی فرانسه و روسی آن متساوياً معتبر می‌باشد به دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد و دبیر کل رونوشت‌های مطابق با اصل و گواهی شده‌ای برای کلیه کشورهای مذکور در ماده ۳ ارسال خواهد داشت.

علیهذا نمایندگان تام‌الاختیار امضاء کننده زیر که از طرف کشورهای متبوع خود حقاً مجاز می‌باشند این پروتکل را امضاء نمودند.

وین هیجدهم آوریل یکهزار و نهصد و شصت و یک.

محل امضاء نماینده تام‌الاختیار دولت شاهنشاهی ایران

دکتر احمد متین دفتری

## قرارداد وین درباره روابط سیاسی پروتکل اختیار مربوط به حل اجباری اختلافات

دول طرف تعهد این پروتکل و قرارداد وین درباره روابط سیاسی مصوب کنفرانس سازمان ملل متحد منعقد در وین از دوم مارس تا چهارم آوریل ۱۹۶۱ که از این پس قرارداد نامیده خواهد شد.

با اظهار تمایل به توسل به قضاوت اجباری دیوان دادگستری بین المللی تا آنجا که به آنها مربوط است برای حل کلیه اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای «قرارداد» مگر آنکه در مهلت معقول راه حل دیگری مورد توافق مشترک قرار گرفته باشد نسبت به مقررات زیر توافق نمودند:

### ماده اول

اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای «قرارداد» در صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری می باشد هر کشور طرف اختلاف و امضاء کننده این پروتکل می تواند بوسیله دادخواست اختلاف را در دیوان طرح نماید.

### ماده دوم

طرفین می توانند ظرف دو ماه بعد از اعلام وجود اختلاف به یکدیگر با توافق مشترک بجای دیوان دادگستری بین المللی موضوع را به یک محکمه داورى ارجاع نمایند، در خاتمه این مهلت هریک از طرفین می توانند اختلاف را ضمن دادخواستی در دیوان طرح کنند.

### ماده سوم

۱- طرفین همچنین می توانند در عرض همان دو ماه مهلت مشترکاً توافق کنند که قبل از

رجوع به دیوان دادگستری بین المللی متوسط به سازش گردند.

۲- کمیسیون سازش تا پنج ماه پس از تاریخ تشکیل باید توصیه‌های خود را تسلیم نماید. اگر توصیه‌های مزبور در عرض دو ماه از تاریخ اعلام مورد قبول طرفهای اختلاف قرار نگیرد هریک از طرفین می‌تواند موضوع مورد اختلاف را ضمن تسلیم دادخواستی در دیوان طرح نماید.

#### ماده چهارم

دولتهای طرف تعهد «قرارداد» و پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت و پروتکل حاضر می‌تواند اعلام دارند که مقررات این پروتکل شامل اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت نیز خواهد شد اعلامیه‌های مربوط به این موضوع به اطلاع دبیر کل سازمان ملل متحد خواهد رسید.

#### ماده پنجم

این پروتکل برای امضای کلیه دولتهای عاقد قرارداد وین بطریق زیر مفتوح خواهد بود: تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۱ در وزارت امور خارجه دولت فدرال اتریش و پس از آن تا ۳۱ مارس ۱۹۶۲ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک.

#### ماده ششم

این پروتکل به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

### ماده هفتم

این پروتکل برای الحاق کلیه کشورهای که به قرارداد وین بیونندند مفتوح خواهد بود. اسناد الحاق بدبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

### ماده هشتم

۱- این پروتکل از روزی که «قرارداد» لازم الاجرا می‌شود یا سی روز پس از تسلیم دومین سند تصویب یا الحاق به پروتکل به دبیر کل سازمان ملل متحد - هرکدام مؤخر باشد لازم الاجرا خواهد بود.

۲- برای کشوری که این پروتکل را بعد از لازم الاجرا شدن طبق بند ۱ این ماده تصویب نماید یا بدان ملحق گردد پروتکل سی روز بعد از تاریخ تسلیم سند تصویب یا الحاق لازم الاجرا می‌شود.

### ماده نهم

دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به اطلاع دولتهایی که ممکن است به «قرارداد» بیونندند خواهد رسانید.

الف - امضاء این پروتکل از طرف کشورها و تسلیم اسناد تصویب یا الحاق بر طبق مواد ۵ و ۶ و ۷.

ب - اعلامیه‌هایی که طبق ماده ۴ این پروتکل صادر می‌گردد.

ج - تاریخی که این پروتکل طبق ماده هشتم لازم الاجرا می‌شود.

### ماده دهم

نسخه اصلی این پروتکل که متن‌های انگلیسی، چینی، اسپانیایی، فرانسه و روسی آن

متساویاً معتبر می‌باشد به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد و دبیرکل رونوشت‌های مطابق با اصل گواهی شده‌ای برای کلیه کشورهای مذکور در ماده ۵ خواهد فرستاد.

بنا به مراتب نمایندگان تام‌الاختیار امضاء کننده زیر که از طرف کشورهای متبوع خود حقاً مجاز می‌باشند این پروتکل را امضاء نمودند.  
وین هیجدهم آوریل یکهزار و نهصد و شصت و یک.

محل امضاء نماینده تام‌الاختیار دولت شاهنشاهی ایران

دکتر احمد متین دفتری

قرارداد فوق مشتمل بر پنجاه و سه ماده و دو پروتکل اختیاری ضمیمه قانون مربوط به قرارداد وین درباره روابط سیاسی می‌باشد.

نایب رئیس مجلس شورای ملی - دکتر خطیبی

رونوشت برابر اصل است.

# پیوست شماره ۴

متن انگلیسی

کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک

(۱۸ آوریل ۱۹۶۱)

تاریخ اعتبار ۲۴ آوریل ۱۹۶۲

(تاریخ اعتبار در مورد دولت ایران ۵ مارس ۱۹۶۷)



### **The States Parties to the present Convention**

*Recalling* that peoples of all nations from ancient times have recognised the status of diplomatic agents,

*Having in mind* the purposes and principles of the Charter of the United Nations concerning the sovereign equality of States, the maintenance of international peace and security, and the promotion of friendly relations among nations,

*Believing* that an international convention on diplomatic intercourse, privileges and immunities would contribute to the development of friendly relations among nations, irrespective of their differing constitutional and social systems,

*Realizing* that the purpose of such privileges and immunities is not to benefit individuals but to ensure the efficient performance of the functions of diplomatic missions as representing States,

*Affirming* that the rules of customary international law should continue to govern questions not expressly regulated by the provisions of the present Convention,

*Have agreed* as follows:

#### **Article 1**

For the purpose of the present Convention, the following expressions shall have the meanings hereunder assigned to them:

(a) the "head of the mission" is the person charged by the sending State with the duty of acting in that capacity;

(b) the "members of the mission" are the head of the mission and the members of

the staff of the mission;

(c) the "members of the staff of the mission" are the members of the diplomatic staff, of the administrative and technical staff and of the service staff of the mission;

(d) the "members of the diplomatic staff" are the members of the staff of the mission having diplomatic rank;

(e) a "diplomatic agent" is the head of the mission or a member of the diplomatic staff of the mission;

(f) the "members of the diplomatic staff" are the members of the staff of the mission employed in the administrative and technical service of the mission;

(g) the "members of the service staff" are the members of the staff of the mission in the domestic service of the mission;

(h) a "private servant" is a person who is in the domestic service of a member of the mission and who is not an employee of the sending State;

(i) the "premises of the mission" are the buildings or parts of buildings and the land ancillary thereto, irrespective of ownership, used for the purpose of the mission including the residence of the head of the mission.

## **Article 2**

The establishment of diplomatic relations between States, and of permanent diplomatic missions, takes place by mutual consent.

### Article 3

1. The functions of a diplomatic mission consist *inter alia* in:

(a) representing the sending State in the receiving State;

(b) protecting in the receiving State the interests of the sending State and of its nationals, within the limits permitted by international law;

(c) negotiating with the Government of the receiving State;

(d) ascertaining by all lawful means conditions and developments in the receiving State, and reporting thereon to the Government of the sending State;

(e) promoting friendly relations between the sending State and the receiving State, and developing their economic, cultural and scientific relations.

2. Nothing in the present Convention shall be construed as preventing the performance of consular functions by a diplomatic mission.

### Article 4

1. The sending State must make certain that the agreement of the receiving State has been given for the person it proposes to accredit as head of the mission to that State.

2. The receiving State is not obliged to give reasons to the sending State for a refusal of agreement.

### Article 5

1. The sending State may, after it has given due notification to the receiving States

concerned, accredit a head of mission or assign any member of the diplomatic staff, as the case may be, to more than one State, unless there is express objection by any of the receiving States.

2. If the sending State accredits a head of mission to one or more other States it may establish a diplomatic mission headed by a *charge d' affaires ad interim* in each State where the head of mission has not his permanent seat.

3. A head of mission or any member of the diplomatic staff of the mission may act as representative of the sending State to any international organization.

### **Article 6**

Two or more States may accredit the same person as head of mission to another State, unless objection is offered by the receiving State.

### **Article 7**

Subject to the provisions of Articles 5, 8, 9 and 11, the sending State may freely appoint the members of the staff of the mission. In the case of military, naval or air attaches, the receiving State may require their names to be submitted beforehand, for its approval.

### **Article 8**

1. Members of the diplomatic staff of the mission should in principle be of the nationality of the sending State.

2. Members of the diplomatic staff of the mission may not be appointed from among persons having the nationality of the receiving State, except with the consent of that State which may be withdrawn at any time.

3. The receiving State may reserve the same right with regard to nationals of a third State who are not also nationals of the sending State.

### Article 9

1. The receiving State may at any time and without having to explain its decision, notify the sending State that the head of the mission or any member of the diplomatic staff of the mission is *persona non grata* or that any other member of the staff of the mission is not acceptable. In any such case, the sending State shall, as appropriate, either recall the person concerned or terminate his functions with the mission. A person may be declared *non grata* or not acceptable before arriving in the territory of the receiving State.

2. If the sending State refuses or fails within a reasonable period to carry out its obligations under paragraph 1 of this Article, the receiving State may refuse to recognise the person concerned as a member of the Mission.

### Article 10

1. The Ministry of Foreign Affairs of the receiving State or such other ministry as may be agreed, shall be notified of:

(a) the appointment of members of the mission, their arrival and their final

departure or the termination of their functions with the mission;

(b) the arrival and final departure of a person belonging to the family of a member of the mission and, where appropriate, the fact that a person becomes or ceases to be a member of the family of a member of the mission;

(c) the arrival and final departure of private servants in the employ of persons referred to in sub-paragraph (a) of this paragraph and, where appropriate, the fact that they are leaving the employ of such persons;

(d) the engagement and discharge of persons resident in the receiving State as members of the mission or private servants entitled to privileges and immunities.

2. Where possible, prior notification of arrival and final departure shall also be given.

### **Article 11**

1. In the absence of specific agreement as to the size of the mission, the receiving State may require that the size of a mission be kept within limits considered by it to be reasonable and normal, having regard to circumstances and conditions in the receiving State and to the needs of the particular mission.

2. The receiving state may equally, within similar bounds and on a non-discriminatory basis, refuse to accept officials of a particular category.

### **Article 12**

The sending State may not, without the prior express consent of the receiving State, establish offices forming part of the mission in localities other than those in which the

mission itself is established.

### Article 13

1. The head of the mission is considered as having taken up his functions in the receiving State either when he has presented his credentials or when he has notified his arrival and a true copy of his credentials has been presented to the Ministry for Foreign Affairs of the receiving State, or such other ministry as may be agreed, in accordance with the practice prevailing in the receiving State which shall be applied in a uniform manner.

2. The order of presentation of credentials or of a true copy thereof will be determined by the date and time of the arrival of the head of the mission.

### Article 14

1. Heads of mission are divided into 3 classes, namely:

(a) that of ambassadors or nuncios accredited to Heads of State, and other heads of mission of equivalent rank;

(b) that of envoys, ministers and internuncios accredited to Heads of state;

(c) that of *charge d' affaires* accredited to Ministers for Foreign Affairs.

2. Except as concerns precedence and etiquette, there shall be no differentiation between heads of mission by reason of their class.

---

---

### **Article 15**

The class to which the Heads of their missions are to be assigned shall be agreed between States.

### **Article 16**

1. Heads of mission shall take precedence in their respective classes in the order of the date and time of taking up their functions in accordance with Article 13.

2. Alternations in the credentials of a head of mission not involving any change of class shall not affect his precedence.

3. This article is without prejudice to any practice accepted by the receiving State regarding the precedence of the representative of the Holy See.

### **Article 17**

The precedence of the members of the diplomatic staff of the mission shall be notified by the head of the mission to the Ministry for Foreign Affairs or such other ministry as may be agreed.

### **Article 18**

The procedure to be observed in each State for the reception of heads of mission shall be uniform in respect of each class.

### Article 19

1. If the post of head of the mission is vacant, or if the head of the mission is unable to perform his functions a *charge d' affaires ad interim* shall act provisionally as head of the mission. The name of the *charge d' affaires ad interim* shall be notified, either by the head of the mission or, in case he is unable to do so, by the Ministry for Foreign Affairs of the sending State to the Ministry for Foreign Affairs of the receiving State or such other ministry as may be agreed.

2. In cases where no member of the diplomatic staff of the mission is presented in the receiving State, a member of the administrative and technical staff may, with the consent of the receiving State, be designated by the sending State to be in charge of the current administrative affairs of the mission.

### Article 20

The mission and its head shall have the right to use the flag and emblem of the sending State on the premises of the mission, including the residence of the head of the mission and on his means of transport.

### Article 21

1. The receiving State shall either facilitate the acquisition on its territory, in accordance with its laws, by the sending State of premises necessary for its mission or assist the latter in obtaining accommodation in some other way.

2. It shall also, where necessary, assist missions in obtaining suitable accommodation for their members.

**Article 22**

1. The premises of the mission shall be inviolable. The Agents of the receiving State may not enter them except with the consent of the head of the mission.

2. The receiving State is under a special duty to take all appropriate steps to protect the premises of the mission against any intrusion or damage and to prevent any disturbance of the peace of the mission or impairment of its dignity.

3. The premises of the mission, their furnishings and other property thereon and the means of transport of the mission shall be immune from search, requisition, attachment or execution.

**Article 23**

1. The sending State and the head of the mission shall be exempt from all national, regional or municipal dues and taxes in respect of the premises of the mission, whether owned or leased, other than such as represent payment for specific services rendered.

2. The exemption from taxation referred to in this article shall not apply to such dues and taxes payable under the law of the receiving State by persons contracting with the sending State or the head of the mission.

**Article 24**

The archives and documents of the mission shall be inviolable at any time and wherever they may be.

**Article 25**

The receiving State shall accord full facilities for the performance of the functions of the mission.

**Article 26**

Subject to its laws and regulations concerning zones entry into which is prohibited or regulated for reasons of national security, the receiving State shall ensure to all members of the mission freedom of movement and travel in its territory.

**Article 27**

1. The receiving State shall permit and protect free communication on the part of the mission for all official purposes. In communicating with the Government and the other missions and consulates of the sending State, wherever situated, the mission may employ all appropriate means, including diplomatic courier's and messages in code or cipher. However, the mission may install and use a wireless transmitter only with the consent of the receiving State.

2. The official correspondence of the mission shall be inviolable. Official correspondence means all correspondence relating to the mission and its functions.

3. The diplomatic bag shall not be opened or detained.

4. The packages constituting the diplomatic bag must bear visible external marks of their character and may contain only diplomatic documents or articles intended for official use.

5. The diplomatic courier, who shall be provided with an official document indicating his status and the number of packages constituting the diplomatic bag, shall be protected by the receiving state in the performance of his functions. He shall enjoy personal inviolability and shall not be liable to any form of arrest or detention.

6. The sending State or the mission may designate diplomatic couriers *ad hoc*. In such cases the provisions of paragraph 5 of this article shall also apply, except that the immunities therein mentioned shall cease to apply when such a courier has delivered to the consignee the diplomatic bag in his charge.

7. A diplomatic bag may be entrusted to the captain of a commercial aircraft scheduled to land at an authorized port of entry. He shall be provided with an official document indicating the number of packages constituting the bag but he shall not be considered to be a diplomatic courier. The mission may send one of its members to take possession of the diplomatic bag directly and freely from the captain of the aircraft.

### **Article 28**

The fees and charges levied by the mission in the course of its official duties shall be exempt from all dues and taxes.

### **Article 29**

The person of a diplomatic agent shall be inviolable. He shall not be liable to any form of arrest or detention. The receiving State shall treat him with due respect and shall take all appropriate steps to prevent any attack on his person, freedom or dignity.

**Article 30**

1. The private residence of a diplomatic agent shall enjoy the same inviolability and protection as the premises of the mission.

2. His papers, correspondence and, except as provided in paragraph 3 of Article 31 his property, shall likewise enjoy inviolability.

**Article 31**

1. A diplomatic agent shall enjoy immunity from the criminal jurisdiction of the receiving State. He shall also enjoy immunity from its civil and administrative jurisdiction, except in the case of:

(a) a real action relating to private immovable property situated in the territory of the receiving state, unless he holds it on behalf of the sending State for the purposes of the mission;

(b) an action relating to succession in which the diplomatic agent is involved as executor, administrator, heir or legatee as a private person and not on behalf of the sending State;

(c) an action relating to any professional or commercial activity exercised by the diplomatic agent in the receiving State outside his official functions.

2. A diplomatic agent is not obliged to give evidence as a witness.

3. No measures of execution may be taken in respect of a diplomatic agent except in the cases coming under sub- paragraphs (a), (b) and (c) of paragraph 1 of this Article, and provided that the measures concerned can be taken without infringing the

inviolability of his person or of his residence.

4. The immunity of a diplomatic agent from the jurisdiction of the receiving State does not exempt him from the jurisdiction of the sending State.

### Article 32

1. The immunity from jurisdiction of diplomatic agents and of persons enjoying immunity under Article 37 may be waived by the sending State.

2. Waiver must always be express.

3. The initiation of proceedings by a diplomatic agent or by a person enjoying immunity from jurisdiction under Article 37 shall preclude him from invoking immunity from jurisdiction in respect of any counterclaim directly connected with the principal claim.

4. Waiver of immunity from jurisdiction in respect of civil or administrative proceedings shall not be held to imply waiver of immunity in respect of the execution of the judgment, for which a separate waiver shall be necessary.

### Article 33

1. Subject to the provisions of paragraph 3 of this Article, a diplomatic agent shall with respect to services rendered for the sending State be exempt from social security provisions which may be in force in the receiving State.

2. The exemption provided for in paragraph 1 of this Article shall also apply to private servants who are in the sole employ of a diplomatic agent, on condition:

(a) that they are not nationals of or permanently resident in the receiving State; and  
(b) that they are covered by the social security provisions which may be in force in the sending state or a third State.

3. A diplomatic agent who employs persons to whom the exemption provided for in paragraph 2 of this Article does not apply shall observe the obligations which the social security provisions of the receiving State impose upon employers.

4. The exemption provided for in paragraph 1 and 2 of this Article shall not preclude voluntary participation in the social security system of the receiving State provided that such participation is permitted by that State.

5. The provisions of this Article shall not affect bilateral or multilateral agreements concerning social security concluded previously and shall not prevent the conclusion of such agreements in the future.

### **Article 34**

A diplomatic agent shall be exempt from all dues and taxes, personal or real, national, regional or municipal, except:

(a) indirect taxes of a kind which are normally incorporated in the price of goods or services;

(b) dues and taxes on private immovable property situated in the territory of the receiving State, unless he holds it on behalf of the sending State for the purposes of the mission;

(c) estate, succession or inheritance duties levied by the receiving State, subject to

the provisions of paragraph 4 of Article 39;

(d) dues and taxes on private income having its source in the receiving State and capital taxes on investments made in commercial undertakings in the receiving State;

(e) charges levied for specific services rendered;

(f) registration, court or record fees, mortgage dues and stamp duty, with respect to immovable property, subject to the provisions of Article 23.

### **Article 35**

The receiving State shall exempt diplomatic agents from all personal services, from all public service of any kind whatsoever, and from military obligations such as those connected with requisitioning, military contributions and billeting.

### **Article 36**

1. The receiving State shall, in accordance with such laws and regulations as it may adopt, permit entry of and grant exemption from all customs duties, taxes, and related charges other than charges for storage, cartage and similar services, on:

(a) articles for the official use of the mission;

(b) articles for the personal use of a diplomatic agent or members of his family forming part of his household, including articles intended for his establishment.

2. The personal baggage of a diplomatic agent shall be exempt from inspection, unless there are serious grounds for presuming that it contains articles not covered by the exemptions mentioned in paragraph 1 of this Article, or articles the import or export of

which is prohibited by the law or controlled by the quarantine regulations of the receiving State, such inspection shall be conducted only in the presence of the diplomatic agent or of his authorized representative.

### Article 37

1. The members of the family of a diplomatic agent forming part of his household shall, if they are not nationals of the receiving State enjoy the privileges and immunities specified in Articles 29 to 36.

2. Members of the administrative and technical staff of the mission, together with members of their families forming part of their respective households, shall, if they are not nationals of or permanently resident in the receiving State enjoy the privileges and immunities specified in Articles 29 to 35, except that the immunity from civil and administrative jurisdiction of the receiving State specified in paragraph 1 of Article 31 shall not extend to acts performed outside the course of their duties. They shall also enjoy the privileges specified in Article 36, paragraph 1, in respect of articles imported at the time of first installation.

3. Members of the service staff of the mission who are not nationals of or permanently resident in the receiving State shall enjoy immunity in respect of acts performed in the course of their duties, exemption from dues and taxes on the emoluments they receive by reason of their employment and the exemption contained in Article 33.

4. Private servants of members of the mission shall, if they are not nationals of or

permanently resident in the receiving State, be exempt from dues and taxes on the emoluments they receive by reason of their employment. In other respects, they may enjoy privileges and immunities only to the extent admitted by the receiving State. However, the receiving State must exercise its jurisdiction over those persons in such a manner as not to interfere unduly with the performance of the functions of the mission.

### **Article 38**

1. Except in so far as additional privileges and immunities may be granted by the receiving State, a diplomatic agent who is a national of or permanently resident in that State shall enjoy only immunity from jurisdiction, and inviolability, in respect of official acts performed in the exercise of his functions.

2. Other members of the staff of the mission and private servants who are nationals of or permanently resident in the receiving State shall enjoy privileges and immunities only to the extent admitted by the receiving State. However, the receiving State must exercise its jurisdiction over those persons in such a manner as not to interfere unduly with the performance of the functions of the missions.

### **Article 39**

1. Every person entitled to privileges and immunities shall enjoy them from the moment he enters the territory of the receiving State on proceeding to take up his post or, if already in its territory, from the moment when his appointment is notified to the Ministry for Foreign Affairs or such other ministry as may be agreed.

2. When the functions of a person enjoying privileges and immunities have come to an end, such privileges and immunities shall normally cease at the moment when he leaves the country, or on expiry of a reasonable period in which to do so, but shall subsist until that time, even in case of armed conflict. However, with respect to acts performed by such a person in the exercise of his functions as a member of the mission, immunity shall continue to subsist.

3. In case of the death of a member of the mission, the members of his family shall continue to enjoy the privileges and immunities to which they are entitled until the expiry of a reasonable period in which to leave the country.

4. In the event of the death of a member of the mission not a national of or permanently resident in the receiving State or a member of his family forming part of his household, the receiving State shall permit the withdrawal of the movable property of the movable property of the deceased, with the exception of any property acquired in the country the export of which was prohibited at the time of his death. Estate, succession and inheritance duties shall not be levied on movable property the presence of which in the receiving State was due solely to the presence there of the deceased as a member of the mission or as a member of the family of a member of the mission.

#### **Article 40**

1. If a diplomatic agent passes through or is in the territory of a third State, which has granted him a passport visa if such visa was necessary, while proceeding to take up or to return to his post, or when returning to his own country, the third State shall

accord him inviolability and such other immunities as may be required to ensure his transit or return. The same shall apply in the case of any members of his family enjoying privileges or immunities who are accompanying the diplomatic agent, or travelling separately to join him or to return to their country.

2. In circumstances similar to those specified in paragraph 1 of this Article, third States shall not hinder the passage of members of the administrative and technical or service staff of a mission, and of members of their families, through their territories.

3. Third States shall accord to official correspondence and other official communications in transit, including messages in code or cipher, the same freedom and protection as is accorded by the receiving State. They shall accord to diplomatic couriers, who have been granted a passport visa if such visa was necessary, and diplomatic bags in transit the same inviolability and protection as the receiving State is bound to accord.

4. The obligations of third States under paragraphs 1, 2 and 3 of this Article shall also apply to the persons mentioned respectively in those paragraphs, and to official communications and diplomatic bags, whose presence in the territory of the third State is due to *force majeure*.

#### **Article 41**

1. Without prejudice to their privileges and immunities, it is the duty of all persons enjoying such privileges and immunities to respect the laws and regulations of the receiving State. They also have a duty not to interfere in the internal affairs of that State.

2. All official business with the receiving State entrusted to the mission by the sending State shall be conducted with or through the Ministry of Foreign Affairs of the receiving State or such other ministry as may be agreed.

3. The premises of the mission must not be used in any manner incompatible with the functions of the mission as laid down in the present Convention or by other rules of general international law or by any special agreements in force between the sending and the receiving State.

#### **Article 42**

A diplomatic agent shall not in the receiving State practise for personal profit any professional or commercial activity.

#### **Article 43**

The function of a diplomatic agent comes to an end, *inter alia*:

(a) on notification by the sending States to the receiving State that the functions of the diplomatic agent has come to an end;

(b) on notification by the receiving State to the sending State that in accordance with Paragraph 2 of Article 9, it refuses to recognise the diplomatic agent as a member of the mission.

#### **Article 44**

The receiving State must, even in case of armed conflict, grant facilities in order to

enable persons enjoying privileges and immunities, other than nationals of the receiving State, and members of the families of such persons irrespective of their nationality, to leave at the earliest possible moment. It must, in particular, in case of a need, place at their disposal the necessary means of transport for themselves and their property.

#### **Article 45**

If diplomatic relations are broken off between two States, or if a mission is permanently or temporarily recalled:

(a) the receiving State must, even in case of armed conflict, respect and protect the premises of the mission, together with its property and archives;

(b) the sending State may entrust the custody of the premises of the mission, together with its property and archives, to a third State acceptable to the receiving State.

(c) the sending State may entrust the protection of its interests and those of its nationals to a third State acceptable to the receiving State.

#### **Article 46**

A sending State may, with the prior consent of a receiving State and at the request of a third State not represented in the receiving State, undertake the temporary protection of the interests of the third State and of its nationals.

#### **Article 47**

1. In the application of the provisions of the present Convention, the receiving State

shall not discriminate as between States.

2. However, discrimination shall not be regarded as taking place:

(a) where the receiving State applies any of the provisions of the present Convention restrictively because of a restrictive application of that provision to its mission in the sending State;

(b) where by custom or agreement States extend to each other more favourable treatment than is required by the provisions of the present Convention.

#### **Article 48**

The present Convention shall be open for signature by all States Members of the United Nations or of any of the specialized agencies or Parties to the Statutes of the International Court of Justice, and by any other state invited by the General Assembly of the United Nations to become a Party to the Convention as follows: until 31 October 1961 at the Federal Ministry for Foreign Affairs of Austria and subsequently, until 31 March 1962 at the United Nations Headquarters in New York.

#### **Article 49**

The present Convention is subject to ratification. The instruments of ratification shall be deposited with the Secretary-General of the United Nations.

#### **Article 50**

The present Convention shall remain open for accession by any State belonging to

any of the four categories mentioned in Article 48. The instruments of accession shall be deposited with the Secretary-General of the United Nations.

### **Article 51**

1. The present convention shall enter into force on the thirtieth day following the date of deposit of the twenty-second instrument of ratification or accession with the Secretary-General of the United Nations.

2. For each State ratifying or acceding to the Convention after the deposit of the twenty-second instrument of ratification or accession, the Convention shall enter into force on the thirtieth day after deposit by such State of its instrument of ratification or accession.

### **Article 52**

The Secretary-General of the United Nations shall inform all States belonging to any of the four categories mentioned in Article 48:

(a) of signatures to the present Convention and of the deposit of instruments of ratification or accession, in accordance with Articles 48, 49 and 50;

(b) of the date on which the present Convention will enter into force, in accordance with Article 51.

### **Article 53**

The original of the present Convention, of which the chinese, English, French,

Russian and Spanish texts are equally authentic, shall be deposited with the Secretary-General of the United Nations, who shall send certified copies thereof to all States belonging to any of the four categories mentioned in Article 48.

IN WITNESS WHEREOF the undersigned Plenipotentiaries, being duly authorized thereto by their respective Governments, have signed the present Convention.

DONE AT VIENNA, this eighteenth day of April one thousand nine hundred and sixty-one.

**VIENNA CONVENTION ON DIPLOMATIC RELATIONS  
OPTIONAL PROTOCOL CONCERNING THE COMPULSORY  
SETTLEMENT OF DISPUTES**

The States Parties to the present Protocol and to the Vienna Convention on Diplomatic Relations, hereinafter referred to as "the Convention", adopted by the United Nations Conference held at Vienna from 2 March to 14 April 1961.

Expressing their wish to resort in all matters concerning them in respect of any dispute arising out of the interpretation or application of the Convention to the compulsory jurisdiction of the International Court of Justice, unless some other form of settlement has been agreed upon by the parties within a reasonable period;

Have agreed as follows:

**Article I**

Disputes arising out of the interpretation or application of the Convention shall lie

---

within the compulsory jurisdiction of the International Court of Justice and may accordingly be brought before the Court by an application made by any party to the dispute being a Party to the present Protocol.

### **Article II**

The parties may agree, within a period of two months after one party has notified its opinion to the other that a dispute exists, to resort not to the International Court of Justice but to an arbitral tribunal. After the expiry of the said period, either party may bring the dispute before the Court by an application.

### **Article III**

1. Within the same period of two months, the parties may agree to adopt a conciliation procedure before resorting to the International Court of Justice.

2. The conciliation commission shall make its recommendations within five months after its appointment. If its recommendations are not accepted by the parties to the dispute within two months after they have been delivered, either party may bring the dispute before the Court by an application.

### **Article IV**

States Parties to the Convention, to the Optional Protocol concerning Acquisition of Nationality, and to the present Protocol may at any time declare that they will extend the provisions of the present Protocol to disputes arising out of the interpretation or

---

application of the Optional Protocol concerning Acquisition of Nationality. Such declaration shall be notified to the Secretary - General of the United Nations.

#### **Article V**

The present Protocol shall be open for signature by all States which may become Parties to the Convention, as follows: until 31 October 1961 at the Federal Ministry for Foreign Affairs of Austria and subsequently, until 31 March 1962 , at the United Nations Headquarters in New York.

#### **Article VI**

The present Protocol is subject to ratification. The instruments of ratification shall be deposited with the Secretary-General of the United Nations.

#### **Article VII**

The present Potocol shall remain open for accession by all States which may become Parties to the Convention. The instruments of accession shall be deposited with the Secretary - General of the United Nations.

#### **Article VIII**

1. The present Protocol shall enter into force on the same day as the Convention or on the thirtieth day following the date of deposit of the second instrument of ratification or accession to the Protocol with the Secretary-General of the United Nations,

whichever day is the later.

2. For each State ratifying or acceding to the present Protocol after its entry into force in accordance with paragraph 1 of this Article, the Protocol shall enter into force on the thirtieth day after deposit by such State of its instrument of ratification or accession.

### **Article IX**

The Secretary - General of the United Nations shall inform all States which may become Parties to the Convention;

(a) of signatures to the present Protocol and of the deposit of instruments of ratification or accession, in accordance with Articles V, VI and VII;

(b) of declarations made in accordance with Article IV of the present Protocol;

(c) of the date on which the present Protocol will enter into force, in accordance with Article VIII.

### **Article X**

The original of the present Protocol, of which the Chinese, English, French, Russian and Spanish texts are equally authentic, shall be deposited with the secretary-General of the United Nations, who shall send certified copies thereof to all States referred to in Article V.

IN WITNESS WHEREOF the undersigned Plenipotentiaries, being duly authorized thereto by their respective Governments, have signed the present Protocol.

DONE AT VIENNA, this eighteenth day of April one thousand nine hundred and sixty-one.

**VIENNA CONVENTION ON DIPLOMATIC RELATIONS  
OPTIONAL PROTOCOL CONCERNING ACQUISITION OF  
NATIONALITY**

The States Parties to the present Protocol and to the Vienna Convention on Diplomatic Relations, hereinafter referred to as "the Convention", adopted by the United Nations Conference held at Vienna from 2 March to 14 April, 1961.

Expressing their wish to establish rules between them concerning acquisition of nationality by the members of their diplomatic missions acquisition of nationality by the members of their diplomatic missions and of the families forming part of the household of those members;

Have agreed as follows:

**Article I**

For the purpose of the present Protocol, the expression "members of the mission" shall have the meaning assigned to it in Article I, sub paragraph (b), of the Convention, namely "the head of the mission and the members of the staff of the mission".

**Article II**

Members of the mission not being nationals of the receiving State, and members of

---

their families forming part of their household, shall not, solely by the operation of the law of the receiving State, acquire the nationality of that State.

### **Article III**

The present Protocol shall be open for signature by all States which may become Parties to the Convention, as follows: until 31 October 1961 at the Federal Ministry for Foreign Affairs of Austria and subsequently, until 31 March 1962, at the United Nations Headquarters in New York.

### **Article IV**

The present Protocol is subject to ratification. The instruments of ratification shall be deposited with the Secretary-General of the United Nations.

### **Article V**

The present Protocol shall remain open for accession by all States which may become Parties to the Convention. The instruments of accession shall be deposited with the Secretary-General of the United Nations.

### **Article VI**

1. The present Protocol shall enter into force on the same day as the Convention or on the thirtieth day following the date of deposit of the second instrument of ratification or accession to the Protocol with the Secretary-General of the United Nations,

whichever date is the later.

2. For each State ratifying or acceding to the present Protocol after its entry into force in accordance with paragraph 1 of this Article, the Protocol shall enter into force on the thirtieth day after deposit by such State of its instrument of ratification or accession.

### **Article VII**

The Secretary-General of the United Nations shall inform all States which may become Parties to the Convention:

(a) of signatures to the present Protocol and of the deposit of instruments of ratification or accession, in accordance with Articles III, IV and V;

(b) of the date on which the present Protocol will enter into force, in accordance with Article VI.

### **Article VIII**

The original of the present Protocol, of which the Chinese, English, French, Russian and Spanish texts are equally authentic, shall be deposited with the Secretary - General of the United Nations, who shall send certified copies thereof to all States referred to in Article III.

IN WITNESS WHEREOF the undersigned Plenipotentiaries, being duly authorized thereto by their respective Governments, have signed the present Protocol.

DONE AT VIENNA, this eighteenth day of April one thousand nine hundred and sixty- one.



## پیوست شماره ۵

ترجمه «کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک»

(۱۹۶۱)



### ترجمه «کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک»

«کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک» دو بار به زبان فارسی ترجمه شده است. نخستین ترجمه، متنی است که به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسیده و رسمیت یافته است.

دومین متن ترجمه فارسی، از طرف اداره کل امور حقوقی و معاهدات وزارت امور خارجه تهیه شده که در آن بعضی از نارسائی‌های متن نخستین اصلاح گردیده و امروز، در تألیفات حقوقی و پایان‌نامه‌های تحصیلی، معمولاً از آن نقل و به آن استناد می‌شود. نگارنده در حین تألیف کتاب حاضر، ضمن مراجعه به متون اصلی به زبانهای فرانسوی و انگلیسی و مقایسه آنها با دو متن فارسی، به ایراداتی در دو متن اخیرالذکر برخورد کردم و لازم دیدم ترجمه‌ای که بیشتر با متون اصلی خارجی مطابقت داشته باشد، فراهم کنم و همین انگیزه تهیه متنی شد که در پی خواهد آمد.

در تهیه متن جدید سعی شده تا آنجا که ممکن است، این متن از نظر کاربرد لغات و اصطلاحات و نحوه انشاء، از متون ترجمه شده قبلی، دور نباشد.

ضمناً برای آسان کردن کار خوانندگان و پژوهندگان، به مانند کنوانسیونهای بعدی در این زمینه، برای هر ماده عنوانی انتخاب شده که خارج از متن اصلی است و در داخل علامت [-] نوشته شده است.

در پایان، باز یادآوری می‌شود، ترجمه‌ای که ارائه می‌شود، مبتنی بر نظر و سلیقه شخصی است و متن معتبر و قابل استناد، علی‌رغم اشتباهات و نارسائی‌ها که دارد، همان متن رسمی است که از مجلس وقت گذشته است.

## کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک

### [مقدمه]

#### دول طرف کنوانسیون حاضر

**با یادآوری این که** - مردم همه کشورها، از دیرباز وضع خاص مأموران دیپلماتیک را پذیرفته‌اند؛

**با آگاهی از** - مقاصد و اصول منشور ملل متحد درباره تساوی مطلق دولتها، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و توسعه روابط دوستانه بین ملتها؛

**با این اعتقاد که** - یک کنوانسیون بین‌المللی در باره مراودات، مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک، در بهبود مناسبات دوستانه بین کشورها، هرچند طرز حکومت و ساختار اجتماعی آنها تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته باشد، مؤثر خواهد بود؛

**با اذعان به این که** - منظور از مزایا و مصونیت‌های مذکور در فوق، منتفع ساختن افراد نیست، بلکه تأمین اجرای مؤثر وظایف نمایندگی‌های دیپلماتیک به عنوان نماینده دولتها می‌باشد؛

**با تأکید این که** - در مورد مسائلی که ضمن محتویات این کنوانسیون، به صراحت تعیین تکلیف نشده، قواعد حقوق بین‌الملل عرفی، همچنان حاکم خواهد بود؛  
به شرح زیر توافق نمودند:

### [تعریف اصطلاحات]

#### ماده ۱

در این کنوانسیون، اصطلاحات زیر با معانی خاص، به شرح ذیل آمده است:  
**الف** - «رئیس نمایندگی» یعنی شخصی که از طرف دولت فرستنده مأمور انجام وظیفه در این سمت می‌شود.

**ب** - «اعضای نمایندگی» یعنی «رئیس نمایندگی» و «اجزای نمایندگی»

ج - «اجزای نمایندگی» یعنی «کارمندان دیپلماتیک»، «کارمندان اداری و فنی» و «کارکنان نمایندگی».

د - «کارمندان دیپلماتیک» یعنی آن دسته از اجزای نمایندگی که دارای سمت دیپلماتیک می‌باشند.

هـ - «مأمور دیپلماتیک» یعنی «رئیس نمایندگی» یا یکی از «کارمندان دیپلماتیک»  
و - «کارمندان اداری و فنی» یعنی آن دسته از اجزای نمایندگی که به امور اداری و فنی اشتغال دارند.

ز - «کارکنان» یعنی آن دسته از اجزای نمایندگی که در خدمت دفاتر نمایندگی هستند  
ح - «خدمتگذار شخصی» یعنی کسی که در خدمت یکی از اعضای نمایندگی بوده و در استخدام دولت فرستنده نمی‌باشد

ط - «اماکن نمایندگی» یعنی ابنیه یا قسمتهایی از ابنیه و زمین وابسته به آن که مالک آن هرکه باشد برای انجام مقاصد نمایندگی از جمله برای اقامت رئیس نمایندگی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

## ماده ۲ [برقراری روابط و تأسیس نمایندگی]

برقراری روابط دیپلماتیک و تأسیس نمایندگیهای دیپلماتیک دائم با رضایت متقابل دولتها انجام می‌گیرد.

## ماده ۳ [وظایف نمایندگی دیپلماتیک]

۱- وظایف یک نمایندگی دیپلماتیک به خصوص عبارتست از:

الف - نمایندگی دولت فرستنده نزد دولت پذیرنده

ب - حفظ منافع دولت فرستنده و اتباع آن در دولت پذیرنده تا حدودی که در حقوق

بین‌الملل پذیرفته شده است

ج - مذاکره با حکومت دولت پذیرنده

د - تحقیق اوضاع و سیر وقایع در دولت پذیرنده، با استفاده از کلیه وسایل قانونی و گزارش آن به حکومت دولت فرستنده.

ه - بسط روابط دوستانه و توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی و علمی بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده

۲- هیچ‌یک از مقررات این کنوانسیون نباید طوری تفسیر شود که مانع از انجام وظایف کنسولی بوسیله یک نمایندگی دیپلماتیک گردد

#### ماده ۴

#### [انتصاب رئیس نمایندگی]

۱- دولت فرستنده باید اطمینان حاصل کند که برای شخص نامزد شده به عنوان رئیس نمایندگی، از طرف دولت پذیرنده، پذیرش داده شده است.

۲- دولت پذیرنده ملزم نیست دلایل امتناع از صدور پذیرش را به اطلاع دولت فرستنده برساند.

#### ماده ۵

#### [نمایندگی غیرمقیم (اکردیته)]

۱- دولت فرستنده می‌تواند پس از ابلاغ به نحو مقتضی به دول پذیرنده ذیربط، یک رئیس نمایندگی را نزد چند دولت، و یا یکی از کارمندان دیپلماتیک خود را بنابر مورد، نزد دولت‌های متعدد، بگمارد، مگر آنکه یکی از این دولتها به صراحت با این امر مخالفت ورزد.

۲- اگر دولت فرستنده، یک رئیس نمایندگی را نزد یک یا چند دولت منصوب کند، می‌تواند در هریک از دولتهایی که رئیس نمایندگی در آنجا اقامت دائم ندارد، یک نمایندگی دیپلماتیک زیر نظر یک کاردار موقت تأسیس نماید.

۳- یک رئیس نمایندگی یا یک کارمند دیپلماتیک نمایندگی، می‌تواند نماینده دولت فرستنده نزد هر سازمان بین‌المللی باشد.

### ماده ۶

#### [نمایندگی مشترک]

دو یا چند دولت می‌توانند یک نفر را به عنوان رئیس نمایندگی نزد دولت دیگری بگمارند، مگر آنکه دولت پذیرنده مخالف این امر باشد.

### ماده ۷

#### [انتصاب اجزای نمایندگی]

دولت فرستنده با توجه به مفاد مواد ۵ و ۸ و ۹ و ۱۱ در انتصاب اجزای نمایندگی آزاد است. در مورد وابسته‌های نظامی، دریایی یا هوایی، دولت پذیرنده می‌تواند نام آنان را قبلاً برای تصویب بخواهد.

### ماده ۸

#### [تابعیت کارمندان دیپلماتیک]

۱- کارمندان دیپلماتیک نمایندگی، علی‌الاصول تابعیت دولت فرستاده را خواهند داشت.

۲- کارمندان دیپلماتیک نمایندگی را نمی‌توان جز با رضایت دولت پذیرنده، از میان اتباع این دولت انتخاب کرد. دولت پذیرنده می‌تواند در هر موقع رضایت خود را پس بگیرد.

۳- دولت پذیرنده می‌تواند همین حق را در مورد اتباع دولت ثالثی که تابعیت دولت فرستنده را ندارند برای خود حفظ کند.

### ماده ۹

#### [«عنصر نامطلوب» یا «غیرقابل قبول»]

۱- دولت پذیرنده می‌تواند هر آن و بی‌آنکه الزامی به توجیه تصمیم خود داشته

باشد، به دولت فرستنده اطلاع دهد که رئیس یا هریک از کارمندان دیپلماتیک نمایندگی «عنصر نامطلوب» است و یا آنکه عضوی از اجزای دیگر نمایندگی قابل قبول نیست.

در این صورت دولت فرستنده آن شخص را برحسب مورد فرا خواهد خواند و یا به خدمت وی در نمایندگی پایان خواهد داد. شخصی را می‌توان قبل از ورود به سرزمین دولت پذیرنده «نامطلوب» یا «غیرقابل قبول» اعلام نمود.

۲- اگر دولت فرستنده از انجام الزامات ناشی از بند اول این ماده امتناع ورزد و یا این الزامات را در ظرف مهلتی معقول انجام ندهد، دولت پذیرنده می‌تواند از شناختن شخص مورد بحث به سمت عضو نمایندگی خودداری کند.

## ماده ۱۰

### ابلاغ ورود و خروج اعضاء نمایندگی

۱- مراتب زیر به وزارت خارجه دولت پذیرنده و یا وزارتخانه دیگری که مقرر شده باشد، ابلاغ می‌گردد:

**الف -** انتصاب اعضاء نمایندگی و ورود یا عزیمت قطعی و یا خاتمه خدمت آنان در نمایندگی؛

**ب -** ورود و عزیمت قطعی شخصی که از افراد خانواده یکی از اعضاء نمایندگی است و همچنین در موردی که شخصی در شمار اعضاء خانواده یکی از اعضاء نمایندگی درآید و یا از آن خارج شود؛

**ج -** ورود و عزیمت قطعی خدمتگاران شخصی که در خدمت اشخاص مورد نظر در تبصره (الف) از بند یک این ماده می‌باشند و همچنین در صورتیکه خدمتگاران، خدمت اشخاص فوق‌الذکر را ترک می‌کنند؛

**د -** به خدمت گرفتن و خاتمه دادن به خدمت اشخاص مقیم کشور پذیرنده به عنوان اعضاء نمایندگی یا خدمتگاران شخصی که از مزایا و مصونیت‌ها برخوردارند.

۲- هر بار که ممکن باشد ورود و عزیمت قطعی اشخاص نیز، باید از قبل، ابلاغ گردد.

### ماده ۱۱

#### [تعداد اعضای نمایندگی]

۱- در صورت نبودن توافق خاص نسبت به تعداد افراد نمایندگی، دولت پذیرنده می تواند خواستار شود که تعداد این افراد با توجه به اوضاع و شرایط دولت پذیرنده و با توجه به نیازهای نمایندگی مورد نظر، از حدودی که خود معقول و متعارف تلقی می کند، تجاوز ننماید.

۲- دولت پذیرنده، همچنین می تواند، در همان حدود و بدون تبعیض، از پذیرفتن گروه معینی از مأمورین، خودداری کند.

### ماده ۱۲

#### [تأسیس دفتر، خارج از اماکن نمایندگی]

دولت فرستنده نباید قبل از تحصیل موافقت صریح دولت پذیرنده، در محلی غیر از محل استقرار نمایندگی، دفتر دیگری متعلق به نمایندگی تأسیس کند.

### ماده ۱۳

#### [آغاز خدمت رئیس نمایندگی]

۱- تاریخ عهده دار شدن وظایف رئیس نمایندگی در دولت پذیرنده از زمانی تلقی می گردد که استوارنامه خود را تسلیم می کند، یا ورود خود را ضمن ارسال رونوشت مطابق با اصل استوارنامه به وزارت خارجه دولت پذیرنده یا هر وزارتخانه دیگری که مقرر است، با در نظر گرفتن رویه موجود در دولت پذیرنده که باید بنحو یکنواختی اعمال شود، ابلاغ می نماید.

۲- ترتیب تسلیم استوارنامه یا رونوشت مطابق با اصل آن با توجه به تاریخ روز و ساعت ورود رئیس نمایندگی تعیین می گردد.

**ماده ۱۴****[طبقات رؤسای نمایندگی]**

۱- رؤسای نمایندگی به سه طبقه به قرار زیر تقسیم می‌شوند:

- الف -** سفیران و نونس‌ها [نمایندگان درجه اول پاپ] که نزد رؤسای دولتها مأموریت می‌یابند و سایر رؤسای نمایندگی که هم مقام آنان می‌باشند.
- ب -** فرستادگان و وزیران [مختار] و انترنونس‌ها [نمایندگان درجه دوم پاپ] که نزد رؤسای دولتها مأموریت می‌یابند.

**ج -** کارداران [دائم] که نزد وزرای خارجه مأموریت می‌یابند.

- ۲- جزاز نظر تقدّم و تشریفات، هیچ‌گونه فرقی بین رؤسای نمایندگی‌ها از لحاظ طبقه وجود ندارد.

**ماده ۱۵****[توافق در طبقه رؤسای نمایندگی]**

دولت‌ها در باره طبقه رؤسای نمایندگیهای خود، با یکدیگر توافق خواهند کرد.

**ماده ۱۶****[تقدم رؤسای نمایندگیها]**

- ۱- ترتیب تقدم رؤسای نمایندگی در هر طبقه، برحسب روز و ساعتی که وظایف خود را به موجب ماده ۱۳ آغاز می‌کنند، خواهد بود.
- ۲- تغییرات منظور شده در استوارنامه یک رئیس نمایندگی تا آنجا که طبقه او را عوض نکند تأثیری در ترتیب تقدم او نخواهد داشت.
- ۳- این ماده بر رسومی که نسبت به تقدم نماینده پاپ، مورد قبول دولت پذیرنده است، یا در آینده خواهد بود، اثری نخواهد داشت.

**ماده ۱۷****[تقدم بین کارمندان نمایندگیهای دیپلماتیک]**

ترتیب تقدم کارمندان دیپلماتیک نمایندگی، از طرف رئیس نمایندگی به وزارت خارجه یا هر وزارتخانه دیگر که مقرر است ابلاغ می‌گردد.

**ماده ۱۸****[تشریفات پذیرفتن رؤسای نمایندگی]**

در هر دولت، تشریفات مربوط به پذیرفتن رؤسای نمایندگی باید در مورد هر طبقه یکسان باشد.

**ماده ۱۹****[کارداری موقت]**

۱- هرگاه پست ریاست نمایندگی بدون تصدی بوده یا رئیس نمایندگی قادر به انجام وظایف خود نباشد، یک «کاردار موقت» به جای رئیس نمایندگی موقتاً عمل خواهد کرد. نام «کاردار موقت» به وسیله رئیس نمایندگی و در صورتیکه او معذور باشد، از طرف وزارت خارجه دولت فرستنده به وزارت خارجه دولت پذیرنده یا به هر وزارتخانه دیگری که مقرر است، ابلاغ خواهد گشت.

۲- در صورتی که هیچ یک از کارمندان دیپلماتیک نمایندگی در دولت پذیرنده حضور نداشته باشد، یکی از کارمندان اداری و فنی می‌تواند، از طرف دولت فرستنده با رضایت دولت پذیرنده، امور جاری اداری نمایندگی را انجام دهد.

**ماده ۲۰****[افراشتن پرچم و نصب نشانه رسمی]**

نمایندگی و رئیس آن حق دارند پرچم و نشانه رسمی دولت فرستنده را در اماکن نمایندگی، از جمله در محل اقامت رئیس نمایندگی و بر روی وسائط نقلیه وی به کار برند.

**ماده ۲۱****[یاری در یافتن اماکن نمایندگی]**

- ۱- دولت پذیرنده باید در حدود قوانین خود، موجبات تسهیل تملیک دولت فرستنده را در اماکن مورد احتیاج نمایندگی، در سرزمین خویش، فراهم کند و یا در تحصیل این اماکن، از طریق دیگر، به دولت فرستنده یاری کند.
- ۲- دولت پذیرنده همچنین در صورت لزوم باید نمایندگیها را در تهیه مسکن مناسب برای اعضای شان یاری دهد.

**ماده ۲۲****[مصونیت اماکن نمایندگی]**

- ۱- اماکن نمایندگی مصون از تعرض هستند. مأموران دولت پذیرنده جز با رضایت رئیس نمایندگی اجازه ندارند به این اماکن داخل شوند.
- ۲- دولت پذیرنده وظیفه خاص دارد کلیه تدابیر لازم را به منظور این که اماکن نمایندگی مورد تجاوز یا خسارت قرار نگرفته و آرامش و شؤون آن متزلزل نگردد، اتخاذ نماید.
- ۳- اماکن نمایندگی و اثاثه و اشیاء دیگر موجود در آن و همچنین وسایل نقلیه نمایندگی مورد بازرسی و مصادره و توقیف و یا اقدامات اجرائی قرار نخواهد گرفت.

**ماده ۲۳****[معافیت اماکن نمایندگی از مالیات]**

- ۱- دولت فرستنده و رئیس نمایندگی بابت اماکن نمایندگی که در مالکیت یا اجاره خود دارند، از پرداخت کلیه مالیاتها و عوارض کشوری، منطقه‌ای یا شهری معاف می‌باشند، مگر آنکه دریافت این مالیاتها یا عوارض در ازاء انجام خدمات خاص باشد.
- ۲- در صورتیکه طبق قوانین دولت پذیرنده پرداخت این مالیاتها و عوارض بر عهده شخصی باشد که با دولت فرستنده یا با رئیس نمایندگی معامله می‌کند. معافیت مالیاتی موضوع این ماده منتفی خواهد بود.

**ماده ۲۴****[مصونیت بایگانی و اسناد]**

بایگانی و اسناد نمایندگی، در هر زمان و در هر مکان، مصون از تعرض خواهد بود.

**ماده ۲۵****[فراهم کردن تسهیلات]**

دولت پذیرنده کلیه تسهیلات را برای انجام وظایف نمایندگی فراهم خواهد نمود.

**ماده ۲۶****[آزادی رفت و آمد]**

دولت پذیرنده آزادی رفت و آمد و مسافرت همه اعضای نمایندگی را در قلمرو خود با رعایت قوانین و مقررات مربوط به مناطقی که ورود به آنها از لحاظ امنیت ملی ممنوع بوده و یا تابع مقررات خاصی است، تأمین می‌نماید.

**ماده ۲۷****[آزادی ارتباطات]**

۱- دولت پذیرنده آزادی ارتباطات نمایندگی را به منظورهای رسمی اجازه داده و حمایت خواهد کرد. نمایندگی می‌تواند برای تماس با حکومت و سایر نمایندگی‌ها و پست‌های کنسولی دولت فرستنده در هر جا که باشد از همه وسایل ارتباطی مناسب از جمله پیک دیپلماتیک، و پیامهای کُذ یا رمز استفاده کند. مع‌هذا، نمایندگی نمی‌تواند جز با رضایت دولت پذیرنده، دستگاه فرستنده بی‌سیم نصب نموده و مورد استفاده قرار دهد.

۲- مکاتبات رسمی نمایندگی مصون از تعرض است. اصطلاح «مکاتبات رسمی» شامل تمام مکاتبات مربوط به نمایندگی و انجام وظایف آن می‌باشد.

۳- کیسه دیپلماتیک نباید باز شده یا نگهداشته شود.

۴- بسته‌های تشکیل‌دهنده کیسه دیپلماتیک باید دارای علامات خارجی مشهود نشان‌دهنده کیفیت آن بوده، فقط حاوی اسناد دیپلماتیک یا اشیاء مورد استعمال رسمی باشد.

۵- پیک دیپلماتیک که باید دارای مدارک رسمی حاکی از سمت وی و تعداد بسته‌های جزء کیسه دیپلماتیک باشد، در اجرای وظایف خود از حمایت دولت پذیرنده برخوردار خواهد بود. شخص پیک مصون از تعرض بوده و بهیچ عنوان بازداشت یا زندانی نخواهد شد.

۶- دولت فرستنده یا نمایندگی می‌تواند پیک‌های دیپلماتیک مخصوص تعیین نماید و در این صورت مفاد بند ۵ این ماده و مصونیت‌های مندرج در آن فقط تا زمانی که پیک مزبور کیسه دیپلماتیک خود را به مقصد می‌رساند، جاری خواهد بود.

۷- کیسه دیپلماتیک را می‌توان به فرمانده یک هواپیمای بازرگانی که باید در یک محل ورودی مجاز فرود آید، سپرد. فرمانده مزبور که پیک دیپلماتیک تلقی نخواهد شد، باید دارای مدرک رسمی حاکی از تعداد بسته‌های جزء کیسه دیپلماتیک باشد. نمایندگی می‌تواند یکی از اعضاء خود را برای دریافت مستقیم و آزادانه کیسه دیپلماتیک از شخص فرمانده هواپیما، بفرستد.

## ماده ۲۸

### [معافیت از مالیات بر عواید نمایندگی]

عواید و کارمزد دریافتی نمایندگی بابت انجام وظایف رسمی از پرداخت کلیه مالیاتها و عوارض معاف است.

## ماده ۲۹

### [مصونیت مأمور دیپلماتیک]

شخص مأمور دیپلماتیک مصون از تعرض است. نمی‌توان او را بهیچ عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرار داد. دولت پذیرنده با وی رفتار محترمانه‌ای که در شأن او است خواهد داشت و اقدامات لازم را برای جلوگیری از وارد آمدن لطمه به شخص و آزادی و حیثیت او اتخاذ خواهد کرد.

## ماده ۳۰ [مصونیت مسکن، اسناد و مکاتبات و اموال مأمور دیپلماتیک]

- ۱- محل اقامت خصوصی مأمور دیپلماتیک مانند اماکن نمایندگی مصون از تعرض و مورد حمایت خواهد بود.
- ۲- اسناد و مکاتبات و همچنین - با رعایت بند ۳ ماده ۳۱ - اموال مأمور دیپلماتیک مصون از تعرض خواهد بود.

## ماده ۳۱ [مصونیت قضائی]

- ۱- مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده از مصونیت قضائی جزائی برخوردار است. او از مصونیت قضائی مدنی و اداری نیز بهره‌مند خواهد بود مگر در موارد زیر:
  - الف -** دعوای راجع به مال غیرمنقول خصوصی واقع در قلمرو دولت پذیرنده - مگر آنکه مأمور دیپلماتیک مال را به نمایندگی دولت فرستنده و برای مقاصد نمایندگی در تصرف داشته باشد.
  - ب -** دعوای راجع به ماترکی که در آن مأمور دیپلماتیک بطور خصوصی، و نه به نام دولت فرستنده، وصی و امین ترکه و وارث یا موصی له واقع شده باشد.
  - ج -** دعوای راجع به هرگونه فعالیت حرفه‌ای آزاد یا تجاری که مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده و خارج از وظایف رسمی خود به آن اشتغال دارد.
- ۲- مأمور دیپلماتیک مجبور به ادای شهادت نیست.
- ۳- علیه مأمور دیپلماتیک مبادرت به هیچ اقدام اجرائی نخواهد شد - جز در موارد مذکور در تبصره‌های الف، ب و ج بند اول این ماده و به شرط آن که چنین اقدام اجرایی به مصونیت از تعرض شخص یا محل اقامت او لطمه‌ای وارد نیارد.
- ۴- مصونیت قضائی مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده او را از تعقیب قضائی

دولت فرستنده معاف نخواهد داشت.

## ماده ۳۲

### [انصراف از مصونیت]

- ۱- دولت فرستنده می‌تواند از مصونیت قضائی مأمورین دیپلماتیک خود و اشخاصی که بر طبق ماده ۳۷ از مصونیت برخوردارند، صرفنظر نماید.
- ۲- انصراف از مصونیت باید همیشه صریح باشد.
- ۳- در صورت اقامه دعوی از طرف مأمور دیپلماتیک یا شخصی که بر طبق ماده ۳۷ از مصونیت قضائی بهره‌مند است، استناد به مصونیت قضائی در قبال دعاوی متقابل که مستقیماً با دعاوی اصلی ارتباط دارد - پذیرفته نخواهد بود.
- ۴- انصراف از مصونیت قضائی نسبت به دعاوی مدنی یا اداری متضمن انصراف از مصونیت نسبت به اجرای حکم نخواهد بود. برای اجرای آن، انصراف از مصونیت جداگانه ضروری است.

## ماده ۳۳

### [معافیت از بیمه‌های اجتماعی]

- ۱- مأمور دیپلماتیک با رعایت بند ۳ این ماده در مورد خدماتی که برای دولت فرستنده انجام می‌دهد، از مقررات بیمه‌های اجتماعی که ممکن است در دولت پذیرنده لازم‌الاجراء باشد، معاف است.
- ۲- معافیت مندرج در بند ۱ این ماده نیز شامل خدمتگاران شخصی که در خدمت انحصاری مأمور دیپلماتیک می‌باشند، می‌گردد، مشروط بر آنکه این خدمتگاران:
  - الف- از تبعه دولت پذیرنده نبوده یا در آن اقامت دائم نداشته باشند - و
  - ب- مقررات بیمه‌های اجتماعی دولت فرستنده یا دولت ثالث شامل آنان باشد.
- ۳- مأمور دیپلماتیک باید در مورد اشخاصی که در خدمت او هستند و مشمول معافیت مندرج در بند ۲ این ماده نمی‌باشند تکالیف ناشی از مقررات بیمه‌های اجتماعی، دولت

پذیرنده را که به کارفرما تحمیل می‌شود، رعایت نماید.

- ۴- معافیت مذکور در بندهای ۱ و ۲ این ماده مانع از قبول اختیاری و استفاده از بیمه اجتماعی دولت پذیرنده تا حدودی که مورد قبول این دولت باشد، نخواهد بود.
- ۵- مقررات این ماده مخل توافقات دوجانبه یا چندجانبه که در گذشته راجع به بیمه‌های اجتماعی منعقد شده نبوده و مانع از انعقاد چنین توافقی در آینده نخواهد بود.

#### ماده ۳۴

#### [معافیتهای مالیاتی]

مأمور دیپلماتیک از پرداخت کلیه مالیات‌ها و عوارض شخصی یا مالی، کشوری یا منطقه‌ای یا شهری معاف است، مگر در موارد زیر:

- الف -** مالیات‌های غیرمستقیم که معمولاً جزء قیمت کالا یا خدمت محسوب می‌شود.
- ب -** مالیات‌ها و عوارض اموال غیرمنقول خصوصی واقع در سرزمین دولت پذیرنده جز در مواردی که مأمور دیپلماتیک آن را از طرف دولت فرستنده برای مقاصد نمایندگی در تصرف داشته باشد.
- ج -** مالیات بر ارث که از طرف دولت پذیرنده دریافت می‌گردد، با رعایت مفاد بند چهارم ماده ۳۹.
- د -** مالیات و عوارض مأخوذه از درآمدهای خصوصی به دست آمده، در دولت پذیرنده و همچنین مالیات بر سرمایه‌های بکار افتاده در بنگاههای تجاری واقع در کشور پذیرنده.
- ه -** مالیات و عوارضی که از دستمزد در برابر انجام خدمات خاص وصول می‌شود.
- و -** هزینه‌های ثبت و دادرسی ورهن و تمبر در مورد اموال غیرمنقول با رعایت مفاد ماده ۲۳.

**ماده ۳۵****[معافیت از خدمات شخصی و عمومی]**

دولت پذیرنده، مأموران دیپلماتیک را از انجام خدمات شخصی و خدمات عمومی، به هر صورتی که باشد، و الزامات نظامی از قبیل مصادره و بیگاری و اسکان افراد نظامی، معاف خواهد داشت.

**ماده ۳۶****[معافیتهای گمرکی]**

۱- دولت پذیرنده طبق قوانین و مقرراتی که ممکن است وضع نماید ورود اشیاء زیر را با معافیت از حقوق گمرکی و عوارض و سایر هزینههای فرعی - جز مخارج انبارداری و باربری و هزینههای ناشی از خدمات مشابه - اجازه خواهد داد:

**الف -** اشیاء مورد استفاده رسمی نمایندگی

**ب -** اشیاء مورد استفاده شخصی مأمور دیپلماتیک یا بستگان که اهل خانه او هستند و از جمله اثاثه‌ای که برای استقرار در منزل خود لازم دارد.

۲- توشه شخصی مأمور دیپلماتیک از بازرسی معاف است مگر اینکه دلایل جدی دال بر وجود اشیائی در آن که مشمول معافیتهای مندرج در بند ۱ این ماده نیست در دست بوده و یا ورود و صدور اشیاء توسط قوانین ممنوع شده باشد و یا اینکه مشمول مقررات قرنطینه دولت پذیرنده گردد، در چنین صورتی بازرسی جز در حضور مأمور دیپلماتیک یا نماینده مجاز او صورت نخواهد گرفت.

**ماده ۳۷****[کسان دیگری که غیر از مأموران دیپلماتیک از امتیازات برخوردارند]**

۱- بستگان مأمور دیپلماتیک که اهل خانه او هستند، به شرط آنکه تبعه دولت پذیرنده نباشند، از مزایا و مصونیت‌های مندرج در مواد ۲۹ تا پایان ماده ۳۶ برخوردار خواهند بود.

۲- کارمندان اداری و فنی نمایندگی و همچنین بستگان آنان که اهل خانه ایشان هستند، به شرط آنکه تبعه دولت پذیرنده یا مقیم دائم این کشور نباشند، از مزایا و مصونیت‌های مندرج در مواد ۲۹ تا پایان ۳۵ بهره‌مند خواهند بود، ولی مصونیت قضائی دولت پذیرنده، در امور مدنی و اداری، موضوع بند اول از ماده ۳۱ شامل اعمال خارج از وظایف آنان نخواهد شد. اشخاص مذکور همچنین از مزایای مندرج در بند اول از ماده ۳۶ در مورد اشیایی که برای استقرار اولیه وارد می‌کنند، استفاده خواهند نمود.

۳- کارکنان نمایندگی، به شرط آنکه تبعه دولت پذیرنده یا مقیم دائم این کشور نباشند نسبت به اعمال ناشی از اجرای وظایف خود مصونیت داشته و از پرداخت مالیات و عوارض بابت مزدی که در برابر انجام کار دریافت می‌دارند معاف می‌باشند، و همچنین از معافیت مذکور در ماده ۳۳، استفاده خواهند نمود.

۴- خدمتگاران شخصی اعضای نمایندگی که تبعه دولت پذیرنده یا مقیم دائم این کشور نیستند، از پرداخت مالیات و عوارض بابت حقوقی که در برابر انجام وظیفه دریافت می‌دارند معاف خواهند بود. استفاده آنان از مزایا و مصونیت‌های دیگر، فقط در حدودی که مورد قبول دولت پذیرنده باشد، خواهد بود. مع‌هذا دولت پذیرنده نباید حق حاکمیت خود را در مورد این اشخاص طوری اعمال نماید که به نحو بی‌تناسبی مانع انجام وظایف نمایندگی گردد.

### ماده ۳۸ [امتیازات اعضای نمایندگی که تابع فرستنده نیستند]

۱- مأمور دیپلماتیک که از تبعه دولت پذیرنده و یا مقیم دائم این کشور می‌باشد، فقط در مورد اعمال رسمی مربوط به وظایف خود از مصونیت قضائی و مصونیت از تعرض بهره‌مند خواهد بود، مگر آنکه دولت پذیرنده، مزایا و مصونیت‌های بیشتری به او اعطاء کرده باشد.

۲- سایر اجزای نمایندگی و خدمتگاران شخصی که تبعه دولت پذیرنده یا مقیم دائم

این کشور می‌باشند فقط تاحدودی که مورد قبول دولت پذیرنده باشد از مزایا و مصونیت‌ها برخوردار خواهند بود. مع‌هذا، دولت پذیرنده، نباید حق حاکمیت خود را در مورد این اشخاص طوری اعمال نماید که به نحو بی‌تناسبی مانع انجام وظایف نمایندگی گردد.

### ماده ۳۹

#### [آغاز و پایان امتیازات]

۱- اشخاصی که در استفاده از مصونیت‌ها و مزایا ذیحق می‌باشند، از لحظه ورود به قلمرو دولت پذیرنده برای اشغال پست خود، از این مصونیت‌ها و مزایا بهره‌مند می‌شوند و اگر قبلاً در قلمرو آن دولت باشند، استفاده از این مزایا و مصونیت‌ها از تاریخی است که انتصاب آنان به وزارت خارجه، یا هر وزارتخانه دیگر دولت پذیرنده که مقرر است، ابلاغ گردد.

۲- وقتی که مأموریت شخصی بهره‌مند از مزایا و مصونیت‌ها پایان یابد، این مزایا و مصونیت‌ها معمولاً از هنگام ترک خاک کشور پذیرنده و یا در انقضای مهلت مناسبی که برای انجام این منظور به وی اعطاء می‌شود قطع می‌گردد. لیکن این مزایا و مصونیت‌ها حتی در صورت وجود منازعات مسلحانه تا انقضای مهلت ادامه خواهد داشت. مع‌هذا، مصونیت نسبت به اعمالی که شخص بهره‌مند در اجرای وظایف خود به سمت عضو نمایندگی انجام داده باقی است.

۳- در صورت فوت یک عضو نمایندگی، اعضای خانواده او، تا انقضای مهلت مناسب برای ترک سرزمین دولت پذیرنده از مزایا و مصونیت‌ها، کما فی‌السابق بهره‌مند خواهند بود.

۴- در صورت فوت یک عضو نمایندگی که از تبعه دولت پذیرنده یا مقیم دائم این کشور نمی‌باشد و یا در صورت فوت یکی از بستگان او که اهل خانه او هستند، دولت پذیرنده خروج اموال متوفی را اجازه می‌دهد، به استثنای اموالی که در این کشور تحصیل شده و در موقع فوت ممنوع‌الصدور باشد. از اموال منقول که وجود آن در دولت پذیرنده صرفاً به سبب حضور

متوفی در آنجا به سمت عضو نمایندگی یا یکی از اعضای خانواده او بوده باشد، مالیات برارث اخذ نمی‌گردد.

## ماده ۴۰

### [تکالیف دولت ثالث]

۱- اگر مأمور دیپلماتیک، به منظور رفتن به محل مأموریت یا بازگشت به کشور خود، از خاک دولت ثالثی که در صورت لزوم رواید صادر نموده، عبور می‌کند، یا در آنجا حضور دارد، دولت ثالث او را از تعرض مصون داشته و مشمول کلیه مصونیت‌هایی که برای عبور یا بازگشت وی ضرورت دارد، خواهد نمود. همین مقررات از طرف دولت ثالث در مورد اعضای خانواده مأمور که از مزایا و مصونیتها بهره‌مندند و همراه مأمور دیپلماتیک یا جداگانه برای پیوستن به او یا بازگشت به کشور خود مسافرت می‌کنند، اعمال خواهد شد.

۲- دولت‌های ثالث، در شرایط مشابه به آنچه در بند اول این ماده مقرر است نباید عبور کارمندان اداری و فنی یا کارکنان نمایندگی و افراد خانواده آنان را از سرزمین خود، دچار اشکال سازند.

۳- دولت‌های ثالث نسبت به مکاتبات و سایر وسائل ارتباطی رسمی از جمله پیامهای کد و رمز که از سرزمین آنها می‌گذرد، همان آزادی و حمایتی را خواهند کرد که دولت پذیرنده در این باره مرعی می‌دارد. نسبت به پیکهای دیپلماتیک که در صورت لزوم رواید تحصیل کرده‌اند و نیز نسبت به کیسه‌های دیپلماتیک عبوری همان مصونیت از تعرض و حمایتی را که دولت پذیرنده ملزم به رعایت است، مراعات خواهند کرد.

۴- تکالیف دولتهای ثالث بر طبق بندهای ۱ و ۲ و ۳ این ماده نسبت به اشخاص مذکور در این بندها و وسائل ارتباطی رسمی و کیسه‌های دیپلماتیک نیز که به علت اضطرار «فورس ماژور» در قلمرو دولت ثالث می‌باشند، مجری خواهد بود.

**ماده ۴۱****[تکالیف اعضاء و نمایندگی]**

- ۱- کلیه اشخاصی که از مزایا و مصونیت‌ها بهره‌مند می‌باشند، بدون آنکه به مزایا و مصونیت‌های آنان لطمه وارد آید، مکلف‌اند قوانین و مقررات دولت پذیرنده را محترم شمارند. آنان همچنین مکلف‌اند از مداخله در امور داخلی این دولت خودداری کنند.
- ۲- کلیه امور رسمی در ارتباط با دولت پذیرنده که از طرف دولت فرستنده به عهده نمایندگی گذاشته شده باید از طریق وزارت خارجه دولت پذیرنده یا توسط آن یا وزارتخانه دیگری که مقرر است، انجام گیرد.
- ۳- اماکن نمایندگی نباید طوری مورد استفاده قرار گیرد که با وظایف نمایندگی مندرج در این کنوانسیون یا با سایر قواعد حقوق بین‌الملل کلی و یا با توافقات خاص معتبر بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده، مغایر باشد.

**ماده ۴۲****[منع فعالیت انتفاعی مأمورین دیپلماتیک]**

مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده فعالیت حرفه‌ای یا تجاری به قصد انتفاع شخصی نخواهد داشت.

**ماده ۴۳****[پایان مأموریت مأمور دیپلماتیک]**

- مأموریت مأمور دیپلماتیک از جمله در موارد زیر پایان می‌یابد:
- الف -** موقعی که دولت فرستنده خاتمه مأموریت مأمور دیپلماتیک را به دولت پذیرنده اطلاع دهد.
  - ب -** موقعی که دولت پذیرنده طبق بند ۲ از ماده ۹ به دولت فرستنده اطلاع دهد که از شناختن مأمور دیپلماتیک به عنوان عضو نمایندگی خودداری می‌کند.

**ماده ۴۴****[تسهیل بازگشت اعضاء نمایندگی]**

دولت پذیرنده می‌باید حتی در صورت وجود منازعات مسلحانه، تسهیلات لازم را فراهم آورد تا اشخاص بهره‌مند از مزایا و مصونیتها - به جز اتباع خود و نیز افراد خانواده آنان، بدون توجه به تابعیت‌شان بتوانند در اولین فرصت خاک این دولت را ترک گویند.

دولت مزبور، بخصوص باید، در صورت احتیاج، وسائل نقلیه لازم را برای خود و اموالشان در اختیار آنان بگذارد.

**ماده ۴۵****[قطع روابط و تعطیل نمایندگی]**

در صورت قطع روابط دیپلماتیک بین دو دولت و یازمانی که نمایندگی بطور قطعی یا موقت تعطیل شده است:

- الف -** دولت پذیرنده می‌باید حتی در صورت وجود منازعات مسلحانه، اماکن نمایندگی و همچنین اموال و بایگانی آن را محترم شمرده و حمایت نماید.
- ب -** دولت فرستنده می‌تواند حفاظت اماکن نمایندگی را با اموالی که در آن قرار دارد و همچنین حفاظت بایگانی آن را به دولت ثالثی که مورد قبول دولت پذیرنده باشد، واگذار نماید.
- ج -** دولت فرستنده می‌تواند، حفظ منافع خود و منافع اتباع خویش را به دولت ثالثی که مورد قبول دولت پذیرنده باشد واگذار نماید.

**ماده ۴۶****[حفاظت منافع دولت ثالث]**

دولت فرستنده می‌تواند با جلب رضایت قبلی دولت پذیرنده و بنا به درخواست دولت ثالثی که در دولت اخیر نمایندگی ندارد، موقتاً عهده‌دار حفاظت منافع دولت ثالث و اتباع آن گردد.

**ماده ۴۷****[عدم تبعیض در اجرای کنوانسیون]**

۱- دولت پذیرنده در اجرای مقررات این کنوانسیون، تبعیض بین دولتها قائل نخواهد شد.

۲- مع‌هذا، موارد زیر تبعیض تلقی نمی‌شود:

- الف** - این که دولت پذیرنده یکی از مقررات این کنوانسیون را بعلت آنکه دولت فرستنده نسبت به نمایندگی آن، در این مورد محدودیت قائل شده است، بطور محدود اجرا کند.
- ب** - این که دولتهائی بنابر عرف یا توافق، امتیازاتی مناسب‌تر از آنچه مقررات این کنوانسیون پیش‌بینی کرده، متقابلاً برای یکدیگر قائل شوند.

**ماده ۴۸****[امضاء کنوانسیون]**

کنوانسیون حاضر برای امضای کلیه دول عضو سازمان ملل متحد یا هر آژانس تخصصی و نیز هر دولت پیوسته به اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و هر دولت دیگری که به این منظور از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت گردد، به طریق زیر مفتوح خواهد بود.

تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۱، در وزارت خارجه دولت فدرال اتریش و از آن پس تا ۳۱ مارس ۱۹۶۲ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک.

**ماده ۴۹ [سپردن اسناد کنوانسیون نزد دبیر کل سازمان ملل متحد]**

کنوانسیون حاضر به تصویب گذاشته می‌شود. اسناد تصویب نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

**ماده ۵۰****[الحاق به کنوانسیون]**

کنوانسیون حاضر برای الحاق هر دولتی که جزء یکی از چهار گروه مذکور در ماده ۴۸ باشد، مفتوح خواهد بود. اسناد الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

**ماده ۵۱****[تاریخ اعتبار کنوانسیون]**

۱- کنوانسیون حاضر سی روز پس از تاریخ تسلیم بیست و دومین سند تصویب یا الحاق به دبیر کل سازمان ملل متحد، لازم‌الاجراء خواهد گردید.  
 ۲- کنوانسیون حاضر، در مورد هریک از دولی که آنرا پس از تسلیم بیست و دومین سند تصویب یا الحاق، تصویب نمایند یا بدان ملحق شوند، سی روز پس از سپردن سند تصویب یا الحاق آن دولت، لازم‌الاجراء خواهد شد.

**ماده ۵۲****[اطلاع به دولتهای طرف کنوانسیون]**

دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به اطلاع کلیه دولتهائی که عضو یکی از چهار گروه مذکور در ماده ۴۸ باشند، خواهد رساند:  
**الف -** امضاء کنوانسیون حاضر از طرف دولتها و سپردن اسناد تصویب یا الحاق طبق مفاد مواد ۴۸ و ۴۹ و ۵۰.  
**ب -** تاریخی که کنوانسیون حاضر به موجب ماده ۵۱ لازم‌الاجراء می‌شود.

**ماده ۵۳****[نسخ اصلی کنوانسیون]**

نسخه اصلی کنوانسیون حاضر که متنهای انگلیسی، چینی، اسپانیایی، فرانسوی و روسی آن متساویاً معتبر می‌باشند به دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد. دبیر کل رونوشت‌های گواهی شده و مطابق با اصل آن را به تمام دول مشمول یکی از چهار طبقه مذکور

در ماده ۴۸ تسلیم می‌نماید.

برای گواهی مراتب بالا، نمایندگان تام‌الاختیار امضاء کننده زیر که از طرف دولتهای متبوع خود دارای اختیارات لازم می‌باشند، کنوانسیون حاضر را امضاء نمودند.



وین هیجدهم آوریل یکهزار و نهصد و شصت و یک